

مسجد مقدس حکران
تخلیگاہ
صحیفہ النزل

روحی و ارواح العالمین لہذا



سید جعفر میر عظیمی

سخن بختد سحر حكمن

تجلیگاه
صاحبزادگان

روحی وارواح العالمین کہ افسد اء

سید عظیم میر عظمی



مؤسسه انتشارات رسالت



مؤسسة انتشارات رسالت

قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۹۶

مسجد مقدس جمکران، تجلیگاه صاحب الزمان (ع)
حجة الاسلام والمسلمین حاج سید جعفر میرعظیمی

ویراستار سید محمد کاظم میرعظیمی

طرح روی جلد محسن مقدادی

چاپ اول نیمه شعبان ۱۴۱۵ هـ.

تیراژ ۴۰۰۰ نسخه ۲۴۰ صفحه

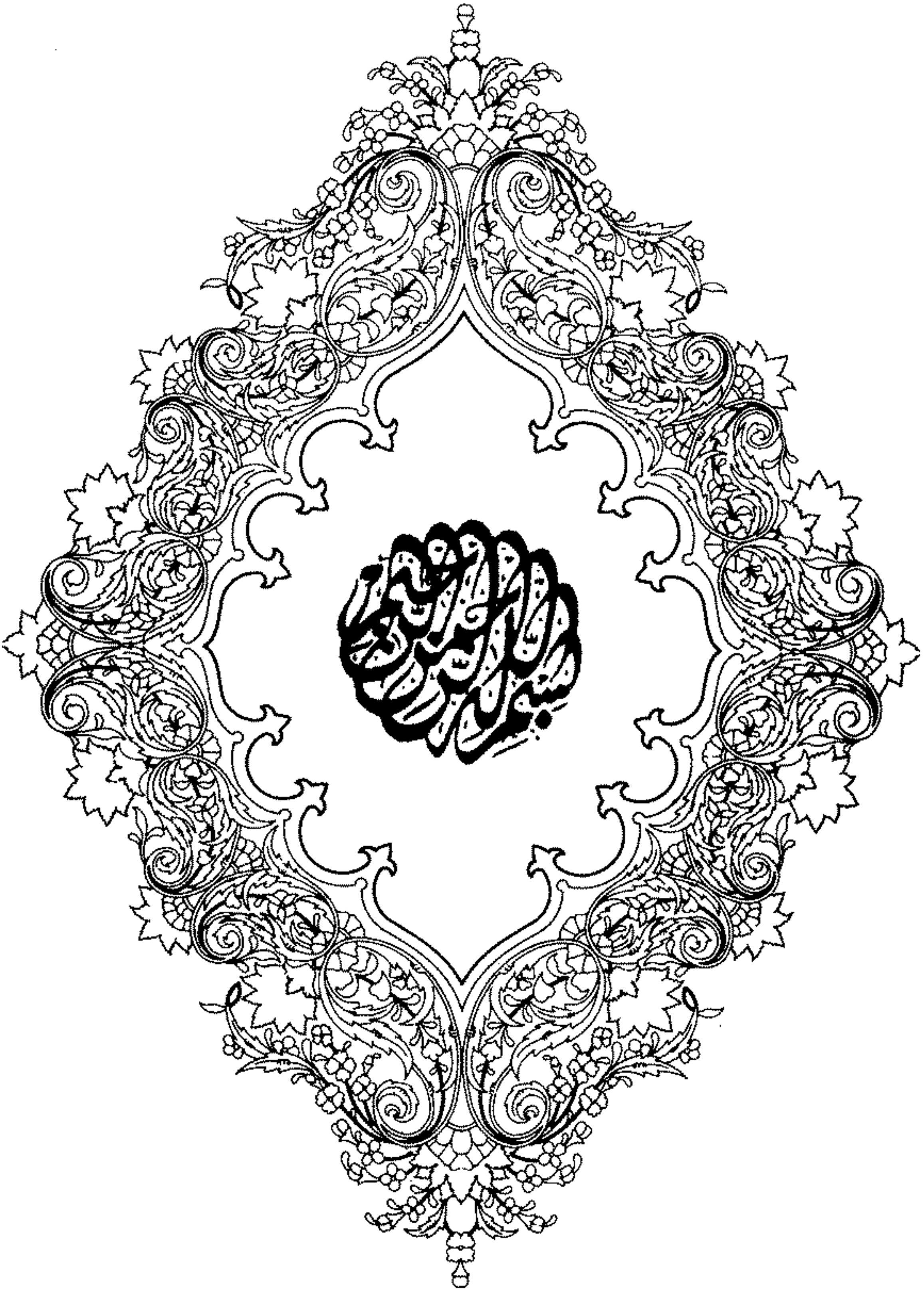
چاپ نهضت ۲۵۱۱۶

حرفچینی ادب

قیمت: ۲۵۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است

عکس روی جلد ساختمان ناتمام مسجد مقدس جمکران (قم)



مہبط انبیاء بود مسجد جمکران قم معبد اولیاء بود مسجد جمکران قم
بہر دوائی دردها، خاصہ گرفتن شفا قبلہ گہ دعا بود مسجد جمکران قم

* * *

ای رہبر عادل و دل آگاہ از ہجر تو سینہ ہاست پُر آہ
ہموارہ نگاہ بی پناہان بر راہ تو، یا بقیۃ اللہ

اهداء کتاب :

بہ : رہروان حق و عدالت .

بہ : پیروان راستین خاندان عصمت و طہارت علیہم السلام

بہ : شیعیان و شیفتگان اہل بیت علیہم السلام

بہ : خادمان علوم آل محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

بہ : مظلومان تاریخ

بہ : عاشقان امام زمان علیہ السلام

سید جعفر میر عظیمی

بِعَدْلِ اللَّهِ
خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ
مُؤْمِنِينَ

پیشگوئی امیر مؤمنان علیه السلام

پیرامون مسجد مقدس جمکران

محمد بن محمد بن هاشم رضوی - از علمای قرن دوازدهم - در کتاب «خلاصه البلدان» از کتاب «مونس الحزین» شیخ صدوق نقل کرده که امیر مؤمنان علیه السلام در یک روایت طولانی از تشریف فرمائی حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - به شهر قم، و تجلی آن حضرت در کنار مسجدی در نزدیکی دهی کهن به نام «جمکران» خبر داده است.

متن کامل این حدیث را صاحب «انوار المشعشعین» از کتاب «خلاصه البلدان» نقل کرده است. (۱)

خوانندگان گرامی می توانند متن آن را در بخش اول کتاب ملاحظه فرمایند. (۲)

۱ - انوار المشعشعین، جلد ۱، ص ۱۹۷

۲ - صفحات ۱۹ - ۲۲ کتاب

پیام حضرت صاحب الزمان

عجل الله تعالى فرجه

پیرامون مسجد مقدس جمکران

حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - خطاب به حسن بن مئله فرمود:

« به مردم بگو به این موضع (مسجد مقدس جمکران) رغبت کنند و آن را عزیز

دارند ... »

آنگاه نماز تحیت مسجد و نماز امام زمان علیه السلام را تعلیم دادند،

سپس فرمودند:

« فَمَنْ صَلَّى بِهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ »:

« هر کس این دو نماز را بخواند همانند این است که در خانه کعبه نماز

گزارده باشد. » (۱)

نماز مسجد مقدّس جمکران

- حضرت بقیّة الله - ارواحنا فداء - هنگامی که به تأسیس مسجد مقدّس جمکران فرمان داد، کیفیت نماز مسجد جمکران را به شرح زیر بیان فرمود:
- ۱ - دو رکعت نماز به نیت نماز تحیّت مسجد، در هر رکعت بعد از حمد، سوره قل هو الله احد هفت مرتبه، ذکر رکوع و سجده هر کدام هفت مرتبه.
 - ۲ - سپس دو رکعت به نیت نماز امام زمان علیه السلام، در هر رکعت بعد از حمد، قل هو الله احد یکمرتبه، ذکر رکوع و سجده هر کدام هفت مرتبه. در رکعت اول و دوّم آیه ایّاک نعبد و ایّاک نستعین صد مرتبه تکرار می شود.
 - ۳ - بعد از نماز: لا اله الا الله یکمرتبه، سپس تسبیح حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - (الله اکبر ۳۴، الحمد لله ۳۳ و سبحان الله ۳۳ مرتبه).
 - ۴ - اللهم صلّ علی محمد و آل محمد یکصد مرتبه در حال سجده. (۱)

مقدمه

مسجد در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. اعتبار و اهمیتی که اسلام به مسجد داده است به هیچ نهادی نداده و مسجد را خانه‌ای برای خدای لامکان معرفی کرده، خانه‌ای از آن خدا که برای مردم است. و لذا می‌بینیم پس از هجرت پیامبر خدا به مدینه، اولین بنیادی که نهاده شد، مسجد بود، و رسول گرامی اسلام نخست در قبا و سپس در مدینه مسجدی را پایه‌گذاری کرد که کانونی برای انجام عبادات و مرکزی برای تجمع مسلمانان و پایگاهی برای تصمیم‌گیری‌های مهم باشد. داستان شورانگیز ساختن اولین مسجد در مدینه و اشتیاق مسلمانان برای انجام این کار و اینکه شخص پیامبر در ساختن مسجد فعالیت می‌کرد، در کتب تاریخ بطور مبسوط آمده و همچنین سرودهایی که مسلمانان در حال ساختن مسجد زمزمه می‌کردند، در این کتابها نقل شده است، از جمله این سرود:

لئن قعدنا و النبی یعمل فذاک من العمل المضلل

اگر ما بنشینیم و پیامبر کار کند این عمل برای ما باعث گمراهی خواهد بود.

یا این سرود که پیامبر و مسلمانان بطور دسته جمعی می خواندند:
 لا عیش الا عیش الاخره اللهم ارحم الانصار و المهاجره^۱
 زندگی نیست مگر زندگی آخرت، خداوندا به انصار و مهاجرین
 رحمت فرما.

اهمیت ساختن مسجد و رفت و آمد و حضور در آن آنچنان زیاد است
 که در قرآن و حدیث تأکیدهای فراوانی بر آن شده است. خداوند در قرآن
 کریم در باره تعمیر مسجد و حضور در آن چنین فرموده است:
 انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الاخر^۲.
 همانا مساجد خدا را کسانی تعمیر می کنند که ایمان به خدا و روز
 قیامت داشته باشند.

لمسجد اسس على التقوى من اول يوم احق ان تقوم فيه^۳.
 مسجدی که از نخستین روز بر اساس تقوی ساخته شده، سزاوار
 است که در آن مقیم باشی.

همچنین در روایات از معصومین علیهم السلام سفارشهای بسیاری
 در باره مسجد شده است که ما به عنوان نمونه به چند حدیث اکتفا می کنیم:
 قال رسول الله «ص»:
 كونوا في الدنيا ضيافا واتخذوا المساجد بيوتاً^۴.

پیامبر خدا فرمود: در دنیا میهمان باشید و مساجد را خانه خود قرار
 دهید.

قال رسول الله «ص»: بشر المشائين الى المساجد في ظلم الليل بنور

۱ - سیره ابن هشام، جلد ۲، صفحه ۱۴۱.

۲ - سوره توبه، آیه ۱۸.

۳ - سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۴ - بحار الانوار، جلد ۸۳، صفحه ۳۵۱.

ساطع يوم القيمة^۱.

پیامبر خدا فرمود: مژده بده به کسانی که در تاریکی‌های شب به مساجد می‌روند به نوری که در روز قیامت می‌درخشد.

قال الصادق «ع»: من بنى مسجدا بنى الله له بيتا فى الجنة^۲.

امام صادق فرمود: هر کس مسجدی را بنا کند، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای را بنا می‌کند.

به خاطر همین سفارش‌ها و تأکیدهاست که مسلمانان در تمام بلاد اسلامی در هر محله و روستایی، مسجد بنا کردند و هیچ محله‌ای نیست مگر اینکه یک یا چند مسجد در آنجا وجود دارد. انبوهی مساجد مسلمانان، دلیل روشنی بر اهتمام فوق‌العاده آنان بر تأسیس مسجد است. به گفته یعقوبی، در بصره هفت هزار مسجد وجود داشت^۳.

و نیز او می‌گوید: بغداد دارای سی هزار مسجد است^۴.

در قرون اولیه اسلامی بخصوص در عهد رسول گرامی اسلام «ص» مسجد مرکز همه گونه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و حتی نظامی بشمار می‌رفت، و می‌توان گفت که مسجد قلب تپنده جامعه اسلامی بود.

از یک سو دادگاه‌ها و محکمه‌های قضائی در مسجد تشکیل می‌شد و مسائل حقوقی و کیفری مردم در مسجد به داوری گذاشته می‌شد و از دیگر سو به عنوان یک مرکز نظامی در امور مربوط به جنگ و سازماندهی سپاه و طراحی نقشه‌های نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفت و مسلمانان از طریق مسجد بسیج می‌شدند و از سوی دیگر مسجد مرکز دید و بازدیدها و

۱ - مستدرک الوسائل، جلد ۳، صفحه ۳۶۳.

۲ - وسائل الشیعه، جلد ۳، صفحه ۴۸۵.

۳ - البلدان، ترجمه فارسی، صفحه ۱۴۱.

۴ - همان کتاب، صفحه ۲۲.

ملاقاتها و محل تجمع مؤمنان و جایی برای مشورتها و تصمیم‌گیریها بود . همچنین مسجد جایگاهی بود برای فراگیری علوم و آموزشهای گوناگونی که جامعه اسلامی به آن نیازمند بود. در مسجد علاوه بر بیان احکام و مسائل فقهی و تفسیر قرآن، اصول عقائد اسلامی و حتی بحثهای ادبی و عقلی مورد مذاکره قرار می‌گرفت .

مسلمانان در طول تاریخ به ساختمان مساجد نیز اهمیت خاصی داده‌اند و گاهی با ساختن یک مسجد شاهکار بزرگ معماری عصر را به وجود آورده‌اند .

در مساجد، تجلی انواع هنرهای اسلامی را می‌توان دید، مسجد نموداری از هنر معماری و کاشی‌کاری و نقاشی و خطاطی و گچ‌بری و آئینه‌کاری و منبت‌کاری و صنایع دستی و دیگر انواع هنرها که در قندیل‌ها و فرشها و پرده‌ها و ظرفها و شمعدانی‌ها بکار رفته است می‌باشد، و می‌توان گفت : مسجد گالری هنرهای اسلامی است .

بعضی از مساجد از لحاظ معنوی خصوصیات خاصی دارند که مساجد دیگر فاقد آن هستند، مثلاً خاطره مهمی را به یاد می‌آورند و یا به وسیله و یا دستور عزیزی و ولیی از اولیاء خدا ساخته شده‌اند که همین امر موجب عظمت آن مسجد و توجه ویژه مسلمانان به آن شده است مانند مسجد الحرام که پایگاه توحید و محل انجام مناسک عظیم حج است و یا مسجد پیامبر در مدینه که یادآور خاطره خطیر پیامبر بزرگوار اسلام و هم محل دفن پیکر پاک آن بزرگوار است . و همچنین مسجد الاقصی و یا مسجد کوفه و مسجد سهله و یا مسجد براتنا که هر کدام دارای خاطره‌ها و سوابق درخشان تاریخی است .

یکی از مساجدی که نام آن همواره یادآور نام گرامی حضرت بقیه الله

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، مسجد مقدس «جمکران» در شش کیلومتری شهر قم می باشد که حدود یکهزار سال پیش به دستور خود آن حضرت ساخته شده و از آن زمان به بعد مطمح نظر و مورد توجه عاشقان و دلباختگان و ارادتمندان آن حضرت قرار گرفته است.

در طول تاریخ این مسجد کرامات و معجزات بسیاری در آنجا دیده شده و شیعیان و علاقمندان حضرت مهدی «ع» از هر سو بار سفر بسته و برای خواندن نماز در این مسجد مسافرت می کنند و این مسجد همواره از احترام و قداست خاصی برخوردار است. از بعضی از علماء و مراجع تقلید و بزرگان، معجزات و عنایاتی در باره این مسجد نقل شده که نشان می دهد آنان چگونه به این محل مقدس احترام می گذاشتند، از جمله آنها مرحوم آیه الله العظمی حائری مؤسس حوزه علمیه قم، و مرحوم آیه الله العظمی حجت کوه کمری، آیه الله العظمی امام خمینی، مرحوم آیه الله العظمی سید محمد تقی خوانساری و مرحوم آیه الله العظمی بروجردی، و مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی، و مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی، مرحوم آیه الله العظمی اراکی و غیر آنها را می توان نام برد. عنایت و علاقه مقام معظم رهبری به این مسجد مقدس جمکران آنقدر زیاد است که طبق گفته مسئولین محترم بارها به این مسجد شریف جمکران تشریف آورده اند، نظر آنان را در باره مسجد جمکران در همین کتاب نقل خواهیم کرد.

همچنین از علماء و اساتید حوزه علمیه و مراجع فعلی نیز که در حال حیات هستند نمونه هایی در ذکر معجزات و کرامات این مسجد خواهیم آورد.

ما در این کتاب تاریخچه احداث مسجد مقدس جمکران را با تکیه بر منابع فراوانی از کتب علماء گذشته ذکر خواهیم کرد و آنگاه نظرات علماء و

اساتید و مراجع را خواهیم آورد و نمونه‌های اندکی از معجزات بسیاری که در این مکان شریف به وقوع پیوسته است نقل خواهیم کرد، و در پایان مطالب مختصری در پیرامون حضرت مهدی ارواحنا فداه خواهیم آورد.

این کتاب ارمغانی است برای شیفتگان امام زمان و عاشقان مسجد جمکران که همواره و بخصوص در شبهای چهارشنبه از اطراف و اکناف و دور و نزدیک آهنگ سفر به مسجد جمکران می‌کنند و در گوشه‌ای از آن با خدای خود با راز و نیاز مشغول می‌شوند، و پس از ادای نماز مخصوص مسجد، به دنبال گمشده خود هستند و آن دردانه یکتا و عزیز سفر کرده را می‌خوانند و راز دل خود را با او در میان می‌گذارند.

تا تو ز کسی روی نهان کرده‌ای خون به دل پیر و جوان کرده‌ای

در آخرین فراز از این پیشگفتار توجه خوانندگان گرامی را به این نکته جلب می‌نمایم که فرمان لازم الاطاعة حضرت بقية الله - ارواحنا فداه - به شیخ حسن بن مثله جمکرانی در بیداری بوده، چنانکه از متن داستان و تأکید مرحوم آیت الله حائری به روشنی ثابت می‌شود، و بنای فعلی مسجد مقدس جمکران نیز به فرمان آن حضرت است، چنانکه در منابع و مآخذ بر آن تأکید شده است.

بر شیفتگان حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که این مکان مقدس را قدر بدانند و در هر فرصتی به این مکان مقدس بشتابند و مشکلات خود را با آن امام رؤف در میان بگذارند، و خدای را به نام او بخوانند و سریع الاجابه بیابند، ما نیز عاجزانه از شیفتگان کوشش تقاضا می‌کنیم که به هنگام تشریف نخست برای تعجیل در امر فرج دعا کنند و حوائج آن حضرت را بر حوائج خویش مقدم بدانند.

ای عاشقان امام زمان و علاقمندان مسجد مقدس جمکران، قدر

خودتان را بیشتر بدانید که خداوند این توفیق را به شما داده است، در این مکان مقدس « مسجد جمکران » مشغول عبادت و راز و نیاز باشید، مسجدی که حضرت امیرالمؤمنین علی «ع» از آن به پسر یمانی خبر داده است، مسجدی که به امر مبارک حضرت ولی عصر امام زمان «ع» بنا گردیده.

امام زمان فرموده: من صلی فیہ کمن صلی فی البیت العتیق.
مسجدی که آیات عظام و علماء اعلام پیاده به آن مکان مقدس مشرف می شدند.

مسجدی که رفت و آمد حضرت بقیة اللہ الاعظم امام زمان «ع» به آن می باشد، که در این مدت عده ای زیاد محضر آن بزرگوار رسیده و از برکات آن حضرت به فیض رسیده اند.

اگر کسی دارد به دل درد و فغان
جمکران دارالشفای مؤمن است
بایدش رو آورد بر جمکران
چون طبیب آن بود صاحب زمان
در خاتمه:

امیدوارم که این اثر ناچیز مورد عنایت حضرت رب الارباب و ارواح طیبه حضرات معصومین علیهم السلام قرار گیرد و خوانندگان محترم را مفید فایده و مثمر ثمر باشد و برایم باقیات الصالحات باشد، برای یوم لا ینفع مال و لا بنون، و الباقیات الصالحات خیر عند ربك ثواباً و خیر اقلاً.

در اینجا فرصت را مغتنم شمرده، از آیات عظام و علماء اعلام و حجج اسلام و بزرگان و دوستان عزیز که از تألیفات قبلی اینجانب استقبال کردند و مرا مورد تشویق قرار دادند صمیمانه سپاسگزاری می کنم و ثوابی از آن به ارواح مقدسه علماء و شهداء و صالحین از مؤمنین و بانیان خیر و اموات دوستانی که ما را در چاپ این کتاب پر ارزش مسجد جمکران

تجلی‌گاه صاحب الزمان «ع» یاری نمودند و والدین اینجانب و اخوی
 محترم مرحوم مغفور آیت الله حاج سید قادر میر عظیمی قرار دهد، آمین
 یا رب العالمین بحق محمد و آله الطاهیرین.

حوزه علمیه قم

سید جعفر میر عظیمی

تلفن منزل: ۴۲۶۰۸

کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع»

تلفن و فاکس: ۵۳۰۶۷

بخش اول :

**پیشگوی امیر مؤمنان
علی علیه السلام
از مسجد مقدس جمکران**

امیر مؤمنان علی علیه السلام

از مسجد مقدس جمکران خبر می دهد

محمد بن محمد بن هاشم حسینی رضوی قمی به تقاضای مولی محمد صالح قمی به سال ۱۱۷۹ هـ در پیرامون فضیلت شهر قم و بیان تاریخچه تأسیس مسجد مقدس جمکران به فرمان حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه - کتاب ارزشمندی تألیف کرده و آن را « خلاصة البلدان » نام نهاده است .

شیخ آقا بزرگ تهرانی این کتاب را مشاهده کرده و انگیزه نگارش آن را بیان فرموده است «^۱» .

صاحب کتاب « انوار المشعشعین » فrazهائی از این کتاب را در کتاب خود آورده است .

وی در نور مشعشع سوم حدیثی را از وجود مقدس امیر مؤمنان علیه السلام در رابطه با مسجد مقدس جمکران خطاب به فرزند یمانی آورده است که متن کامل آن حدیث شریف را در اینجا می آوریم :

در خلاصة البلدان این حدیث مذکور است از کتاب مونس الحزین از تألیفات شیخ صدوق، با اسناد صحیح و معتبر از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود :

« ای پسر یمانی در اول ظهور خروج نماید قائم آل محمد از شهری

که آن را قم می‌گویند و مردم را دعوت کند به حق و همه خلائق از شرق و غرب به آن شهر قصد کنند و اسلام تازه گردد و هر که از خوف اعداء پوشیده و مخفی باشد بیرون آید و حوش و طیور در مساکن و اوطان خود ایمن بخوابد و چشمه آب حیات از آن شهر ظاهر شود و آبی که هر کس بخورد نمیرد و از آب چشمه‌ها منفجر شود و از آن موضع رایت حق ظاهر شود و میراث جمله انبیاء بر پشت زمین به آن باشد، ای پسر یمانی این زمین مقدسه است که پاک است از تمام لوئها و از خدای تعالی درخواستی که بهترین خلق خود را ساکن او گرداند و دعایش مستجاب شده و حشر و نشر مردم در این زمین باشد و بر این زمین اساس و بنیاد قصری عظیم نمایند، بعد از اینکه بنای قصر مجوس بوده باشد و آن قصر از صاحب شهرت ملک روم باشد و از این زمین گوسفند ابراهیم خلیل را آورند و قربان کنند و بر این زمین هزار صنم و بت از اصنام اهل روم بشکنند و بر این زمین اثر نور حق ساطع شود و از این زمین رائحه و بوی مشک شنوند، حق تعالی بیت العتیق را به این شهر فرستد و بناها و آسیابها بر این زمین شود و منازل و مواضع زمینهای اینجا عالی و گرانبها گردد که چندان زمین که پوست گاوی باشد به پانصد دینار بدهند و عمارت آن هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد و رایت وی بر این کوه سفید بزنند، به نزد دهی کهن که در جنب مسجد است و قصری کهن که قصر مجوس است و آن را جمکران خوانند از زیر یک مناره آن مسجد بیرون آید نزدیک آنجا که آتشیخانه گبران بوده و حضرت امام سلفی از زر بسته باشد و بر براق سوار شده و با ملائکه مقرب و حاملان عرش گردش نماید و منطق آدم با او باشد و حلم خلیل الله و حکمت حضرت داود و عصای موسی و خاتم حضرت سلیمان و تاج طالوت و بر سر آن نوشته است نام هر پیغمبری و وصی و نام هر مؤمنی و موحدی.

توضیح و بیان: حضرت امیر «ع» می فرماید در این حدیث شریف که چشمه آب حیات در شهر قم ظاهر شود که هر کس بنوشد نمیرد شاید مراد آن باشد که دلش نمیرد و همیشه منور باشد به نور ایمان یا آنکه کنایه باشد از طول عمر که روایت است که در زمان ظهور حضرت حجت در زمان رجعت ائمه مردم زیاد عمر می کنند و احتمال اولی انساب است.

و ایضاً حضرت امیر علیه السلام خبر از این مسجد جمکران داده و فرموده که کوه سفید به نزدیک دهی کهن در جنب مسجد است و الحال همین طریق است که جمکران نزدیک مسجد است و قصری کهن که قصر مجوس است که در زمان صاحب تاریخ قم وجود بوده، همین بس است در فضیلت این مسجد که حضرت امیر «ع» خبر داده از او و حال آنکه در آن زمان آثار مسجد نبوده.

و ایضاً حضرت امیر «ع» در اول این حدیث فرمودند: ای پسر یمانی اول ظهور خروج نماید از شهری که آن را قم گویند و در آخر همین حدیث تعیین می کند حضرت امیر «ع» که از کدام قطعه زمین قم بیرون آید قائم آل محمد «ص» می فرماید از زیر یک مناره آن مسجد که مراد مسجد جمکران باشد.

الحاصل آنکه از این حدیث چنین مستفاد می شود که حضرت حجة از قم ظهور نماید یا از زیر یک مناره آن مسجد یا آنکه بگوئیم از نزدیک مناره آن مسجد بیرون آید، هر سه را احتمال می رود لکن روایتی وارد شده از حضرت رسول «ص» که ابتدای ظهورش از کرعه می باشد هم چنانی که در نجم الثاقب مذکور است و در روایات معتبره وارد شده که از مکه ظهور خواهد نمود، لکن جمع ما بین این روایات سهل و آسان است بعد از اینکه ابتدا بر سه قسم می باشد ابتدای حقیقی و اضافی و عرفی می توان گفت

حضرت این هر سه شهر را بقدم خود منور می سازد.

همچنانی که کلام فرزندش حضرت حجت دال بر همین مطلب است که فرمودند: به حسن بن مثله که به حسن بن مسلم بگو این زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را برگزیده از زمینهای دیگر و شریفش نموده پس آنچه مستفاد می شود از کلام حضرت آن است که این زمین را خدا محترماً خلق نموده و برگزیده از سایر زمینها که جایز نیست تصرف و حیازت او به خلاف و خداوند عالم زمین را خلق نمود از برای نبی نوع انسانی که جایز است تصرف و حیازت نماید یا که تصرف مالکانه نماید بلکه او را محترماً و شریفش خلق کرد و خانه خود را بر روی او قرار داد که بندگانش بروند در آن موضع شریف عبادت کنند او را و اگر مثل سایر زمینها بود هر آینه حضرت حجت نمی فرمود که چرا حسن بن مسلم این زمین را تصرف گرفته و زراعت می کنند پس معلوم می شود که این قطعه زمین به مثل کعبه و بیت الله الحرام می باشد که شریک است با موضع کعبه و مسجد الحرام در این شرافت و فضیلت که ابتداء خلقتشان مسجد و محترماً خلق نموده که این از برای احدی جایز نبوده و نخواهد بود حیازت و تصرف مالکانه نمودن هم چنانی که موضع کعبه و مسجد الحرام امتیاز دارد بر سایر مساجدی که مخلوق آن را مسجد می نامند، این مسجد جمکران هم امتیاز دارد از سایر مساجد به جهت آنکه این موضع را خدا مسجد خلقش کرده پس امتیاز دارد از مساجدی که آن را مخلوق مسجد نمایند^۱.

اگر چه کعبه حریم خدای لم یزلی است بناء مسجد صاحب زمان به قم ازلی است
 بناء کعبه حریم خدای سبحان است نگر که مژده مسجد روایتش ز علی است^۲

۱- انوار المشعشعین، جلد ۱، صفحه ۱۹۷.

۲- حجة الاسلام هادی غضنفری خوانساری.

صاحب الزمان «ع» مسجد جمکران

اما کنی که به قدوم مبارک حضرت صاحب الزمان «ع» زینت یافته‌اند و دعا برای تعجیل فرج آقا امام زمان «ع» در آنجاها تأکید شده است از جمله: مسجد الحرام، عرفات، سرداب مبارک در شهر سامره، حرم حضرت سید الشهداء «ع»، حرم مولایمان حضرت رضا «ع»، حرم عسکرین علیهما السلام، حرم هر یک از امامان علیهم السلام، مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه و مسجد مقدس جمکران قم و غیر اینها از مواضعی که بعضی از علماء اعلام و مراجع عالیقدر و صلحا آن حضرت را در آنجاها دیده‌اند یا در روایات آمده که آن جناب در آنجا توقف دارد مانند مسجد الحرام و تعظیم و احترام سایر چیزهایی که به آن حضرت اختصاص دارد.^۱

بخش دوم :

تاریخچه

مسجد مقدس جمکران

مسجد مقدس جمکران

مسجد صاحب الزمان - عجل الله فرجه الشریف - در ۶ کیلومتری شهر مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد. این مکان مقدس، تحت توجهات و عنایات خاصه حضرت بقیة الله قرار دارد و خود آقا از شیعیان شان خواسته اند که به این مکان مقدس روی آورند، زیرا این مکان مقدس دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است. لذا سزاوار است که زائرین عزیز از برکات این مکان مقدس، حداکثر استفاده را ببرند و مراقب باشند که مسائل فرعی توجه شان را به خود جلب نکند و خود را در برابر حضرت مهدی (ارواحنا فداه) حاضر ببینند و از انجام اعمالی که قلب مبارک آن حضرت را آزرده می سازد خودداری کنند. متذکر می گردد که علماء و شیفتگان آقا استفاده های فراوان از این مسجد مقدس برده اند. سعی کنید در این مکان مقدس، لحظاتی را با آقای خود خلوت کرده و خالصانه برای ظهور مقدس حضرتش دعا کنید. زیرا بهبود همه چیز، تنها در سایه قیام شکوهمند آقا امکان پذیر است.

فراموش نکنیم که حق امام زمان ما غصب شده و آقا در نهایت غریبی زندگی می کند و حقیقتاً دل آقا خون است. آقا شاهد تمام مصیبت هایی است که بر شیعیانش وارد می شود. پس ظهور آقا را از درگاه احدیت سبحانه

و تعالی بخواهید و چه مکانی بهتر از مسجد شریف جمکران برای دعا کردن جهت ظهور آقا امام زمان علیه السلام .

تاریخچه مسجد صاحب الزمان علیه السلام

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید : من شب سه شنبه ، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ قمری در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه ، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند برخیز و طلب امام مهدی علیه السلام را اجابت کن که تو را می خواند .

آنها مرا به محلی که اکنون مسجد (جمکران) است آوردند . چون نیک نگاه کردم ، تختی دیدم که فرش نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت ، تکیه بر بالش کرده و پیری هم پیش او نشسته است ، آن پیر حضرت خضر علیه السلام بود . پس آن پیر مرا بنشانند .

حضرت مهدی علیه السلام مرا به نام خود خواند و فرمود : برو به حسن مسلم ، که در این زمین کشاورزی می کرد ، بگو که این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کنند .

حسن بن مثله گفت : یا سیدی و مولای ، لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم و الا مردم حرف مرا قبول نمی کنند . آقا فرمودند : تو برو و آن رسالت را انجام بده ، ما خودمان نشانه هایی برای آن قرار می دهیم و پیش سید ابوالحسن برو و به او بگو حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین بدست آورده است وصول کند و با آن پول مسجد را بنا کند .

نماز امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران

امام زمان علیه السلام به حسن بن مثله جمکرانی فرمود: و به مردم بگو: بدین مکان رغبت کنند و آنرا عزیز دارند. و چهار رکعت نماز در آن گذارند. دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسجد است که در هر رکعت آن یک حمد و هفت قل هو الله احد خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند. دو رکعت دوم به نیت نماز صاحب الزمان علیه السلام خوانده می شود، بدین صورت که سوره حمد را شروع می کنیم و چون به آیه ایاک نعبد و ایاک نستعین می رسیم این آیه شریفه را صد مرتبه تکرار می کنیم و بعد از آن بقیه سوره حمد را می خوانیم، بعد از پایان حمد سوره قل هو الله احد را فقط یکبار می خوانیم و به رکوع می رویم و ذکر سبحان ربی العظیم و بحمده را هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می کنیم و ذکر هر کدام از سجده ها نیز، هفت مرتبه است. رکعت دوم نیز به همین گونه است. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود، یکبار گفته می شود: لا اله الا الله و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد.

فضیلت خواندن نماز در مسجد جمکران

آنگاه امام مهدی «ع» فرمودند: هر کس این دو رکعت نماز (نماز امام صاحب الزمان) را در این مکان (مسجد مقدس جمکران) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.

حسن بن مثله می گوید: چون من پاره ای راه آمدم، دوباره مرا بازخواندند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن

و بدین موضع آور و آن را بکش و بر بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد.

وی می گوید: من سپس به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم تا اینکه نماز صبح خوانده و سپس به سراغ علی المنذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان موضع شب گذشته رفتم. وقتی که رسیدیم، زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام علیه السلام حدود بنای مسجد را نشان می داد، سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادمان او گفتند که سید از سحر در انتظار تست و تو از جمکران هستی، به او گفتم: بلی، به درون خانه رفتم و سید مرا گرمی داشت و گفت: ای حسن بن مثله، من در خواب بودم که شخصی به من گفت که حسن بن مثله نام از جمکران پیش تو می آید، هر چه گوید تصدیق کن و بر قول او اعتماد کن که سخن او سخن ماست، و قول او را رد نکن و از هنگام بیدار شدن از خواب تا این ساعت منتظر تو بودم و آنگاه بود که ماجرای شب گذشته را بروی تعریف کرد.

سید بلافاصله فرمود تا اسبها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدند. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدند گله جعفر کاشانی را دیدند، حسن بن مثله به میان گله رفت و آن بز که از پس همه گوسفندان می آمد پیش حسن بن مثله دوید، جعفر سوگند یاد کرد این بز در گله من نبوده و تا کنون آن را ندیده بودم، به هر حال آن بز را به مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورد با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) شفا یافت. حسن مسلم را احضار کرده و منافع زمین را از او گرفتند و مسجد جمکران را با چوب و دیوار پوشانیدند، سید زنجیرها و میخها را با خود به قم برد و در خانه خود

گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را بدان زنجیر می‌مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می‌فرمود. ولی پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها پنهان گشته و دیگر کسی آنها را ندید.

این بود تاریخ مختصری از مسجد مقدس جمکران و چگونگی بنای آن و نماز حضرت صاحب الزمان علیه السلام.

مشروح فرمان مقدس حضرت بقیة الله - ارواحنا فیداه - برای تأسیس مسجد مقدس جمکران را علامه نوری در کتاب شریف نجم ثاقب، صفحه ۲۹۴ و جنة المأوی، صفحه ۲۳۰ از کتاب گرانقدر «مونس الحزین» تألیف شیخ صدوق نقل کرده است.

در این رابطه در منابع فراوانی به اجمال و تفصیل سخن رفته است که از آن جمله است:

- ۱- بحار، جلد ۵۳، صفحه ۲۳۰.
- ۲- جمال الاسبوع، صفحه ۲۸۰.
- ۳- مستدرک الوسائل، جلد ۳، صفحه ۴۳۲.
- ۴- الزام الناصب، جلد ۲، صفحه ۵۸.
- ۵- مکیال المکارم، جلد ۲، صفحه ۵۶۳.
- ۶- کلمة طيبة، صفحه ۳۳۷.
- ۷- الذریعة، جلد ۲۳، صفحه ۲۸۲.
- ۸- تاریخ قم، ناصر الشریعة، صفحه ۶۰.

معجزاتی از تأسیس مسجد جمکران

بعضی آیات و معجزات و کراماتی که از این مسجد مقدس جمکران قم واقع شده که چه بسیار فوائد و آیات که به واسطه این موضع شریف جمکران به ظهور رسیده که باعث حیرت می باشد، هم چنانی که خانه کعبه آیتی از آیات الهی می باشد این موضع مسجد هم همین گونه است زیرا تأسیس این مسجد بر اساس معجزاتی است.

اول آنکه حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام خبر داده بود به پسر یمانی به مسجد بودن این زمین.

دوم آنکه در زمان حضرت حجة علیه السلام شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید من شب سه شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان خفته بودم در سرای خود که ناگاه جماعتی مردم به در سرای من آمدند و گفتند برخیز و طلب امام مهدی علیه السلام را اجابت کن که ترا می طلبد، آنگاه خواست سراویل بپوشد، او را گفتند از بیرون خانه که از آن تو نیست این سراویل از خود را بپوش.

سوم: تمام اینها در بیداری بوده است چون شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید من خواب بودم بیدارم کردند.

چهارم آنکه خواست پیراهن بپوشد آواز رسید از بیرون خانه که این پیراهن از تو نیست از خود را بپوش.

پنجم آنکه از پی کلید در خانه می گشت، به او گفتند در خانه باز است. ششم آنکه از خانه بیرون آمد به او گفتند که امام صاحب الزمان علیه السلام ترا می طلبد و او را بردند در این زمین مسجد جمکران.

هفتم آنکه دید زیاده از شصت نفر مرد در این زمین گرد آمده اند و نماز

می کردند، بعضی جامه های سبز داشتند و بعضی سفید.

هفتم آنکه دید حضرت حجة علیه السلام را که به روی تخت نشسته و بر بالها تکیه داده.

نهم آنکه حضرت خضر علیه السلام را دید که نزد حضرت حجة علیه السلام نشسته و کتابی در دست دارد و از برای حضرت می خواند.

دهم هلاک دو جوان حسن بن مسلم به واسطه کشت و زرع این موضع مسجد مقدس جمکران.

یازدهم خبر دادن حضرت از زراعت حسن بن مسلم در مدت پنج سال.

دوازدهم خبر دادن حضرت به حسن بن مثله که علامتی از برای تو قرار خواهیم داد فردا که آمدی حسن بن مثله دید که زنجیری به حدود مسجد کشیده شده.

سیزدهم خواب دیدن سید ابوالحسن رضا که به او گفتند فردا حسن بن مثله هر چه می گوید تصدیق کن که قول او قول ما می باشد.

چهاردهم خبر دادن حضرت که فردا بزی هست در گله جعفر شعبان کاشی به این نشان و علامت.

پانزدهم آمدن خود بز در نزد حسن بن مثله جمکرانی بدون آنکه کسی او را بیاورد.

شانزدهم معلوم نبود که آن بز از کجا آمده بود، احتمال دارد که بهشتی بوده.

هفدهم شفا بودن گوشت آن بز برای هر مریض به همان طریقی که امام زمان علیه السلام فرموده بود.

هیجدهم آن زنجیری که از برای تعیین حدود مسجد کشیده بود هر

صاحب علتی که بر بدن خود می مالید شفا می یافت .

نوزدهم آن زنجیر در میان صندوق بوده در خانه سید ابوالحسن الرضا، لکن بعد از فوت او مفقود شد یکی از اولادهای او مریض شد رفتند بر سر صندوق نیافتند آن زنجیر را .

این آیات و معجزات و فوایدی بوده که در آن زمان در مقام ظهور و بروز رسیده^۱، اما کرامات دیگر هم زیاد دیده و شنیده شده است، ما در اینجا مختصری از آن معجزات و کرامات که از آیات عظام و علماء اعلام و مراجع بزرگوار شیعه و مؤمنین و علاقمندان حضرت صاحب الزمان علیه السلام دیده و یا شنیده اند نقل می کنیم .

بخش سوم :

اهمیت

مسجد مقدّس جمکران

از دیدگاه

فقهای اسلام و علماء اعلام

و آیات عظام

آیه الله العظمی آقای شیخ عبدالکریم حائری

مرحوم حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد علی اراکی طاب ثراه در نماز جمعه قم فرمودند چند روز به اول ماه مانده عالم ربانی آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی محضر مبارک آیه الله العظمی آقای شیخ عبدالکریم حائری متوفای ۱۳۵۵ هـ ق می رسیدند جهت شهریه طلاب حوزه، سؤال می کردند وضع شهریه چطور است؟ مرحوم حائری می فرمودند جز سرمایه توکل چیزی در دست نیست، ایشان « آقای بافقی » راهی مسجد مقدس جمکران می شدند، از توجهات صاحب الزمان «ع» مشکل شهریه حل می شد^۱.

آیت الله العظمی خوانساری پیاده به مسجد جمکران می رود

آیه الله احمدی میانجی فرمودند: از جمله بزرگان که به مسجد مقدس جمکران خیلی علاقه داشتند حضرت آیه الله العظمی آقای سید محمد تقی خوانساری رحمه الله علیه متوفای ۱۳۷۲ هـ ق که با مرحوم حضرت آیه الله العظمی آقای اراکی متوفای ۱۴۱۵ هـ ق پیاده به مسجد شریف جمکران می رفتند.



۱- نقل از آیه الله شیخ ابوالحسن مصلحی.

آیه الله آقای حاج شیخ مرتضی حائری و مسجد جمکران

ایشان می نویسند: مسجد جمکران یکی از آیات باهرات عنایت آن حضرت است، و توضیح این مطلب در ضمن چند جهت - که شاید خیلی ها از آن غافل باشند - مذکور می شود:

(۱) داستان مسجد جمکران که در بیداری واقع شده، در کتاب تاریخ قم که کتاب معتبری است، از صدوق علیه الرحمه نقل شده است. مرحوم آقای بروجردی که مرد دقیق و ملایمی بود، می فرمود: این داستان در زمان صدوق علیه الرحمه واقع شده، و او نقل کرده است، دلالت بر کمال صحت آن دارد.

(۲) داستان مشتمل بر جریانی است که مربوط به یک نفر نیست، برای این که صبح که مردم بیدار می شوند می بینند با زنجیر علامت گذاشته شده است که مردم باور کنند. و این زنجیر مدتی در منزل سید محترمی ظاهراً به نام سید ابوالحسن الرضا بوده است، و مردم استشفاء به آن می نموده اند. و بعداً بدون هیچ جهت طبیعی مفقود می شود.

(۳) جای دور از شهر و در وسط بیابان جایی نیست که مورد جعل یک فرد جمکرانی بشود، آن هم دست تنها در یک شب ماه رمضان.

(۴) نوعاً مردم عادی به واسطه ی خواب یک امامزاده را معین می کنند، و مسجد از تصور مردم عادی دور است.

(۵) اگر پیدایش این مسجد روی احساسات مذهبی و علاقه مفراط به حضرت صاحب الامر «ع» بود، می بایست سراسر توسل به آن بزرگوار باشد، چنانکه در این عصر مردم بیشتر زیارت حضرتش در آن مسجد می خوانند و متوسل به آن حضرت می شوند، در صورتی که در این دستور

معنوی اصلاً اسمی از آن حضرت نیست، حتی تا به حال هم بیشتر معروف به مسجد جمکران است، نه مسجد صاحب الزمان.

(۶) متن دستور موافق با ادله دیگر است، برای اینکه هم نماز تحیت مسجد وارد شده است و هم نماز صد بار ایاک نعبد و ایاک نستعین، و هم تهلیل و تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیها.

(۷) این دو داستان که نقل شد، مشهود و یا مثل مشهود خودم بود، و داستانهای دیگری هست که فعلاً تمام خصوصیات آن را در نظر ندارم، بعداً انشاء الله تحقیق نموده در این دفتر - باذنه تعالی - ذکر می‌کنم.

(۸) در آن موقع که زمین این قدر بی ارزش بوده است، فقط یک مساحت کوچکی را مورد این دستور قرار داده‌اند، که ظاهراً حدود سه چشمه از مسجد فعلی است، که در زمان ما خیلی بزرگ شده است (ظاهراً آن چشمه‌ای که در آن محراب هست، و دو چشمه طرفین باشد).

نگارنده که خالی از وسوسه نیستم، و خیلی به نقلیات مردم خوش بین نیستم، از این امارات به صحت این مسجد مبارک قطع دارم، و الحمد لله علی ذلک، و علی غیره من النعم التي لا تحصى^۱.

۱. از دستنویس‌های مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ مرتضی حائری، که در واحد فرهنگی کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

آیه الله حجت و مسجد جمکران

آیه الله العظمی آقا سید محمد حجت کوه کمری قدس سره متوفی ۱۳۷۲ هجری قمری چهل نفر از فضلاء حوزه علمیه قم را انتخاب نمودند و دستور فرمودند به مسجد مقدس جمکران بروند و در آنجا بعد از نماز صاحب الزمان زیارت عاشورا بخوانند و دعا کنند که از عنایت حضرت ولی عصر خداوند متعال باران بفرستد.

طلاب محترم صبح پیاده عازم مسجد جمکران شدند و بعد از نماز و زیارت عاشورا و دعا جهت باران که مدتی بود باران نیامده بود از مسجد جمکران بیرون آمدند به طرف شهر مذهبی قم، وسط راه باران چنان گرفت که قابل تحمل نبود، وقتی وارد منزل شدند جهت نهار که خود آقا دستور داده بود که گوسفندی بکشند و آبگوشت درست کنند تمام لباسهای آقایان خیس شده بود به طوری که فشار می دادند از لباس و عمامه ها آب جاری می شد.

از برکات مسجد جمکران و عنایت حضرت صاحب الزمان نسبت به سربازان خود در آن روز بارندگی مفصلی شد^۱.

آیت الله العظمی آقای حجت در مسجد شریف جمکران

حضرت آیت الله العظمی آقای حجت رحمت الله علیه که برای طلاب حوزه علمیه شهریه می دادند روز آخر ماه بود برای فردا که اول ماه باشد زمینه برای شهریه نداشتند، به خادم می فرماید مرکب را آماده کن تا بروم به مسجد جمکران، معظم له عازم مسجد می شوند، بعد از نماز

۱- از آیت الله سید مهدی مرعشی.

صاحب الزمان «ع» و دعا عرض می کنند آقا امام زمان علیه السلام این حوزه علمیه مال شما است، این طلبه ها سربازان حضرت تعالی هستند، آبروی ما مربوط به شما است، راجع به شهریه حوزه عنایتی فرمائید، وقتی به منزل تشریف می آورند خادم عرض می کند آقا بعد از شما دو نفر آمدند و منتظر شما هستند، معلوم می شود جهت دادن وجوه شرعیه آمده اند و مبلغی پول خدمت آیت الله العظمی آقای حجت می دهند، وقتی می شمارند می بینند به اندازه شهریه همین ماه است^۱.

نظر آیه الله العظمی بروجردی در باره مسجد جمکران

حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی «قدس سره الشریف» متوفی ۱۳۸۰ هجری قمری فرمودند: اگر موفق بشوم، در قم دو کار انجام خواهم داد، یکی راه مسجد جمکران را باز خواهم کرد، دومی بیمارستانی در شهر قم بنا خواهم نمود^۲.

سخنان حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی

متن نامه حضرت حجة الاسلام واعظ شهیر آقای حاج سید صادق شمس الدینی (معروف به شمس)

حجة الاسلام جناب آقای عظیمی زید توفیقاته، پس از عرض سلام حسب الامر دو خاطره جهت کتاب ارزشمندی که در تعظیم مسجد جمکران در دست تألیف دارید تقدیم می گردد، اول: اینکه اینجانب شاهد تشریف مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی طباطبائی رحمة

۱- از آیه الله بنی فضل.

۲- حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا کیانی نژاد.

اللّه علیه بودم که چون محل پدری ما نزدیک به دروازه کاشان قم بود و راه نزدیک جمکران از آنجا می‌گذشت آن مرجع جهانی به وسیله درشکه تشریف به مسجد پیدا کردند و اهالی محل بخصوص ائمه جماعات اطراف آن محل آماده شدند که در مراجعت آن مرحوم نماز مغرب و عشاء را به امامت آن مرجع در مسجد کیهانی برقرار سازند، حقیر هم که حدود ۱۸ سال داشتم یعنی حدوداً سال ۱۳۳۰ بود حضور داشتم و دیدم که بعد از نماز مغرب به عالمی امر کردند که به مردم توصیه نمایند که به مسجد جمکران رغبت نمایند و فرمودند اگر برای من مقدور بود نمازهای واجب روزانه را در مسجد جمکران ادا می‌کردم^۱.

حضرت امام خمینی قدس سره الشریف در مسجد مقدس جمکران حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای شیخ علی اصغر احمدی خمینی فرمودند: اینجانب از زمانی که وارد حوزه علمیه قم شدم و روزهای جمعه به مسجد جمکران می‌آمدم و نمازهای این مسجد را انجام می‌دادم و می‌دیدم زوار بسیار در این مسجد می‌آمدند و طلب حاجت می‌کردند، حتی در اوائل هم یک روز اهالی جمکران از امام دعوت کردند و ایشان هم قبول کردند و من هم با آقایان دیگر در خدمتشان به جمکران رفتیم و در آن مسجد مقدس نماز بجا آوردند، امید است مؤمنین این مکان را بیشتر مورد توجه قرار دهند.

۱- نوشته معظم له در واحد فرهنگی کتابخانه حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

آیه الله العظمی گلپایگانی به مسجد مقدس جمکران مشرف می شوند
 علماء و مراجع بزرگوار ما در مواقع حساس و بحرانیهای شدید با
 نوشتن عریضه و توسل به ساحت مقدس حضرت صاحب الزمان روحی له
 الفداء از آن حضرت کمک گرفته و می گیرند.

از جمله حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره متوفی
 ۱۴۱۴ هجری قمری که در گرفتاریهای مهم عریضه نوشته و در گل نهاده و
 به طرف مسجد جمکران قم روان می شدند و عنایت خاصی به مسجد
 جمکران داشتند و از این راه از حضرت ولی عصر امام زمان «ع» کمک
 می گرفتند.

حجة الاسلام و المسلمین آقای ابطحی فرمودند:

در اواخر سال جنگ تحمیلی بین ایران و عراق در حالی که مرتب
 آتش و بمب بر سر مردم می بارید و مردم بی پناه به اطراف و دهات به سر
 می بردند و جمعی نیز به مسجد مقدس جمکران و اطراف آن پناه برده
 بودند، حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی با جمعی از علماء و نزدیکان
 مشرف به مسجد مقدس جمکران شدند تا با توسل و عرض ادب به ساحت
 مقدس صاحب الزمان علیه السلام و دعا برای رفع گرفتاری مسلمانان
 مخصوصاً ایران اسلامی، حقیر هم افتخار نصیب شد، لذا معظم له عریضه
 نوشته بودند برای آن حضرت به اینجانب دادند که طبق دستور رسیده گل
 بگیرم و با دعای مخصوص خدمت حضرت حسین بن روح میان آب
 بیندازم، حقیر طبق دستور انجام دادم و عرض کردم آقا جان امام زمان این
 نامه از طرف مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی است و مردم
 در حالی که اطراف آقا را گرفته بودند می گفتند یا صاحب الزمان حاجت آقا

را امشب برآورده فرما و همه گریه می کردند و دعا می کردند، فردا صبح شخص مؤمن و صالح و عالم منزل آمد و فرمود من خوابی دیدم ولی مفهوم او را ندانستم، تصمیم گرفتم پیش شما بیایم و جواب بگیرم، فرمود در عالم رویا دیدم شخصی فرمود به آقا بگویند جواب شما را حضرت سه روز دیگر می دهند.

من از خوشحالی گریه می کردم همانطور که نامه و عریضه آن مرجع بزرگ به وسیله من بود حضرت فرموده بودند پیش حقیر آمدند تا من به آقا عرض کنم، حضرت فرموده جواب عریضه سه روز دیگر داده می شود و منتظر نتیجه بودیم که روز سوم از طرف عراق اعلان آتش بس یک طرفه شد و جنگ تخفیف پیدا کرد و سرانجام جنگ تمام شد.

حجة الاسلام و المسلمین آقای ابطحی فرمودند یکی از علماء وارسته و متدین به منزل حقیر آمدند و فرمودند چه خبر دیروز بعد از ظهر منزل آقا بود که شخصی حرفی و مطلبی را دو روز قبل می زد و پیش بینی می نمود؟

حقیر عرض کردم مرحوم آیه الله امامی از اصفهان وجهی سهم مبارک امام علیه السلام فرستاده بود، رفتم خدمت آقا بدهم، جمعی از علماء محضر مبارک آقا بودند معظم له صدا زدند باقر (حجة الاسلام آقای حاج سید محمد باقر آیه الله زاده گلپایگانی)، معلوم شد آقا نجم الثاقب را می خواهند و خودشان بنا دارند عریضه بنویسند، بنده کتاب نجم الثاقب را آوردم و جلو معظم له گذاشتم، فوراً حرکت فرمودند و به افرادی که در خدمتشان بودند فرمودند فردا بیائید، بلند شدند به طرف اطاق مخصوص خود نزدیک درب اطاق عرض کردم آقای امامی این مبلغ را فرستاده اند تا خدمت شما بدهم، فرمودند بماند برای افطاری ائمه جماعات اصفهان

جهت ماه مبارک رمضان، درب اطاق را بستند، گویا مشغول نوشتن عریضه خدمت حضرت حجة علیه السلام شدند تا بعداً مشرف به مسجد جمکران شوند، اول غروب دکتر طالقانی تلفن زدند که به اتفاق آیه الله آقای حاج سید مرتضی قصد زیارت آقا را دارند، عرض کردم آقا مشرف شدند به مسجد جمکران و پس از مراجعت که به طول هم کشید تا ساعت ۱۰ شب بود که موفق به زیارت و دیدار آقا گردیدند، و جای شما خالی چه حالی آقا داشتند و آن چند نفر که در مجلس حضور داشتند عالمی بنا کرد کلمه لا اله الا الله را تکرار کردن و گفتند دو روز قبل آن عالم وارسته چه فرمود و آن چه پیش بینی و چه خبری می داد، عرض کردم چه فرمودند؟ گفتند فرمودند من تا به حال منزل آیه الله العظمی آقای گلپایگانی و شخص ایشان را ندیدم لکن چه خبری است مشاهده می کنم فردا بعد از ظهر منزل ایشان و ساعتی چه نوری و چه حالی و چه رابطه ای و چه عنایتی به به و مرتب تکرار می کرد و غبطه می خورد و در شگفت می بودند.

معلوم می شود این نوشتن عریضه و مشرف شدن به مسجد مقدس جمکران مورد قبول حضرت حق و عنایت امام زمان علیه السلام قرار گرفته است.

پیدایش مسجد مقدس جمکران
از دیدگاه مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی
مسجد جمکران از اوایل غیبت صفرای حضرت بقیه الله روحی له
الفداء است.

و در نوشتجات قدیمه سه اسم دارد:

۱- مسجد جمکران.

۲- مسجد حسن بن مثله.

۳- مسجد صاحب الزمان.

و هر کدام از این سه اسم به مناسبتی گفته شده.

مسجد جمکران می گویند! چون متصل است به قریه جمکران که
یکی از قراء شهر مذهبی قم است.

مسجد شیخ حسن بن مثله می گویند! نظر به اینکه در زمان او و به
همت او این مسجد ساخته شده است.

مسجد صاحب الزمان می گویند! نظر به اینکه وجود مبارک امام زمان
در آنجا مکرر دیده شده.

و این مسجد شریف مورد احترام کافه شیعه بوده است از غیبت
صفراء (از شب سه شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ که امام زمان
دستور تأسیس آن را به شیخ حسن بن مثله داده) تا به امروز که حدود یکهزار
و بیست و دو سال می شود و همینطور که شیخ بزرگوار محدث عالیمقدار
مرحوم آیه الله صدوق رحمة الله علیه کتابی به نام مونس الحزین دارند که

حقیر آن نسخه را ندیده‌ام ولی مرحوم آقای حاج میرزا حسین نوری استاد استاد حقیر از آن کتاب نقل می‌فرماید و در آن کتاب مفصلاً قضیه این مسجد جمکران و تاریخ حدوث آن را نقل نموده و بالجمله این مسجد مقدس مورد احترام علماء اعلام و محدثین کرام شیعه بوده و کرامات متعدده از این مسجد جمکران دیده شده است.

و نیز چند مرتبه تعمیر و بنا شده، بناء اول در زمان حسن بن‌مثله بوده، بناء دوم او در زمان شیخ صدوق، سپس در زمان صفویه هم چند مرتبه تعمیراتی صورت گرفته، و در زمان ریاست مرحوم آیه الله حائری مرحوم حجة الاسلام آقای شیخ محمد تقی یزدی بافق هم تعمیراتی کرده‌اند و بعد از او آقای حاج آقا محمد معروف به آقا زاده که از تجار محترم قم هستند و هنوز در قید حیاتند، ایشان نیز تعمیراتی انجام داده‌اند.

در این مسجد شریف مکرر کراماتی دیده شده است که مرحوم شیخ محمد علی کجوئی معروف به قمی در کتاب تاریخ قم در جلد اول و دوم اشاره کرده به کراماتی که در آنجا اتفاق افتاده است و اشخاصی که شرفیاب حضور مبارک حضرت ولی عصر «ع» شده‌اند.

خلاصه این جای تردیدی نیست که مورد اهمیت و مورد احترام شیعه بوده است و نمازی هم در آن جا نقل شده است، البته بهتر این است که آن نماز را به قصد رجاء بجا بیاورند و این مسجد موقوفاتی هم داشته، اراضی متعدده در اطراف داشته و در خود شهر مقدس قم رقباتی وقف این مسجد داشته که اکثر اینها از حال وقفیت بیرون رفته و ملک شده است و راجع به این مسجد کتابچه‌های مختصری نوشته شده، ولی آنچه که باید و شاید در خصوصیات او نقل نشده.

چهل شب بیتوته در مسجد جمکران قم

حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی «قدس سره الشریف» فرمودند: حقیر خودم مکرر کراماتی در آنجا «مسجد جمکران» مشاهده کرده‌ام، چهل شب چهارشنبه مکرر موفق شدم که در آن مسجد بیتوته کنم و جای تردید نیست که از امکنه‌ای که مورد توجه و منزلت برکات الهی می‌باشد و بعد از مسجد سهله که از مساجدی است که منتسب به وجود مبارک ولی عصر می‌باشد که شبهای چهارشنبه اهالی نجف اشرف آنجا مشرف می‌شوند، بعد از مسجد سهله این بهترین مقام و بهترین جایی است که منتسب به حضرت ولی عصر می‌باشد.

این مسجد محترم «مسجد جمکران»، اصل مسجد، مسجد کوچکی است بعد از او مقداری افزوده کرده‌اند و بر او اخیراً در این دو سال باز پیش از آن مقدار افزوده شده، به استدعاء حقیر از بانیان خیر آن قطعه که از مسجد اصلی است موزائیک زمین او رنگش فرق دارد.

با زیادتیهائی که بعداً افزوده شده برای اینکه اگر کسی خواست در مسجد اصلی عبادت کند و نمازی بخواند و درک فیض کند این علامت مشخصه را حقیر گذارده‌ام در آنجا و امیدوارم انشاء الله به برکت صاحب نیمه شعبان وجود مبارک امام عصر «ع» که تمام عالم انتظار قدم شریف ایشان دارند، تنها یک اشتباهاتی بین خودشان دارند، یکی می‌گوید آینده عیسی، دیگر می‌گوید عزیر است، یکی می‌گوید زرتشت است، ولی در اینکه شخصی بیاید که اصلاح کند عالم را در این عقاید این علم تمام ملین عالم است.

مؤلف گوید: این قسمت از فرمایشات مرحوم آیه الله العظمی آقای

نجفی مرعشی قدس سره است که خود از عاشقان حضرت ولی عصر امام زمان «ع» بودند و مکرر کراماتی از مسجد مقدس جمکران دیده است از روی نوار پیاده شده و صدای معظم (نوار) در واحد فرهنگی کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع» موجود می باشد.

آیه الله شیخ محمد تقی بافقی در مسجد جمکران

عالم ربانی حضرت آیه الله حاج شیخ محمد تقی بافقی که بارها خدمت امام زمان «ع» مشرف شدند و سهم بسزایی در رونق دادن به مسجد مقدس جمکران قم دارند.

یکی از علماء حوزه از حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی نقل کرد که ایشان فرمودند: در عصر آیه الله العظمی مرحوم شیخ عبدالکریم حائری که عده محصلین حوزه علمیه قم به چهار صد نفر رسیده بود، در زمستانی طلاب از حاج شیخ محمد تقی بافقی که مقسم شهریه مرحوم حاج شیخ بود عبا زمستانی خواستند و ایشان از مرحوم حائری خواستند آیه الله حائری فرمودند چهارصد عبا از کجا بیاورم، گفت از حضرت صاحب الزمان «ع» بگیر.

فرمود: من راهی ندارم، گفت: پس من انشاء الله می گیرم و شب جمعه به مسجد مقدس جمکران رفته و روز جمعه به مرحوم حاج شیخ حائری گفت: آقا صاحب الزمان «ع» وعده فرمودند فردا که شنبه است چهارصد عبا را مرحمت کنند.

و روز شنبه به وسیله مردی از تجار عبا رسید و بین طلاب تقسیم کردند^۱.

۱- نقل از گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۱۱، انفاق از دیدگاه اسلام، ص ۱۵۷

سخنان حضرت آیه الله فاضل لنکرانی در باره مسجد جمکران
حضرت آیه الله فاضل فرمودند (مرحوم والد به مسجد جمکران
خیلی معتقد بود) فرمودند: من قبل از آمدن آیه الله بروجردی به قم خواب
دیدم که در مسجد جمکران هستم.

آن موقع مسجد جمکران یک حیاطی داشت و در وسط آن حیاط یک
آب انباری بود که سقف آن یک متر مرتفع تر از حیاط مسجد بود، روی
همین سقف آب انبار، منبری گذاشته اند و شیخ طوسی رحمة الله علیه روی
آن نشسته و تمام روی آن سقف و کف حیاط مملو از طلبه است.

پدرم فرمود: تعبیرم از این خواب این بود که شخصیتی به قم خواهد
آمد و طلاب گرد او جمع خواهند شد و حوزه رونق خواهد گرفت، طولی
نکشید که آیه الله بروجردی به قم آمدند. این که چرا شیخ طوسی را خواب
دیده و آن هم در مسجد جمکران؟ تعبیر آن بعدها مشخص شد، زیرا
مرحوم آیه الله بروجردی به شیخ طوسی و آثار او بسیار اهمیت می داد،
وقتی عبارات شیخ را از کتاب خلاف یا مبسوط می خواند مثل این که روایتی
از امام معصوم «ع» دارد می خواند با احترام و دقت در جزئیات کلمات آن
همانند کلمات معصومین «ع»، مسجد جمکران هم شاید کاشف از این باشد
که اصل آمدن ایشان به قم و رسیدن به مقام مرجعیت مطلقه با عنایت امام
زمان «ع» بوده است^۱.



یک قربانی به مسجد جمکران بفرستید

حضرت آیه الله آقای فاضل لنکرانی فرمودند : هر وقت برای حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی مشکلی پیش می‌آید مرحوم پدرم که خود از عاشقان امام زمان و علاقه زیادی به مسجد مقدس جمکران داشت به محضر آقا عرض می‌کردند یک قربانی برای مسجد جمکران بفرستید تا رفع مشکل شود .

بیشتر از پانصد مرتبه به مسجد شریف جمکران مشرف شدم حضرت آیت الله فاضل فرمودند : در دوران طلبگی من خیلی به مسجد جمکران می‌رفتم ، شاید بیشتر از پانصد مرتبه باشد و کرامات زیاد در این مسجد مقدس دیده و شنیده‌ام و در پایان فرمودند : امیدوارم از توجهات امام زمان «ع» شما هم در تألیف این کتاب موفق باشید .

روحانیت مسجد جمکران

سخنان حضرت آیت الله مکارم شیرازی :

در روایتی آمده است که هر جا مسجدی ساخته شده در آنجا خون شهیدی به خاک ریخته است ، از این روایت پر معنی به خوبی استفاده می‌شود که هر زمینی شایستگی مسجد شدن ندارد ، بلکه باید قبلاً بر اثر خون شهدا و ایثارگران راه خدا قداست و ارزشی پیدا کند و بعد قرای بنای مسجد آماده شود .

و چنین است که از آغاز ، مساجد با خون شهیدان گره خورده و در ادامه راه نیز حفظ و نگهداری آن با خون شهیدان پیوند دارد .

از سوی دیگر مسجد از دیدگاه اسلام تنها مرکز سجود نیست ، هر چند به خاطر این عبادت بزرگ به این نام نامیده شده است و نیز تنها مرکز عبادت نیست ، هر چند معبدش می نامند ، مسجد پایگاهی است برای خودسازی و تهذیب نفس ، دانشگاهی است برای تحصیل معارف اسلامی ، ستاد ارتشی است برای جهاد اصغر و اکبر و مبارزه با دشمن داخل و خارج ، و در یک کلمه مسجد و محراب ، میدان جنگ با شیطان بزرگ و کوچک و شیاطین انس و جن است .

و اگر تاریخ اسلام را دقیقاً مشاهده کنیم می بینیم آن روز که نخستین مسجد در سرزمین مدینه به دست توانای پیامبر و در ظاهر بسیار ساده و ابتدائی و در باطن بسیار عمیق و ریشه دار بیان شد ، مسجد تمام این مفاهیم را در خود جای داده بود .

از سوی سوم مساجد هر چند همه خانه خداست ولی در میان این خانه ها تفاوت بسیار است از مسجد الحرام گرفته تا مساجد کوچک و بزرگ که در تمام اطراف جهان پراکنده اند و با انگیزه های مختلف و نیات متفاوت ساخته شده است و مخصوصاً نقش انگیزه ها و نیتها تأثیر کلی در آن دارد و نیز اینکه به دستور چه کسی ساخته شده است .

مسجد جمکران مطابق روایت موجود به فرمان حضرت مهدی مولانا صاحب العصر و الزمان برای هدف بزرگی در این منطقه خاص از شهر تاریخی ، مذهبی قم ساخته شده و حسن بن مثله جمکرانی که مردی پاکدل و پاک سرش بود ، در بیداری (و نه در خواب) این دستور را دریافت کرده و با تشریفات خاصی این مسجد را بنا نمود .

به همین دلیل هر کس در فضای ملکوتی آن قرار می گیرد احساس روحانیتی عجیب و جاذبه معنوی فوق العاده می کند .

این جاذبه نیرومند معنوی به اضافه قضاء حوائج و حل مشکلات فراوانی که مردم از عبادت در آن و توسل به حضرت مهدی ارواحنا فداه دیده‌اند، سبب شده که روز به روز بر شکوه دامنه آن افزوده شود و خیل مشتاقان از سراسر این کشور پهناور اسلامی، بلکه از خارج از کشور در مواقع مختلف به سوی آن بشتابند و از این چشمه کوثر و منبع خیر و برکت هر کدام به مقدار استعداد خود بهره گیرند.

علمای بزرگ همواره برای این مسجد احترام خاصی قائل بوده‌اند و در آن راز و نیاز فراوان داشته‌اند و هم اکنون نیز مورد توجه علما و فضلا و مراجع بزرگ است.

در اینجاست که به چند سؤال در باره این مسجد پاسخ داده شود:

چند سؤال ضروری در باره مسجد جمکران و اعمال آن :

۱- آیا دستوری که از طرف حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - طبق بعضی روایات اسلامی - در باره ساختن این مسجد صادر شده در خواب بوده است یا بیداری؟

جواب: ظاهر روایت - آن گونه که قبلاً نیز اشاره شده - این است که این تشریف در حال بیداری واقع شده و این دستور نیز در حال بیداری بوده است.

۲- آیا اضافات مسجد جمکران حکم آن را دارد، یا باید اعمال مسجد در همان مسجد قدیم انجام گردد؟

جواب: ظاهر این است که آنچه در مسجد توسعه داده شده و می‌شود جزء مسجد است و اعمال مزبور را در تمام مسجد می‌توان انجام داد، همان گونه که توسعه مسجد الحرام و مسجد النبی «ص» و مسجد کوفه نیز در

حکم این مساجد است .

۳- آیا اعمال مسجد که در روایت وارد شده برای مسافر و غیر مسافر یکسان است ؟

جواب: آری، در باره همه یکسان است .

۴- کسانی که نتوانند تمام اعمال آن را بجا آورند آیا می توانند فقط نماز امام زمان (سلام الله علیه) را انجام داده و نماز تحیت را ترک کنند؟ و یا صلوات را به جای اینکه در سجده بجا آورند در اثناء راه بفرستند؟

جواب: مانعی ندارد ولی در این گونه موارد اعمال را به قصد قربت مطلقه انجام دهند، بلکه در موارد اختیار که اعمال به طور کامل انجام می شود احتیاط آن است که قصد قربت مطلقه شود .

۵- کسانی که قصد اقامت ده روز در قم کرده اند آیا می توانند به مسجد جمکران رفته و اعمال را به جا آورند و باز گردند؟

جواب: اگر نماز چهار رکعتی خوانده باشند ضرری به قصد اقامه آنها نمی زند، ولی اگر از اول چنین قصدی داشته باشند مشکل است، و بهتر آن است که چنین افرادی که از اول قصد تشریف به مسجد را دارند قصد اقامه ده روز نکنند و نمازهای خود را شکسته انجام دهند .

۶- کسانی که همه هفته برای گرفتن حاجتی یا برای عرض ارادت به محضر مبارک آن حضرت «ع» به این مسجد تشریف حاصل می کنند، و یا مثلاً در طول یکسال یا چندین ماه متوالی همه هفته به مسجد مشرف می شوند کثیر السفر محسوب می شوند یا نه؟

جواب: ظاهر این است که این افراد به حکم کثیر السفر نیستند و باید نماز خود را شکسته بخوانند .

۷- آیا ایام هفته و شبهای آن تفاوتی در اعمال مسجد دارد و آیا شب

چهارشنبه خصوصیتی دارد؟

جواب: ظاهر این است که تفاوتی میان ایام هفته نیست، ولی از آنجا که شب و روز جمعه ذاتاً دارای اهمیت فوق العاده‌ای نسبت به سایر ایام است هر عمل خیری در آن انجام داده شود ارزش بیشتری خواهد داشت، ولی شبهای چهارشنبه با سایر شبهای هفته مساوی است. خداوند همه را موفق به استفاده از معنویت‌های این مسجد و توسل به ذیل عنایت حضرت بقیه الله مهدی ارواحنا فداه بدارد.

سخنان حضرت آیه الله حاج شیخ محمد تقی بهجت

حجة الاسلام و المسلمین سید صادق شمس فرمودند: روزی در محضر آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت دامت برکاته بودم، حدود سال ۱۳۶۲ فرمودند طلبه مبتدی به نام سید حسین یزدی در مسجد جمکران توفیق زیارت حضرت حجت ارواحنا فداه را پیدا کردند که حضرت مطالبی فرمودند بهتر است از حضرت آیت الله العظمی بهجت سؤال فرمائید از جمله اینکه خانه‌ای می‌خواستند حضرت به او مرحمت کردند و اینکه سفارش فرمودند در مجلس دعای ندبه‌ای که آن سید طلبه می‌رفتند بروند و ترک نمایند.

و باز امر فرمودند مصائب عمه بزرگوارم حضرت زینب سلام الله علیها را هم در آن مجلس و جای دیگر تذکر دهید.

نظر حضرت آیه الله صافی در باره مسجد جمکران

اللهم کن لولیک الحجۃ بن الحسن صلواتک علیہ و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً.

حقیر از طفولیت که در خدمت مرحوم آیه الله والد اعلی الله مقامه مشرف به قم می شدم به سعادت تشریف به مسجد مقدس جمکران نایل می گشتم، آن مرحوم که در ارادت و چاکری به آستان ملائک پاسبان حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفدا مشار بالبنان بودند و مصدر خدماتی به آن حضرت شده بودند و توجهاتی مشاهده کرده بودند اصرار داشتند که مهما ممکن پیاده به مسجد مشرف شوند و به فیض نماز و عبادت در آن مکان مبارک نائل می گشتند.

از اشعار بسیار ایشان در عرض اشتیاق و مدح آن قطب عالم امکان این چند شعر را که تضمینی از شعر حافظ است در اینجا یاد آور می شوم.

ای زیب دو عالم مجموعه زیبایی

سر حلقه جن و انس سر دفتر دانائی

در پرده غیبت چند ای مهر جهان باقی

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آئی

امید وصال تو ای دوست جوانم کرد

عشق تو مرا فارغ از هر دو جهانم کرد

باز آ که فراق تو بی تاب و توانم کرد

مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد

کز دست بخواهد شد پایان شکیبایی

از جمله بزرگانی که حسن عقیده خود را به مسجد جمکران اظهار

می فرمودند در اینجا به نام نامی بزرگ فقیه عالم اسلام مرحوم آیه الله العظمی استاد اعظم آقای بروجردی و مرحوم مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس الله سرهما اشاره می نمایم. امید است خداوند متعال ما را از فیض تشریف به این مسجد تا حیاتی باقی است محروم نفرماید^۱.

سخنان حضرت آیه الله حاج شیخ حسین نوری در باره مسجد جمکران
کرامات بسیاری از مسجد جمکران مشاهده و برای آن نقل شده است که دو نمونه از آنها را ذکر می کنیم:

۱- یکی از دوستان بنده که اهل گرگان است و آدرس و شماره تلفن او را دارم و مرد بسیار متدین است و از لحاظ علاقه و عشق به عبادت ممتاز است که گاهی چهل شب متوالی اصلاً نمی خوابد و به احیای آن شبها و تهجد می پردازد و روزهایش را نیز روزه می گیرد و همیشه خیلی با حال نماز می خواند، چند سال پیش درد پای شدیدی او را عارض شد، بطوری که از چند قدم راه رفتن عاجز شده بود و بعضی از اطباء گفته بودند باید برای مداوا و معالجه عمل جراحی روی پای او انجام بگیرد و تازه معلوم نیست عمل جراحی هم نتیجه بخش باشد، ایشان در حالی که با زحمت زیاد حرکت می کرد روزی عصر سه شنبه به منزل بنده به قصد اینکه شب چهارشنبه به مسجد جمکران برود آمد و پس از توقف مختصری به مسجد جمکران رفت.

هنگام صبح در حالی که خوشحال بود و پاهایش کاملاً خوب شده

۱- ۴ جمادی الاولی ۱۴۱۵ - لطف الله صافی، دستخط معظم له در کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

بود مراجعت کرد و در رابطه با شفا یافتن خود بطور خلاصه اینطور می گفت: من در داخل مسجد مشغول نماز و عبادت بودم که پس از نصف شب چند نفر را با قیافه های نورانی دیدم که وارد مسجد شدند و آمدند در نقطه ای در نزدیکی من مشغول نماز و دعا خواندن شدند و من به آنها نزدیکتر شدم، به من اظهار لطف نمودند، نزدیک اذان صبح هنگامی که خواستند از مسجد خارج شوند جاذبه اخلاق و معنویت آنها مرا هم به دنبال آنها می کشید که در این بین یکی از آنها با دست خود به طرف پای من اشاره کرد و گفت: پاهای تو خوب شد، من از آن لحظه دیگر در پاهای خود ناراحتی ندیدم، و از مسجد جمکران حرکت کرده به محضر مبارک آیه الله العظمی آقای مرعشی نجفی - رضوان الله علیه - مشرف شدم و جریان را برای ایشان شرح دادم، آن مرحوم از نقل تفصیل قضیه مرا منع کردند.

این مرد وارسته و متدین پس از آن تاریخ مکررا از گرگان به قصد تشریف به آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام و رفتن به مسجد جمکران شب چهارشنبه به قم می آید و به منزل بنده وارد می شود.

۲ - بنده که در اواخر سال ۱۳۶۲ قمری به حوزه مقدسه قم آمدم، پس از چند روزی سخت مریض شدم و چون در مضیقه اقتصادی بودم از مراجعه به طبیب هم ناتوان بودم، با زحمت زیاد به مسجد جمکران به قصد استشفاء رفتم، پس از انجام اعمال مسجد و توسل به حضرت ولی عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء از مسجد خارج شدم و چند دقیقه ای - چون آن روز غیر از یک مسجد کوچک با چند اطاقی که در جوار مسجد بود چیز دیگری نبود - نشستم که خوابم گرفت، و چون بیدار شدم اثری از آن بیماری در خود ندیدم^۱.

۱ - دستخط معظم له در کتابخانه حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

نظر حضرت آیه الله سید محمد علی علوی گرگانی در باره مسجد جمکران بهتر آن است که مقداری در باره مسجد جمکران توضیح داده شود تا مؤمنین اهمیت بیشتری بدهند، لذا رقیمه را متبرک می سازم به حدیث نبوی «ص» قال: احبّ البقاع الی الله المساجد، محبوبترین زمین نزد خدا مسجد است^۱، به ویژه مسجدی که خبر گرفتن حاجات و رفع مشکلات در آن مکان به حدّ تواتر رسیده چرا چنین نباشد، در صورتی که مرحوم صدوق المحدثین در کتاب مونس الحزین به سند معتبر از امیرالمؤمنین علیه صلواة المصلین از جمکران و مسجد آن خبر داده و فرموده که این زمین از زمینهای دیگر جداست و مقدس می باشد^۲.

چه گویم در حق مسجدی که حضرت بقية الله ارواح من سواه فداه بر حسب نقل محدث نوری و غیره در باره اش چنین فرمودند: من صلی فیہ کمن صلی فی البیت العتیق. یعنی خواندن نماز در این مسجد همانند خواندن نماز در کعبه است.

و چه مناسبت خوبی است بین مسجد جمکران در کنار حرم اهل البیت و عش آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین که شیعیان شبهای چهارشنبه در آنجا جمع شوند و مشغول به ذکر و دعا و نماز برای آن حضرت باشند، و بین مسجد سهله در کنار حرم امیرالمؤمنین «ع» و کوفه که شیعیان آنجا هم نیز در شبهای چهارشنبه مشغول به زیارت هستند گر چه بسیاری از مردم از عظمت و فضیلت این مکان مقدس غافلند و به آن توجهی که باید داشته باشند ندارند، و در پیام حضرت حجّت «عج» آمده است که به

۱ - مستدرک السفینه، جلد ۱، صفحه ۳۴۵.

۲ - از کتاب انوار المشعشعین فی تاریخ القم و القمیین، صفحه ۱۸۹.

مردم بگوئید قدر این مسجد را بدانند و در همین راستا است که مراجع بزرگ و آیات عظام مانند آیه الله حائری مؤسس حوزه علمیه قم و بروجردی و حجّت و گلپایگانی و مرعشی نجفی و شیخ مرتضی حائری قدس الله اسرارهم به این مسجد اهمیت زیادی قائل بودند و به دوستان توصیه می کردند فضائل و مناقب و برکات این مسجد بیش از این است که بتوان در این مختصر گنجاند.

در پایان از مؤمنین و متدینین محترم می خواهم از رفتن به مسجد جمکران و خواندن نماز و زیارت در آن مکان مقدس غفلت نکنند و این جانب را یاد نمایند و از همه التماس دعا دارم. والسلام علی من اتبع الهدی^۱.

نظر آیه الله محسنی ملایری در باره مسجد مقدس جمکران

مسجد مقدس جمکران که بیش از یک هزار سال از تأسیس آن می گذرد، همواره مورد توجه بزرگان بود، و در شداوند به آن مکان مقدس پناه می بردند و حلّ مشکل خود را از پیشگاه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می خواستند و نتیجه می یافتند، اینجانب در دوران جوانی مکرر به این مسجد مقدس شرفیاب می شدم، و یکبار عهد کردم که ده روز پیاده به آن مسجد مقدس مشرف شوم، و انجام دادم.

یکبار هم به درد پای بسیار شدیدی مبتلا شدم به مسجد مقدس جمکران شرفیاب شده به حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - متوسل شدم و از عنایات بیکران آن حضرت به هنگام مراجعت کلاً درد پا برطرف شده بود. و این چیزی است که خودم دیدم و به اصطلاح درایت است و اما آنچه از

۱ - دستخط معظم له در کتابخانه حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

دیگران روایت شده بسیار فراوان است، بزرگانی مانند مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و مرحوم آیه الله بروجردی و مرحوم آیه الله حاجت و مرحوم آیه الله گلپایگانی توجه خاصی به مسجد مقدس جمکران داشتند، و همواره در مشکلات حوزه به آن مکان مقدس ملتجی می شدند و حل مشکل خود را می یافتند.

و اما بنای فعلی مسجد به طوری که مباشرین توسعه و تجدید بنای مسجد مقدس جمکران شخصاً به این جانب بیان کردند به امر حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - می باشد و انشاء الله مورد توجه آن حضرت بوده و خواهد بود.

امید است مؤمنین از هر فرصتی برای تشریف به این مسجد و تقرب به حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - استفاده کنند و قدر موقف را بدانند^۱.

سخنان آیت الله مجتهدی تهرانی :

مسجد شریف جمکران که از یک هزار سال پیش به دستور امام زمان «ع» به وسیله شیخ حسن بن مثله جمکرانی ساخته شده از اول تأسیس مسجد تا به امروز معجزات و کرامات زیادی دیده و شنیده شده، همینطوری که مرحوم نوری در نجم الثاقب نوشته علماء اعلام و آیات عظام چه در زمان گذشته و چه در زمان ما علاقه زیادی به این مسجد داشته و دارند، حقیر هم بارها پیاده با رفقا و دوستان مشرف شده ام که یک بار هم ۱۸ نفر از طلاب علوم دینی و سربازان امام زمان «ع»، ۲۵ رجب بود شب تا صبح با چراغ زیتونی مشغول دعا بودیم.

۱ - دستخط معظم له در کتابخانه حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

ما بین قم و مسجد جمکران تمام چمنزار است

آیه الله سید محمد باقر ابطحی اصفهانی فرمودند: شبی در عالم رویا دیدم فضای مابین قم و مسجد جمکران گویا تمام چمنزار است و دارای درختهای سبز که مهتاب بر آن می تابد و نهرهای آب در آن جریان داشت، درختی را دیدم که دارای شاخه های بسیار جذاب و سرسبز و صدای روح بخشی از میان آن به گوش می رسید که به ذهنم خطور کرد صدای حضرت داود است و در وسط آن درخت جایگاهی بود که در آنجا آقای نشسته و به نظرم آمد آقا حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان «ع» است، صحبتی را به میان آوردم که از ذکر آن معذورم، زیرا اشاره به عهد و پیمانی بود و سپس عرض کردم: «چه کنم که به شما قرب پیدا کنم؟» به زبان فارسی فرمود: «عملت را عمل امام زمان قرار بده». من به خاطر این معنی رسید یعنی آنچه را به ذهنت می آید اگر امام زمان بود عمل می کرد تو هم همان را عمل کن. به عربی به حضرت عرض کردم: و هو الامل، یعنی این آرزوی من است. گفتم چه کنم که در این امر موفق باشم؟ به عربی فرمود: «الاخلاص فی العمل» از خواب بیدار شدم، چراغ خاموش بود، قلم و دفتر حاضر کردم و آن دو جمله سؤال و جواب را نوشتم، فردا در باره این دو جمله سؤال و جواب او فکر کردم، به نظرم آمد در جمله اول حقیقت تشیع و در جمله دوم راه موفقیت را که همان توحید ذاتی و عملی باشد یافتم، این دو جمله توصیه حضرت بود^۱.

سخنان آیت الله حاج میرزا علی احمدی میانجی

شخصی به نام مهدی سبز علی نزد من آمدند که گرفتاری و مشکلاتی داشتند، عرض کردم برو به مسجد جمکران، ایشان گفتند: حکایتی از مسجد جمکران دارم که از عنایت امام زمان علیه السلام و مسجد جمکران مریض ما خوب شد. نقل کردند: پسرم مبتلا به سل شده بود، من پول نداشتم که وی را به دکتر ببرم، به پسرم گفتم خودت یک عریضه بنویس با هم به مسجد جمکران برویم، ایشان نوشتند، با هم می رفتیم، یک نفر آمد گفت اجل دو قسم است: حتمی و غیر حتمی، گفت مریض شما اجلش حتمی نیست، خلاصه مسجد جمکران رسیدیم نماز و دعا خواندیم و برگشتیم، دو روز بعد به تهران جهت معاینه دکتر رفتیم، وقتی دکتر معاینه کرد گفت بچه‌ات را برای چه آورده‌اید، گفتم: آقا ایشان سل دارد، گفت: نه ایشان سالم است، من فهمیدم از برکت امام زمان و مسجد جمکران پسرم الحمد لله خوب شده است.

حضرات آیات پیاده به مسجد مقدس جمکران می‌روند

آیت الله پایانی فرمودند اعضاء تفسیر که عبارتند از آیات عظام آقا سید مهدی روحانی و آقا سید ابوالفضل میر محمدی و آقای احمدی میانجی و آقای حاج میر آقا موسوی زنجانی و رفقای دیگر که با هم پیاده به مسجد جمکران می رفتیم، آیت الله سید ابوالفضل میر محمدی گفت: من حاجتی دارم از امام زمان علیه السلام که عنایت فرماید پدرم مریض است حال ایشان خوب شود، آیت الله موسوی زنجانی فرمودند من هم خانه ندارم، حضرت یک خانه به ما مرحمت فرماید، چند روز نگذشت که پدر

آقای میر محمدی با یک قرص که دکتر نوشته بود خوب شد و در مدت کوتاه آقای موسوی نیز صاحب خانه شد.

سخنان آیه الله بنی فضل

حضور جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج سید جعفر
میرعظیمی دامت افاضاته

با اهداء سلام و ابراز علاقه طبق اظهارات جنابعالی در نظر دارید
راجع به مسجد جمکران کتابی تألیف نمائید و کراماتی که برای مؤمنین و
شیعیان از مسجد مزبور حاصل شده ذکر کنید، از باب یادآوری در پیوست
همین نامه حاجتی که در سی و دو سال قبل از آن مسجد گرفته‌ام متذکر
می‌شوم، از خداوند سبحان توفیقات روزافزون جنابعالی را خواهانم.

والسلام علیکم ورحمة الله - مرتضی بنی فضل

۲۰ جمادی الثانیه ۱۴۱۵

در سال ۱۳۴۰ شمسی یک حاجت مهم شرعی داشتم که یکی از
علماء محترم تبریز رابط بود بین من و شخصی که برآورده شدن حاجتم در
ظاهر به دست او بود چندین بار آن عالم بزرگوار اصرار و تأکید نمود تا آن
شخص در آن مطلب مهم اقدام نماید، بالاخره بعد للتی و التی دست رد بر
سینه آن عالم جلیل القدر زده شد و من صد در صد از او قطع امید نمودم و
متوجه شدم که در رسیدن به مقصد راه را اشتباه رفته‌ام، تا اینکه یک شب
بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء در حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله
علیها با یکی از دوستان در انتهای صفائیه از کنار خط راه آهن پیاده به طرف
مسجد جمکران رهسپار شدم و توجه نداشتم که از حرم تا مسجد جمکران
از طریق صفائیه حدود ده کیلومتر راه است، بعد از آنکه حدود سه کیلومتر

راه رفته بودیم خسته شدیم، چند دقیقه‌ای نشستیم و رفع خستگی نمودیم، تازه راه افتاده بودیم از پشت سر ما صدای ماشین آمد، در کنار جاده خاکی ایستادیم ماشین رد شد، بلافاصله ترمز کرد، راننده ماشین مرا با نامم صدا کرد، جلو رفتم دیدم صاحب عکاسی مهتاب (واقع در خیابان آیت الله نجفی هرعشی « ارم سابق ») به من گفت کجا می‌روید، گفتم: به مسجد جمکران، گفت بفرمائید، سوار شدیم، جالب اینجا است که عکاس به من گفت آقای بنی فضل من و رفیقم از اراک داشتیم می‌آمدیم، سر این جاده که رسیدیم به رفیقم گفتم برویم به جمکران سری بزنیم، رفیقم در جواب گفت اولاً ما کاری در جمکران نداریم، و ثانیاً امشب شب جمکران نیست (البته شبهای متداول جمکران شبهای چهارشنبه و جمعه است) خلاصه بعد از کشمکش ماشین را وارد این جاده کردم و معلوم می‌شود که ما ماموریت داریم تا شما را برسانیم به مسجد جمکران، بالاخره ما را رساندند و در جلو مسجد پیاده کردند و خودشان برگشتند، آن شب مسجد جمکران خیلی خلوت بود، غیر از ما، دو نفر دیگری در آنجا بودند، یکی از آن دو نفر را خیلی با حال دیدم، بعد از اقامه نماز مسجد و استغاثه از حضرت نصف شب گذشته بود رفتم پیش آن شخص با حال، سلام کردم، جواب سلام گفت، بعد از احوالپرسی سؤال کردم اهل کجا هستید؟ خود را معرفی ننمود، گفت من به اینجا و کوه خضر می‌آیم، او تا صبح مشغول نماز و ذکر بود، و اول صبح با صدای بسیار دلنشین اذان گفت، خلاصه اینکه ما آن شب را بیتوته نمودیم، بعد از نماز صبح راهی قم شدیم و منتظر برآورده شدن حاجت بودم که سه روز بعد همان شخص که حل مشکل ما به دست او بود می‌رود پیش آن عالم محترم، ابتدا از ایشان عذرخواهی می‌کند و بعد با امتنان و اقدام جدی مشکل مهم را حل می‌نماید، و حل آن مشکل عنایت

خداوند سبحان و توجه حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء بود، جعلنا الله من اعوانه و انصاره بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين و لعنة الله على اعدائهم و منكري فضائلهم الى يوم الدين^۱.

نظر آیت الله حاج شیخ علی پناه الاشتهاردی :

بعد الحمد و الصلاة على النبي و آله : در مجلسی حضور سلاله السادات و المسلمین آقای حاج سید جعفر میرعظیمی دامت برکاته بود نوشتجات متفرقه ارائه دادند به قصد تالیف کتابی به نام (کتاب صاحب الزمان «عج» و مسجد جمکران) و چون این عالم بزرگوار غالباً تلاشش در ترویج امور دینیّه و جهات مذهبی است حقیر هم خواستم از این فیض عظیم بی بهره نباشم، لذا چند جمله عرضه بدارم :

(این مسجد) مبارک (مسجد جمکران) که در پیش از یک فرسخی شهرستان قم واقع شده ، از روز اول تأسیس مورد توجه علاقمندان به حضرت بقیه الله (روحی له الفداء) بوده و هست انشاء الله و از آنجا بعضی کراماتی هم مشاهده شده بالخصوص از زمانی که تأسیس حوزه در این بلده طیبه (قم) با همت مؤسس آن (مرحوم آیه الله العظمی الحاج الشیخ عبدالکریم الحائری الیزدی «قدس سره») شده از آن جمله :

نقل شده : یک ماهی شهریه طلاب در اوائل تأسیس آن (که بعد از ۱۳۴۰ هجری قمری بوده برای مرحوم مؤسس «ره» نرسیده بود و مجموع شهریه هفتصد و پنجاه تومان پیش نبوده^۲ .

مرحوم آشیخ محمد تقی بافقی یزدی رحمة الله علیه که از حوارین

۱ - دستخط معظم له در کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع» موجود است .

۲ - چون متاهلین ۲۰ ریال و مجردین ۱۵ ریال و مجموع طلاب ۳۵۰ نفر بودند .

مؤسس رضوان الله علیه بود شب جمعه به مسجد جمکران (با وضع بناء قدیمی که داشت) می رود بعد از نماز معروف مسجد جمکران خطاب به حضرت (روحی له الفداء) عرضه می دارد : یا صاحب الزمان مگر اینها شاگردان شما نیستند چرا نمی فرستی ؟ بین الطلوعین همان روز کسی درب خانه مؤسس را می زند ، خود مؤسس می آید دم درب می بیند یکی از اهل بازار تهران است عرضه می دارد : این وجه را آوردم خدمت شما باز می کند می بیند همان هفتصد و پنجاه تومان است .

چند مطلب از این داستان استفاده می شود که ذکرش به طول می انجامد .

به هر حال از زمان ساخت این مسجد شریف بالخصوص از زمان تأسیس حوزه مقدسه در بلده طیبه قم مورد توجه علماء بزرگ از آن جمله خود مؤسس «قدس سره» بوده ، و بعد از رحلت مؤسس محترم مرحوم آیه الله العظمی السید محمد کوه کمری حجت «قدس سره» (که بناء مدرسه حجتیه از آثار ایشان است) بوده تا زمان مرحوم آیه الله العظمی بروجردی آن مرجع عظیم الشأن جهانی قدس سره در اوائل ورودشان به قم به آن مسجد شریف عزیمت می نمودند و مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا مهدی بروجردی که از معاونین حوزه مقدسه مؤسس بود کراراً آمد و شد داشتند و بعد از رحلت مرجع عالیقدر آیه الله العظمی بروجردی «رحمت الله علیه» مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی کراراً می رفت ، حتی آیه الله نجفی داستانی دارد که ذکرش به طول می انجامد .

و همچنین مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی توجه خاصی به آن مسجد شریف داشت و کراراً حوادث غیر مترقبه که پیش می آمد حقیر به بیت آیه الله گلپایگانی می رفتم ، می گفتند آقا جمکران رفته که متوسل به

حضرت شود.

و یکی از طلاب محترم اصفهانی (که فعلاً قم نیست) نقل می‌کرد: حادثه‌ای برای مرحوم آیه الله نجفی رخ داده بود با عده‌ای از اهل علم در جمکران بودیم، دیدیم آیه الله نجفی با حال اندوه بلکه گریه وارد مجلس ما شد، پرسیدیم این موقع چرا به اینجا تشریف آوردید؟ جواب داد برای توسل به حضرت و خود حقیر هم زمان تجرد و اقامت در مدرسه مبارکه فیضیه توفیق تشریف به مسجد جمکران یکسال شبهای جمعه پیدا کردم، الحمدلله و منه نتیجه جای شبهه و تردید نیست که ذهاب الی هذا المسجد الشریف له خواص و آثار.

تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها

و ایضاً یکی از شواهد بر این مدعی کثرت توجهات عامه علاقمندان به حضرت ولی عصر «عج» به آن مکان شریف است و توسعه عظیمی که از حیث بنا و ساختمان پیدا کرده است و به نظر می‌رسد بیش از انتظار هست و الله العالم.

و باید مسئولین محترم حفاظت این مسجد مقدس از آلودگیهای تفریحی (که موجب نارضایتی حضرت می‌گردد) و لازم است خدای نکرده تفریح گاه ملی نشود و باید برنامه‌ریزی‌های آن مسجد طوری باشد که غیر از عبادت و توسل به آن حضرت عنوان دیگری به خود نگیرد^۱.

۱ - دستخط معظم له در کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

بخش چهارم:

گراماتی چند

از مسجد مقدّس جمکران

امام زمان «ع» در مسجد مقدس جمکران

آقای سید مرتضی حسینی که یکی از سادات متدین قم بوده است می‌گوید: شبهای پنجشنبه در خدمت مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی به مسجد جمکران می‌رفتم.

در یکی از شبهای زمستان که برف سنگینی آمده بود من در منزل نشسته بودم، ناگهان به یادم آمد که شب پنجشنبه است، ممکن است آیه الله بافقی به مسجد بروند ولی از طرفی چون آن وقتها مسجد جمکران راه ماشین رو نداشت و مردم مجبور بودند آن راه را پیاده بروند و به قدری برف روی زمین نشسته بود که ممکن نبود کسی بتواند آن راه را راحت پیماید، با خودم فکر می‌کردم که معظم له به مسجد نمی‌روند.

به هر حال دلم طاقت نیاورد، از منزل بیرون آمدم، بیشتر می‌خواستم آیه الله بافقی را پیدا کنم و نگذارم به مسجد جمکران بروند.

به منزلشان رفتم، در منزل نبودند، به هر طرف سراسیمه سراغ ایشان را می‌گرفتم تا آنکه به میدان میر که سر راه جمکران است رسیدم، در آنجا دوست نانوائی داشتم که وقتی دید من این طرف، آن طرف نگاه می‌کنم از من پرسید چرا مضطربی و چه می‌خواهی؟

گفتم: نمی‌دانم که آیا آقای آیه الله بافقی به مسجد جمکران رفته‌اند

یا امشب در قم مانده‌اند؟

نانوا گفت: من او را با چند نفر از طلاب دیدم که به طرف مسجد

جمکران می رفتند.

با شنیدن این جمله خواستم پشت سر آنها بروم که آن دوست ناوایم گفت: آنها خیلی وقت است رفته اند، شاید الآن نزدیک مسجد جمکران باشند.

از شنیدن این جمله بیشتر پریشان شدم و ناراحت بودم که مبادا در این برف و کولاک آنها به خطر بیافتند، به هر حال چاره ای نداشتم، به منزل برگشتم ولی فوق العاده پریشان و مضطرب بودم، خوابم نمی برد.

تا آنکه نزدیک صبح مرا مختصر خوابی ربود، در عالم رؤیا حضرت ولی عصر «ع» را دیدم که وارد منزل ما شدند و به من فرمودند: سید مرتضی چرا ناراحتی؟ گفتم: ای مولای من ناراحتیم برای آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی است. زیرا او امشب به مسجد رفته و نمی دانم به سر او چه آمده است؟

فرمود: سید مرتضی گمان می کنی ما از حاج شیخ دوریم، همین الان به مسجد رفته بودم و وسائل استراحت او و همراهانش را فراهم کردم، از خواب بیدار شدم، به اهل منزل این بشارت را دادم و گفتم در خواب دیده ام که حضرت ولی عصر «ع» و وسائل راحتی آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی را فراهم کرده اند.

اهل بیت هم چون به همین خاطر مضطرب بود خوشحال شد و من فردای آن شب که از منزل بیرون رفتم به یکی از همراهان آیه الله بافقی برخوردم، گفتم: دیشب بر شما چه گذشت؟ گفت: جای خالی بود، دیشب اول شب آیه الله بافقی ما را به طرف مسجد جمکران برد، ما یا به خاطر شوقی که در دلمان بود و یا کرامتی شد مثل آنکه ابدأ برفی نیامده و زمین خشک است به طرف مسجد جمکران رفتیم و خیلی زود هم به مسجد

رسیدیم ولی وقتی به آنجا رسیدیم و در آنجا کسی را ندیدیم و سرما به ما فشار آورده بود متحیر بودیم که چه باید بکنیم.

« آخر آن زمانها مسجد جمکران ساختمانی نداشت و فقط یک مسجد بسیار غریبی بود که در وسط بیابان افتاده بود، و تنها خواص به آن مسجد می رفتند و از بهره های معنوی آن استفاده می کردند.»

ناگهان دیدیم سیدی وارد مسجد شد و به حاج شیخ گفت می خواهید برای شما لحاف و کرسی و آتش بیاوریم. آیه الله بافقی با کمال ادب گفتند اختیار با شما است، آن سید از مسجد بیرون رفت، پس از چند دقیقه لحاف و کرسی و منقل و آتش آورد و با آنکه در آن نزدیکی ما کسی نبود و سائل راحتی ما را فراهم فرمود.

وقتی می خواست از ما جدا شود یکی از همراهان به او گفت ما باید صبح زود به قم برگردیم، این وسائل را به که بسپاریم، آن سید فرمود: هر کس آورده خودش می برد و او رفت، ما در فکر رفته بودیم که این آقا این وسائل را از کجا به این زودی آورده، زیرا آن اطراف کسی زندگی نمی کند و اگر می خواست آنها را از ده جمکران بیاورد اولاً در آن شب سرد و کولاک برف کار مشکلی بود و ثانیاً مدتی طول می کشید.

بالاخره شب را با راحتی به سر بردیم و صبح هم که از آنجا بیرون آمدیم آن وسائل را همانجا گذاشتیم.

من به او جریان خوابم را گفتم و معلوم شد که حضرت بقیه الله روحی فداه هیچگاه دوستانش را وا نمی گذارد و به آنها کمک می کند و برای مرحوم آقای حاج شیخ محمد تقی بافقی جریانات دیگری هم از این قبیل اتفاق افتاده است که در بین دوستانش معروف است^۱.

او با امام زمان روحی له الفداء به مسجد جمکران می‌رفت
سابقاً راه قم به مسجد جمکران از طرف مرقد حضرت علی بن جعفر
علیهما السلام بود.

در خارج شهر آسیایی بود که اطرافش چند درخت وجود داشت و
جای نسبتاً با صفایی بود، آنجا میعادگاه عشاق حضرت بقیه الله علیه
السلام بود، صبح پنجشنبه هر هفته جمعی از دوستان مرحوم حاج ملا آقا
جان در آنجا جمع می‌شدند تا به اتفاق به مسجد جمکران بروند.

یک روز صبح پنجشنبه اول کسی که به میعادگاه می‌رسد مرحوم
حجة الاسلام و المسلمین آقای میرزا تقی تبریزی زرگری است، می‌بیند که
حال توجه خوبی دارد، با خود می‌گوید اگر بمانم تا رفاقا برسند شاید بتوانم
حال توجهم را حفظ کنم، لذا تنها به طرف مسجد حرکت می‌کند و آنقدر
توجه و حالش خوب بوده که جمعی از طلاب، پس از زیارت مسجد
جمکران که به قم برمی‌گشتند با او برخورد می‌کنند ولی او متوجه نمی‌شود.
رفقای ایشان که بعد سر آسیا می‌آیند گمان می‌کنند که آقای میرزا
تقی نیامده، از طلابی که از مسجد جمکران مراجعت می‌کنند می‌پرسند
شما آقای میرزا تقی را ندیدید؟ می‌گویند: چرا او با یک سید بزرگواری به
طرف مسجد جمکران می‌رفت و آنها آنچنان گرم صحبت بودند که به ما
توجه نکردند.

رفقای ایشان به طرف مسجد جمکران می‌روند، وقتی وارد مسجد
می‌شوند می‌بینند او در مقابل محراب افتاده و بیهوش است، او را به هوش
می‌آورند و از او سؤال می‌کنند چرا بیهوش افتاده بودی؟ آن سیدی که
همراهت بود چه شد؟ می‌گوید: من وقتی به آسیا رسیدم، دیدم حال

خوشی دارم، تنها با حضرت بقية الله ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء صحبت می‌کردم، با آن حضرت مناجات می‌نمودم، تا رسیدم به مقابل محراب، این اشعار را می‌خواندم و اشک می‌ریختم.

با خدا جویان بی حاصل مها تا کی نشینم

باش یکساعت خدا را تا خدا را با تو بینم

تا اینجا رسیدم که:

ای نسیم کوی جانان بر سر خاکم گذر کن

آب چشم اشکبارم بین و آه آتشینم

ناگهان صدائی از طرف محراب بلند شد و پاسخ مرا داد، من طاقت

نیاوردم و از هوش رفتم. معلوم شد که تمام راه را در خدمت حضرت بقية

الله «ع» بوده، ولی کسی که صدای آن حضرت را می‌شنود از هوش می‌رود

چگونه طاقت دارد که خود آن حضرت را ببیند، لذا مردمی که آقا را

نمی‌شناختند حضرت را در راه می‌دیدند.

ولی خود او تنها از لذت مناجات با حضرت حجة بن الحسن علیهما

السلام برخوردار بود^۱.

نتیجهٔ توسل به امام زمان «ع» در مسجد جمکران

حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسن ابطحی

فرمودند:

آن وقتها در قم وقتی طلبه‌ای ازدواج می‌کرد، دیگر به او در مدرسه

جا نمی‌دادند و طبعاً می‌خواست برای خود و همسرش خانه‌ای تهیه کند که

هم در آن زندگی نماید و هم یک اطاق لااقل برای مطالعه و پذیرایی و

کتابخانه داشته باشد.

ما که از نظر مادی و ضعیفان خوب نبود، مجبور بودیم که با یکی از دوستان که نسبتی هم با ما داشت یک خانه سه اتاقه دربست، اجاره کنیم و یک اتاق آن را برای پذیرایی و مطالعه و کتابخانه قرار دهیم و هر کدام یک اتاق هم برای زندگی داشته باشیم.

یک روز جمعهای من در اتاق کتابخانه نشسته بودم و مطالعه می‌کردم، دیدم صاحبخانه (که زنی بود) در زد و وارد منزل شد و از اهل بیت ما ایرادهائی موزیانه که به بهانه گیری بیشتر شبیه بود گرفت و زیاد او را اذیت کرد.

من دلم شکست. همان ساعت حرکت کردم و از قم پیاده با دوستم به مسجد جمکران برای توسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه رفتیم تا نزدیک غروب در آن مسجد متوسل بودیم، ناگهان حالتی به من دست داد که نمی‌توانم کیفیتش را وصف کنم در آن حال حضرت بقیه الله علیه السلام به من فرمودند: به منزل که بروید آن کسی که باید برای شما منزل بخرد در اتاق پذیرایی تان نشسته است.

من این مطلب را به دوستم گفتم و با هم حرکت کردیم و به قم آمدیم و یکسره به منزل رفتیم، وقتی در منزل را باز کردند دیدم چراغ اتاق پذیرایی روشن است.

سؤال کردم که آیا مهمان داریم؟

اهل بیت گفتند: بله فلانی است (ایشان یکی از دوستان بازاری تهرانمان بود که هر وقت به قم می‌آمد وارد منزل ما می‌شد و در آن زمان او زیاد هم ثروتمند نبود که بتواند یک منزل برای ما از پول خودش بخرد).

به هر حال وارد اتاق شدیم و سفره شام را پهن کردیم، وقتی مشغول

شام خوردن شدیم میهمانمان گفت: من شنیده‌ام در قم مقبره‌هایی می‌سازند و می‌فروشند و من هم امروز آمده‌ام تا برای فامیل خودمان در قبرستان یک مقبره بخرم.

من گفتم: مانعی ندارد و دیگر موضوع به سکوت گذشت.

ولی آن شب به حضرت بقیه الله علیه السلام متوسل شدم و عرض کردم: معلوم می‌شود که عمر ما تمام شده که ایشان قصد مقبره خریدن دارد و طبعاً چون ما با او رفیق هستیم حتماً ما را هم در آن دفن خواهد کرد.

ولی صبح که برای میهمانمان صبحانه آوردیم. دیدیم رأیش تغییر کرده و می‌گوید: انسان هر کجا دفن شود. باید عملش صالح باشد تا عالم برزخ را راحت بگذارند، حالا می‌خواهد بالای قبرش ساختمان داشته باشد یا نداشته باشد.

ما هم چیزی نگفتیم.

سپس بدون آنکه ما قضیه را برای او بگوییم خود او اضافه کرد و گفت: به شما در این منزل سخت می‌گذرد من فکر کرده‌ام که یک خانه در قم بخرم که لااقل چهار اطاق داشته باشد دو اطاق آن برای شما و دو اطاق دیگر برای من که هر وقت خودم یا دوستانم به قم آمدیم در آن سکونت کنیم.

من به ایشان گفتم: شما خانه را بخرید ولی ما در آنجا نخواهیم ماند، و علت این نحوه پاسخ به آن میهمان این بود که معمولاً بعضی از اهالی تهران در قم منزل می‌خریدند و در حقیقت وقتی به دست یک طلبه می‌سپردند، عملاً از او توقع سرایداری را داشتند چون دوستان و آشنایان صاحب منزل توقع داشتند هر موقع از شبانه‌روز در بزنند و وارد شوند آن روحانی از آنها پذیرایی کند و این برنامه تقریباً همه روزه در دوره هفته ادامه داشت).

به هر حال میهمانمان سفارش کرد که ما برای او منزلی بخریم و گفت:

هر زمان خانه خوبی تهیه شد، در تهران به من اطلاع دهید تا من بیایم و او به تهران رفت.

چند روز از این جریان گذشت. من فوق العاده ناراحت بودم چون به خیال خودم به من وعده منزل داده بودند و حالا اول اسم مقبره را می‌برند، بعد هم که منزل حواله می‌شود، به عنوان سرایداری و به نام دیگر می‌خواهد خریداری شود و سخت از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء گله مند بودم، تا آنکه در این بین شبی در خواب دیدم که شخصی به لباس تجار که عرقچین بر سر دارد و عبائی بر دوش انداخته با ما ملاقات کرد و گفت:

بیائید برویم منزلی را ببینید اگر پسندیدید برایتان بخریم ما با او رفتیم منزلی بود شش اطاق داشت و یکی از پایه‌هایش شکستی خورده بود و من آنرا پسندیدم و او آن منزل را از طرف میهمان فوق الذکرمان برای ما خرید. من وقتی از خواب بیدار شدم به دوست هم منزلم جریان خواب را گفتم: او هم تعبیر کرد که انشاء الله ما صاحب منزل خواهیم شد.

ولی همان روز، نامه‌ای از طرف آن میهمان از تهران آمد که فلانی با این آدرس منزلی سراغ دارد. شما بروید اگر منزل را پسندیدید بگوئید ایشان به من خبر دهد تا من به قم بیایم و آن را بخرم.

ما با آن آدرس به منزل همان کس که معرفی شده بود رفتیم. با کمال تعجب دیدم این همان کسی است که من او را شب گذشته در خواب دیده بودم، حتی همان عرقچین را بسر و همان عبا را به دوش دارد؟

من به دوستم گفتم: اگر منزل هم همان منزلی باشد که من در خواب دیده‌ام، منزل برای ما خریداری می‌شود.

اتفاقاً وقتی آقای معرفی شده ما را به منزل مورد نظرش برد با کمال تعجب آن منزل شش اطاق داشت و یکی از پایه‌هایش شکست خورده بود

ولی صاحب منزل قیمت را بالا گفت و ما را رد کرد.

شخص معرفی شده گفت: این منزل آن ارزش را ندارد و من برای شما منزل دیگری تهیه می‌کنم.

من به دوستم گفتم: این منزل را ما می‌خریم و به ما هم تعلق پیدا می‌کند، حال چگونه انجام می‌شود خدا بهتر می‌داند.

فردای آن روز صاحب منزل مرا در صحن حضرت معصومه علیها السلام دید و گفت: من از صبح دنبال شما می‌گردم، عیالم خواب دیده که چرا ما شما را از در منزلمان رد کرده‌ایم و خلاصه اگر مایل باشید حاضریم به هر قیمتی که شما بخواهید منزل را تقدیم کنیم.

من به او گفتم: ایشان منزل را برای ما نمی‌خواهد بلکه برای یکی از محترمین تهران می‌خرند و چون او با ما رفیق است، به ایشان سفارش کرده که با نظارت ما خریداری شود.

صاحب منزل گفت: اگر این طور است من منزل را به او نمی‌دهم چون عیالم گفته در خواب به من گفتند: چرا آن سیدها را از در خانه‌ات برگردانیده‌ای؟

خلاصه من به منزل شخص معرفی شده رفتم و جریان گفتگویم را با صاحب خانه برای او شرح دادم، شخص معرفی شده گفت: این طور نیست دوست مشترک تهرانیمان می‌خواهد منزل را برای شما بخرد.

فوراً نامه‌ای برای او نوشت و او به قم آمد و خانه را برای ما خریدند و چون من عفت نفس عجیبی داشتم و نمی‌خواستم پول منزل را از او قبول کنم، به من گفت: این را بدان که پول منزل را من نمی‌دهم و کسی که داده شما او را نمی‌شناسید و او هم شما را نمی‌شناسد!

بنا بر این زیر بار منت کسی نیستید و تنها از امام زمان علیه السلام

تشکر کنید من وقتی دوباره به مسجد جمکران شاید هم برای تشکر رفتم باز همان حالت مخصوص به من دست داده از آقا سؤال کردم که چرا همان شب اول به وسیله فلانی برای ما خریداری نشد؟ یعنی اول اسم مقبره و سپس منزل برای دیگری برده شد و پس از دو ماه سرگردانی به وعده وفا فرمودید و به ما منزلی عنایت کردید؟

فرمودند: که اگر همان روز اول داده می شد قدرش را نمی دانستید و خوشحالی زیادی پیدا می کردید.

سخنان آیت الله بدلا در باره مسجد جمکران :

روزی با اتوبوس عازم مسجد مقدس جمکران شدم، عده زیادی از جوانها در ماشین بودند، با هم به مسجد جمکران می رفتیم، بعد از نماز و دعا موقع برگشتن باز با هم بودیم، یکی از جوانها که از نظر اخلاق و ادب و لباس خوب نبود به جوان دیگر گفت: من چهل شب چهارشنبه آمدم چیزی ندیدم.

من خیلی ناراحت شده، گریه ام گرفت، گفتم: یا صاحب الزمان، به من کمک کن یک حرفی بزنم که به دل این جوان اثر کند، یک مرتبه این شعر به دلم افتاد و به آن جوان گفتم:

پاک کن دیده و آنگاه سوی آن پاک نگر

چشم ناپاک کجا دیدن آن پاک کجا

بعد از مدتی آن جوان آمد و گفت: چشمم را پاک کردم و آن عادت را

ترک نمودم، باز به مسجد جمکران چهل شب چهارشنبه رفتم و نتیجه نگرفتم.

سؤال کردم.

برای رفتن مسجد یک حاجت مبتدلی ذکر کرد، گفتم: دلت را پاک کن و اخلاص داشته باش تا نتیجه بگیری.

بعد از مدتی دوباره آمد و گفت: چهل شب دیگر رفتم، همانطور که فرموده بودید عمل کردم، با قلب پاک و اخلاص عمل، الحمد لله از مسجد مقدس جمکران و عنایت آقا امام زمان «ع» حاجتم را گرفتم^۱.

نیاز به عمل نشد

آیه الله دیباجی فرمودند:

هر وقت برای خودم یا یکی از دوستان مشکلی پیش آمد کند راهی مسجد مقدس جمکران می شوم.

بارها از این مسجد شریف جمکران کراماتی دیده و شنیده‌ام. یک جریان راجع به خودم است و چندی پیش مریض شدم بسیار هم ناراحت و نگران بودم، خدمت دکتر فیض رفتم، ایشان دستوراتی دادند و فرمودند چند روز دیگر بیایید اگر برطرف نشد باید عمل کنیم، من رفتم مسجد جمکران نماز صاحب الزمان علیه السلام را خواندم و دعا کردم، از حضرت خواستم که عنایت فرماید حالم بهتر شود و نیاز به عمل نداشته باشم، چند روز گذشت، خدمت دکتر فیض رسیدم، ایشان آن دستگاه را برداشتند الحمد لله تا به امروز احتیاج به عمل نشدم، این از برکات مسجد جمکران و عنایت حضرت صاحب الزمان علیه السلام بود.

حجة الاسلام و المسلمین حاج آقای فاضلی سرپرست سازمان اوقاف قم در مسجد جمکران شب چهارشنبه در حضور حضرت حجة الاسلام و المسلمین استاد گرانقدر آقای حاج سید مختار میر عظیمی نقل

۱- این داستان را معظم له در منزلشان برای حقیر نقل کردند.

فرمودند.

برو به مسجد جمکران

آیت الله دیباجی فرمودند: یکی از دوستان از اصفهان به منزل ما آمده بود، گرفتاری داشت، وقتی به بنده گفتند حقیر عرض کردم: از دست من خارج است، من نمی توانم برای رفع مشکل شما قدم بردارم، ایشان به من گفتند: پس من چه کنم؟ کجا بروم، یک مرتبه عرض کردم: برو به مسجد جمکران، ایشان گفتند: حضرت تعالی هم تشریف بیاورید با هم برویم، من هم قبول کردم با هم به مسجد جمکران رفتیم نماز امام زمان علیه السلام را خواندیم، بعد از نماز بنده به حضرت عرض کردم آقا جان ایشان مهمان من است از راه دور آمده و به جز در خانه خدا و شما پناه ندارد بحق مادرت حضرت زهراء سلام الله علیها در حق او احسان بفرمائید، آن دوست ما رفت اصفهان، بعد از چند روز تلفن کرد و گفت حاج آقا از کرامت امام زمان و مسجد جمکران و دعای شما در آن مسجد الحمد لله گرفتاری ما حل شد^۱.

دیدار با امام زمان «ع»

بنا به تقاضای مؤلف عظیم الشأن و بزرگوار کتاب مسجد جمکران، تجلیگاه صاحب الزمان «عج»، یک تشریفی که در جمکران رخ داده است به رشته تحریر در می آورم.

قبل از بیان واقعه تشریف به خدمت ولی زمان و قطب عالم امکان و لنگر زمین و زمان آیه الله الکبری و حجة الله العظمی حضرت حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف، خوب است که مقداری در باره

۱- این داستان را معظم له در مدرسه باقریه به حقیر نقل کردند.

کسی که تشریف حاصل نموده است بحث شود.

شخصی که تشریف حاصل نموده، جوانی است در حدود سی و دو ساله از محصلین حوزه علمیه قم، این جوان عزیز بسیار متقی و پارسا و با احتیاط بود، در سال ۱۳۶۹ با وی ملاقاتی به عمل آمد و از نزدیک تا اندازه‌ای او را شناختم، نام شریفش شیخ محمد و فامیلی او کمال فر بود، از اهل یزد بود و با لهجه یزدی سخن می‌گفت، این جوان به قدری احتیاط کار بود، در عین بی‌بضاعتی و تنگدستی به هیچ وجه حاضر نمی‌شد که از سهم مبارک امام علیه السلام تصرف نماید، در هفته دو روز پنجشنبه و جمعه را کار می‌کرد (گچکاری) و با مزد این دو روز مابقی روزها را مشغول به تحصیل شده و امرار معاش می‌نمود، عیالوار هم بود، خیلی به سختی زندگی می‌کرد، در خانه اجاره‌ای سکونت داشت، صاحبخانه به او زیاد زور می‌گفت، گاهی در فصل زمستان به او می‌گفت باید خانه را خالی کنی، گاهی می‌گفت شما آبریزی داری، گاهی می‌گفت: چرا دو تا فرزند داری و امثال اینگونه زورگوئی‌ها.

در اولین ملاقاتی که با وی داشتم، چنین اظهار داشت که در مدت چند سال پیش در قم به خدمت یکی از اولیاء خدا رسیدم و با جان و دل حاضر شدم که خریدهای خانه‌اش را انجام دهم، از قبیل خرید نان و گوشت و چیزهای دیگر، به امید اینکه او دستوری به من بدهد تا به وسیله آن به خدمت آقا امام زمان روحی له الفداء نائل شوم.

پس از گذشت سالیانی چند، دستور که نداد به جای خود، از وی تخلفی سر زد که باعث تنفر اینجانب گردید و بطور کلی او را ترک نمودم، ولی باز در جستجوی شخصی بودم که از او دستوری بگیرم، یکسال هم به این طور گذشت تا اینکه مبتلا به درد گوش شدید شدم، به دکترهای

متخصص قم مراجعه نمودم، اثر بخش نشد، شخصی به من گفت: طبیعی است گیاهی در قم، خیابان نیروگاه، نرسیده به میدان توحید به نام علی آقا حکیم زاده، او با داروهای گیاهی شما را درمان خواهد کرد، به وی مراجعه نمودم، با داروهای گیاهی درد گوشم بطور کلی مرتفع گردیده، سالم شدم، به همین وسیله با آقای حکیم زاده مراوده ما زیاد شد، و از دوستان صمیمی همدیگر شدیم، یک روز به او گفتم: آیا شخصی را می توانی به من معرفی کنی تا به وسیله او دستوری گرفته به خدمت آقا ولی عصر «عج» مشرف شوم؟ آقای حکیم زاده شما را به من معرفی نمود (یعنی اینجانب سید محمد مهدی لنگرودی را معرفی نمود). اکنون از شما تقاضا می شود دستوری بدهید که به خدمت آقای امام زمان روحی له الفداء مشرف شوم. اینجانب دستوری چهل روزه به او دادم و توصیه نمودم که این دستور باید در مکانی شریف و مقدس مانند مسجد جمکران انجام شود.

وی چهل روز به مسجد جمکران رفت، پس از اعمال مسجد، به دستور اینجانب عمل نمود، روز چهل و یکم به نزد اینجانب آمده، با روئی باز و خوشحال و بشاش، و اظهار داشت که تشریف حاصل نموده است، از وی خواستم که اصل جریان واقعه را برایم تعریف نماید، از بیان واقعه خودداری می نمود.

به او گفتم: رسیدن به خدمت مولی الكونین امام العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از نعمتهای بزرگ الهی است و خدا در قرآن مجیدش می فرماید: و اما بنعمة ربك فحدث. وی همین که این مطلب را از من شنید فوراً اصل جریان واقعه را برایم نقل نمود:

جریان تشریف شیخ محمد کمال فر یزدی به خدمت امام زمان «عج»

آقای کمال فر جریان واقعه را چنین نقل نمود:

روز چهارم پس از اتمام مسجده جمکران و انجام دستور، ظهر شد، مؤذن اذان گفت، نماز جماعت بر پا شد، پس از ادا نماز ظهر و عصر، شخصی به نزد من آمد و گفت: آیا نمی خواهی امام زمان خود را زیارت کنی؟

در جواب گفتم: تمام ایده و آرزوی من دیدن جمال مبارک آقا امام زمان روحی له الفداء است، آمدنم در این مکان برای رسیدن به خدمت آقا حجة بن الحسن عجل الله فرجه الشریف است.

وی گفت: پس بیا با هم برویم، به دنبال آن شخص رفتیم، از مسجد خارج شدیم، وارد بیابان شدیم، ولی دیدم آن بیابان، بیابان جمکران نیست، بیابان دیگری است، در یک طرف بیابان خیمه‌هایی زده شده است، آن شخص مرا به یکی از آن خیمه‌ها راهنمایی نمود، وارد خیمه شدم، دیدم سفره غذا گسترده است و در آن انواع اغذیه چیده شده و اشخاصی دور سفره نشسته‌اند، و شخصی با چهره جذاب و نورانی و زیبا و در عین حال هیبت انگیز، در یک طرف سفره نشسته‌اند، سلام کردم، جواب شنیدم، آن آقای بزرگوار فرمودند: بیا بر سر سفره بنشین، ولی من از خود بیخود شده، مات و مبهوت جمال دل آرای آن شخص نورانی شدم، چشم از او بر نمی‌داشتم، به قدری هیبت او مرا به خودش جذب کرده بود که همه چیز از یادم رفت، حتی نمی‌دانستم برای چه در این خیمه وارد شدم، با تبسمی ملیحانه فرمودند: غذا بخور.

من به امر او سر به زیر انداخته مشغول غذا خوردن شدم، ولی گاهی به

آن جمال دل آرا نظر می‌افکندم، دیدم آقا یک خیار و مقداری نان برداشته‌اند و می‌خواهند میل نمایند، عرض کردم: آقا رسم ما ایرانیان این است که میوه را یا جلوی غذا و یا بعد از غذا به نحو استقلال مصرف می‌نمائیم. شما چرا از این اغذیه، چیزی مصرف نمی‌نمائید؟

آقا در جواب فرمودند: ما تفکه نمی‌کنیم، هر میوه‌ای که باشد آن را خورشت قرار داده با نان مصرف می‌کنیم، هرگز به استقلال میوه‌ای را نمی‌خوریم، شما کاری به ما نداشته باشید به رسم خود عمل کنید.

پس از صرف غذا و بر چیدن سفره، آقای بزرگوار فرمودند: آقای محمد یزدی شما باید به اهواز بروید، ما دستور داده‌ایم برای شما خانه‌ای مناسب تهیه نموده‌اند و کار شما در آنجا بالا می‌گیرد، در آنجا با سران قوم ملاقات خواهید کرد، با شما کاری را می‌خواهند انجام دهند، در آن کار بدون مشورت و صلاحدید آن کسی که به شما دستور داده که به نزد ما توانستید بیائید (یعنی اینجانب لنگرودی) وارد نشوید، اگر او صلاح دید مانعی ندارد.

یک مرتبه آقا و خیمه و آن افراد و آن مکان از نظرم ناپدید شد، خود را در بیابان جمکران دیدم.

آقای کمال فر پس از چند روز طبق فرمایش آقا به اهواز رفت، و پس از مدتی به قم آمد و با بنده ملاقات نمود و راجع به انجام کاری از من صلاحدید کرد، من صلاح ندیدم، وی زیاد پافشاری کرد و گفت: خطری ندارد، در جواب گفتم: به نظر من خطر بزرگی در این کار هست، اگر می‌گویی خطری نیست و واقعاً اطمینان داری مانعی ندارد.

وی باز به اهواز رفت، پس از یک سال به قم آمد، ولی هراسان بود و گفت: حرف شما صحیح بود، در خطر عظیمی قرار گرفتم، ولی امید است

که به یاری خدا و خواست امام زمان روحی له الفداء برطرف شود. و من برای اطمینان خواطر شما فردا ساعت ده به منزل شما می آیم، ولی رفت و دیگر باز نگشت. و اکنون چندین سال است که او را ملاقات نکرده‌ام، اما از گوشه و کنار شنیده شده است که او در یک گوشه ایران زندگی می‌کند. و هو العالم^۱.

عنایت صاحب الزمان «ع»

خطیب توانا حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا سعید اشراقی فرمودند:

در چند سال قبل خاطرات فراموش نشدنی ملاقات با یکی از روحانیون بنام که اهل شمال بود در صحن مطهر حضرت معصومه علیها سلام شد، در ضمن مذاکرات سخن از مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ ابوالقاسم قمی که یکی از بزرگان و علماء قم بود به میان آمد، عالم جلیل شمالی به حقیر گفت: قدر این عالم را بدانید، گفتم: نزد ما بسیار محترم است، گفت: پدرم با آیه الله شیخ ابوالقاسم قمی دوست بود وقتی به قم آمد به خانه معظم له می‌رفت، گفتند: آقا به مسجد جمکران رفته است، پدرم رفت برای مسجد جمکران. وقتی به مسجد رسید آنجا مقداری برای استراحت نزدیک مسجد توقف کرد، ناگهان دیده بود آقای بسیار معظم و مکرم از مسجد جمکران بیرون آمد، مرحوم آیه الله شیخ ابوالقاسم قمی در معیت آن آقا بود مثل یک خدمتگزار، چند قدمی تشریف بردند فوراً در نظر پنهان شدند، پدرم سؤال کرده بود این آقا که بود، ایشان اظهار کرده بودند

۱ - دستخط آیت الله سید محمد مهدی المرتضوی اللنگرودی «عبدالصاحب» در واحد فرهنگی کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

چه کار دارید، اصرار زیاد شده بود، مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی گفتند بودند آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند که خدمتشان شرفیاب بودم.

آفرین و مرحبا به توفیقاتشان که چنین سعادت نصیبشان می شد^۱.

امام زمان «ع» کمک کرد

حجة الاسلام والمسلمین واعظ شهیر آقای حاج سید محمد صفحی فرمودند:

آقای مهندس سید حسین حسینی که در حال حاضر از مدیران عالی رتبه سازمان تحقیق، آموزش و ترویج (تات) وزارت کشاورزی است در دوران تحصیل، دانشجوی دانشکده کشاورزی کرج بود، او که خاله زاده اینجانب است و بدین جهت شناخت کاملی از اعتقادات مذهبی و تعهد نسبت به اسلام و گرایشهای شدید اسلامی او دارم، در دانشکده مواجه بود با سیل تبلیغات بهائی ها که با عناوین مختلف جوانان دانشجو را به مسلک ساختگی خود جذب و آنان را به گمراهی می کشانیدند.

او برای مقابله با این تهاجم، روزهای تعطیل هفته که قم می آمد کتابهای رد بهائی ها را از هر گوشه و کنار تهیه و بین دانشجویان پخش می کرد.

در یکی از هفته ها که قم آمده بود بیش از حد غمگین و افسرده بود و اظهار داشت: فشار تبلیغات و سمپاشی های بهائی ها از حد گذشته و موج گمراهی، بچه های دانشجو را تهدید می کند و من هر چه فکر می کنم راه چاره ای به نظرم نمی رسد، بالاخره پس از گفتگوهای زیاد بنا بر این شد که به

۱ - دستخط معظم له در کتابخانه حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

مسجد جمکران رفته و بحضرت ولی عصر ارواحنا فداه توسل جوید و از آن حضرت استمداد نماید.

نتیجه توسل به آن حضرت و دعا و نماز در مسجد شریف جمکران خیلی زودتر از آنچه تصور می‌رفت به نتیجه رسید و در جریان همان ساعات، وسیله یکی از روحانیون قم با هیئتی از جوانان مؤمن تهرانی آشنائی حاصل شد و آنها اظهار داشتند که کار ما همین است که به مجامع و مجالس بهائی‌ها می‌رویم و با آنها بحث و گفتگو می‌کنیم و با نقل مطالبی از کتابهای خودشان جلو انحراف جوانان را می‌گیریم.

آدرس دانشکده را یادداشت کردند و هفته بعد به دانشکده آمدند و فعالیتهای خود را که بسیار دقیق و حسابشده بود آغاز کردند.

هنوز چند هفته‌ای از فعالیت آنها نگذشته بود که خط تبلیغات بهائی‌ها در دانشکده کرج کور شد و جوانان دانشجوی مسلمان از خطر انحراف و گمراهی نجات یافتند.

این ماجرا یکی از صدها برکاتی بود که از مسجد جمکران قم و توسل به امام زمان عجل الله فرجه الشریف بدست آمد.

از خداوند متعال مسئلت داریم که توفیق استفاده از این مکان مقدس و بهره‌مند شدن از وجود مبارک امام عصر ارواحنا فداه را به همه ما عطا فرماید^۱.

حجة الاسلام و المسلمین واعظ شهیر آقای علی نظری نقل کردند :
در رابطه با مسجد مقدس جمکران قم از نوشته‌های مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری چند مورد بود که عیناً برای اینکه حتی تصرف در

۱ - دستخط معظم له در کتابخانه حضرت ابوالفضل (ع) موجود است.

عبارات ایشان نشده باشد نقل کردیم.

شیخ عبدالله مهرجردی در زمان رضا شاه پهلوی در این اواخر که وضع اهل علم سخت بود و مطالبه جواز عمامه می کردند به مرحوم حاج شیخ حسنعلی مراجعه می نماید که چه کنم؟ حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که به راهنمایی معنوی مشهور بودند، ایشان پس از اعمال قدرت خاص به ایشان می گوید باید قم بروی و به مسجد جمکران برای نرفتن به نظام و وظیفه به حضرت حجة متوسل شوی، ایشان می آیند در مسجد جمکران و متوسل می شوند خواب می بیند که در مسجد یا حیاط آن هستند، خادمه ای به ایشان می گوید حضرت در همین مجاورت مسجد تشریف دارند، حاج شیخ مزبور را دلالت می کند، خدمت امام «ع» می رسد و سلام می کند، می گوید در همان حالت خواب مسئله شرب توتون و حلیت آن را طرح کردیم، حضرت توجهی نکرد فقط فرمود: ما آن را درست کردیم.

از خواب بیدار شدم یک معافیت یک ساله مریضی داشتم، در هر موقع نیاز می افتاد همان را نشان می دادم و رفع گرفتاریها می شد، این اعجاز است چون برگه ها که مأمورین می دیدند تاریخ داشت ولی نمی فهمیدند.

مسجد جمکران

در زمستان با آقای سید حسین قاضی عصر بود در ماه رمضان مشرف به مسجد مذکور شدیم، در مسجد بوی عطر مخصوص به مشامم خورد، مثل اینکه کسی سابقاً در محل بوده و رفته و بوی آن هنوز باقی است، آن سنخ عطر هنوز یاد ندارم حس کرده باشم، موقعی که برگشتم و رفتم به مسجد امام برای نماز مغرب در اول وقت در موقع مراجعه به خانه همان بو را در دکان مرد قدیمی کنار بازار کفاشها دریافت و حس کردم، این کاسب

مرد عجیبی است، غرض جریان یک سنخ بودن بوی جا خالی مسجد جمکران و جا خالی این دکان را برایش گفتم، و گفتم معلوم می‌شود ما بیگانه نیستیم، مطلب را به من بگو، گفت انشاء الله خیر است، گفتم آقا اینجا تشریف می‌آورند؟ گفت: ممکن است بعضی از اصحاب ایشان اینجا تشریف بیاورند، دیگر نه من به او مراجعه کردم و نه او از این آشنایی استقبال کرد و فعلاً این مرد مشغول کار است و صورت مقدسی هم ندارد، بعداً دیدم که بعضی اشخاص ناشناس که در مسجد جمکران دیده بودم در دکان او می‌آیند، من خیلی دنبال مردم خوب یا بد نمی‌روم، مرحوم آقای فکور که اهل معنی بود جریان را به او گفتم رفته بود و در حالش دقت کرده بود، می‌گفت: خیلی مخفی و غیر معلوم مشغول ذکر است، اسم آن آقا میرزا علی اصغر می‌باشد^۱.

اگر شفائی هست در مسجد مقدس جمکران است

شخصی که در اثر عمل لال شده بود و دکترها جواب کرده بودند آقای علوی فرمودند: چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران بروی، اگر شفائی هست در آنجاست.

تصمیم جدی می‌گیرد برای چهل هفته بلیط هواپیما از مشهد مقدس به طرف تهران گرفته و شب چهارشنبه به مسجد مقدس جمکران قم می‌آید، در هفته سی و هشتم در حال سجده برای صلوات یک وقت می‌فهمد که همه جا نورانی شده است و یک آقای وارد و مردم به دنبالش می‌گویند حضرت حجت «ع» است، خیلی ناراحت می‌شود که نمی‌تواند سلام بدهد، لذا کناره گرفته ولی حضرت نزدیک او می‌آید و می‌فرماید

۱ - دستخط معظم له در کتابخانه حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

سلام کن.

اشاره به زبان می کند که من لالم و الابی ادب نیستم.

حضرت بار دوم با تشریح می فرماید سلام کن، بلافاصله زیانش باز می شود و سلام می گوید و از برکات مسجد جمکران حضرت صاحب الزمان «ع» شفا می دهد^۱.

از مسجد مقدس جمکران نتیجه گرفتم

آقای حاج حبیب الله بیگدلی فرمودند: در ۵۰ سال قبل روزی از روزها محضر مرحوم حاج شیخ مرتضی محدث اخوی محترم مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ عباس محدث انتظار درس حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رحمت الله علیه داشتیم، آقای حاج شیخ مرتضی فرمودند: سکینه بزرگ شده بود، مادرش به من اصرار می کرد جهیزیه برای ایشان تهیه کنم، گفتم خانم به من خیلی اصرار نکن، موقع اش که شد به من بگو، ما با رفتن به مسجد جمکران نتیجه می گیرم.

روزی از روزها به من گفتند موقع ازدواج سکینه است، من هم همان شب به مسجد مقدس جمکران رفتم و نماز و دعاء صاحب الزمان خواندم و صبح برگشتم تا وارد خانه شدم، دیدم مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج صدرالدین در منزل با یک آقای شیخ نشسته اند، فرمودند آقای حاج شیخ کجا هستید، صبح تا به حال صدرالدین منتظر شماست.

گفتم در مسجد جمکران بودم. فرمودند: شب در مسجد بودی، صبح تا به حال کجا بودی؟ عرض کردم رفتم باغ توت بخورم. فرمودند: من این آقا شیخ را آورده ام دختر شما را به عقد ایشان در بیاورم، اجازه می دهید

۱- نقل از شیفتگان حضرت مهدی.

عقد بخوانم؟ هفته آینده هم می‌برند، و هر چه خرج دارد به عهده اینجانب باشد و ایشان هم قبول کردند.

توسل به صاحب الزمان در مسجد جمکران قم

آقای علی اکبر رضا بابائی خاوه‌ای نقل کرد: حدود سال ۱۳۵۷ شمسی یکشب از خواب بیدار شدم و احساس درد زیاد در پهلو نمودم، به نحوی که از فشار درد پهلویم نزدیک بود تلف شوم، به وسیله همسایگان به دکتر مراجعه کردم، چون مربوط به ناراحتی کلیه تشخیص دادند به طبیب متخصص آقای دکتر چهارسن «میدان سعیدی» مراجعه نمودم، پس از معاینه‌ها گفتند کلیه شما محتاج عمل جراحی است، الان مبلغ ۲۰ هزار تومان بدهید تا نوبت بزمن ۹ ماه دیگر عملت نمایم و تا این مدت هم تحت کنترل خودم هستی، ناراحت مباش و چاره‌ای نیست جز عمل.

از مطب ایشان بیرون آمدم و چون درد اذیت می‌کرد نزد سایر دکترها رفتم و هر کدام نسخه و دارو می‌دادند ولی نتیجه نگرفتم، م‌ا یوس از اطباء به مسجد جمکران رفتم و با دلی شکسته خیلی ساده به آقا امام زمان «ع» عرض کردم: آقا دکترها که کارم نکردند من هم نمی‌خواهم عمل کنم و از این طرف بچه‌های من به من احتیاج دارند که زحمت بکشم و نانی تهیه کنم، خودت از خدا شفای مرا بگیر. من هم پنج نماز در این مسجد جمکران می‌آیم و می‌خوانم، بعد از توسل روز به روز حالم بهتر رو به بهبودی تارفع مریضی‌ام شد^۱.



آیه الله العظمی آقای بروجردی و مسجد جمکران

آقای سید حبیب الله حسینی قمی که از اهل منبر قم است و آقای حسن بقال که فعلاً در تهران است با هم قرار می‌گذارند که یک سال شبهای جمعه به مسجد جمکران بروند و حوائج خود را از حضرت بقیه الله روحی فداه بگیرند، این عمل را یکسال انجام می‌دهند و تشریف برایشان حاصل نمی‌شود.

شب جمعه‌ای که بعد از یکسال بوده، آقا حسن به آقای سید حبیب الله می‌گوید بیا با هم امشب به مسجد جمکران برویم.

آقای سید حبیب الله می‌گویند که چون من یکسال به مسجد جمکران رفته‌ام و چیزی ندیده‌ام دیگر به آنجا نمی‌روم.

آقا حسن زیاد اصرار می‌کند که امشب را هم هر طور هست بیا با هم برویم، شاید نتیجه‌ای داشته باشد.

بالاخره حرکت می‌کنند و پیاده به طرف مسجد جمکران می‌روند، در بین راه سید مجللی را می‌بینند که مانند کشاورزان «سه شاخ خرمن» روی شانه گرفته و از دور می‌رود، آنها مطمئن می‌شوند که او حضرت بقیه الله روحی فداه است.

آقای سید حبیب الله می‌گوید من وقتی چشمم به آن حضرت افتاد قضیه سید رشتی که در مفاتیح نقل شده به یادم آمد.

به آقا حسن گفتم برو و از آن حضرت چیزی بخواه.

آقا حسن جلو رفت و سلام کرد و گفت: آقا خواهش دارم با دست مبارک خودتان دشتی به من بدهید.

حضرت به او سکه‌ای می‌دهند، سپس رو کردند به من و فرمودند

حاجت تو هم نزد آقای بروجردی است، وقتی به قم رفتی نزد آقای بروجردی برو و بگو چرا از حال فلان کس که در مصر است غافل، و چند جمله دیگر که سری بود به من فرمودند که به آیه الله بروجردی بگویم و بعد آن حضرت تشریف بردند.

آقا حسن وقتی به سکه نگاه کرد دید تنها روی آن خطی ضربدر زده‌اند و چیزی بر آن نوشته نشده است.

بالاخره وقتی به مسجد جمکران رفتیم و قضیه را برای مردم نقل کردیم آنها سکه را در میان آب انداختند و از آن آب به قصد استشفاء آشامیدند و به سر و صورت خود مالیدند، من هم پس از آنکه از مسجد جمکران به قم برگشتم به منزل آیه الله بروجردی رفتم ولی تا سه روز موفق به ملاقات حضرت آیه الله بروجردی در جلسه خصوصی نشدم.

روز سوم که خدمت آن مرحوم رسیدم بدون مقدمه فرمودند سه روز است که من منتظر تو هستم کجائی؟

عرض کردم: آقا مواعی بود که موفق به ملاقات خصوصی نمی‌شدم. آیه الله بروجردی فرمودند حاجت تو این است که می‌خواهی به کربلا بروی، لذا مبلغی پول به من دادند و من مطالبی که حضرت بقیه الله روحی فداه فرموده بودند به آیه الله بروجردی عرض کردم و آیه الله بروجردی به آقا حسن گفتند چرا آن سکه را به افراد معصیت کار و ناپاک نشان می‌دهی؟

ضمناً من به آقای بروجردی عرض کردم که آقا شما چیزی بنویسید که من گذرنامه بگیرم و به کربلا بروم.

آیه الله بروجردی فرمودند تو گذرنامه نمی‌خواهی، فلان دعا را بخوان و از مرز عبور کن و به کربلا برو.

من هم همان روزها حرکت کردم و به طرف عراق رفتم، وقتی به مرز عراق رسیدم با آنکه همراهان من همه گذرنامه داشتند بیشتر از من که گذرنامه نداشتم معطل شدند و احدی از من مطالبه گذرنامه نکرد.

امام زمان «ع» در مسجد مقدس جمکران

حضرت آیه الله آقای لطف الله صافی در کتاب پاسخ به ده پرسش پیرامون امامت و خصایص حضرت مهدی «ع» حکایت ذیل را راجع به مسجد امام حسن مجتبی «ع» آورده است که شخصاً این داستان را از کسی که مربوط به او بوده جناب آقای عسکری کرمانشاهی نقل می کند که ایشان فرمود:

حدود هفده سال پیش بود، مشغول تعقیب نماز صبح بودم، در زدند، دیدم سه نفر از شاگردان جلسه ای من که شغل هر سه آنها مکانیکی بود با ماشین آمدند، گفتند: تقاضا داریم با ما به مسجد جمکران مشرف شوید، در آنجا دعا کنیم حاجتی شرعی داریم، موافقت کردم و به سوی قم حرکت نمودیم در جاده تهران (نزدیک قم) چند قدم بالاتر از همین جا که فعلاً حاج آقا رجبیان مسجدی به نام مسجد امام حسن مجتبی «ع» بنا کرده است ماشین خاموش شد.

رفقا هر سه مشغول تعمیر ماشین شدند، من برای قضای حاجت خواستم بروم توی زمینهای مسجد فعلی، دیدم سیدی بسیار زیبا و سفید و ابروهایش کشیده و دندانهایش سفید و خالی بر صورت مبارکش بود ایستاده و با نیزه بلندی زمین را خط کشی می نماید، رفتم برای قضای حاجت نشستم، صدا زد آقای عسکری آنجا ننشین، اینجا را من خط کشیده ام، مسجد است، من متوجه نشدم که از کجا مرا می شناسد، مانند

بچه‌ای که از بزرگتر اطاعت کند گفتم چشم. فرمود: یکی از عزیزان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در اینجا بر زمین افتاده و شهید شده است، من مربع مستطیل خط کشیده‌ام، اینجا می‌شود محراب، اینجا که می‌بینی قطرات خون است که مؤمنین می‌ایستند اینجا که می‌بینی مستراح می‌شود و اینجا دشمنان خدا و رسول خدا به زمین افتاده‌اند؟ همانطور که ایستاده بود برگشت و مرا هم برگرداند، فرمود: اینجا می‌شود حسینه و اشک از چشمانش جاری شد و من هم بی اختیار گریه کردم. فرمود: پشت اینجا می‌شود کتابخانه، تو کتابهایش را می‌دهی، گفتم: اینجا را کی می‌سازد؟ فرمود: «یدالله فوق ایدیهم».

بعد من آمدم سر جاده، دیدم ماشین راه افتاده، گفتند: با کی حرف می‌زدی؟ گفتم: من با آن سید حرف می‌زدم، گفتند: کدام سید؟ خودم برگشتم دیدم سید نیست و زمین مثل کف دست صاف بود، و هیچ کس هم نبود، من یک تکانی خوردم. به راه افتادیم به حرم حضرت معصومه «ع» مشرف شدیم، بعد به مسجد جمکران آمدیم، نماز مسجد جمکران را خواندم، هنگامی که می‌خواستم به سجده روم و صلوات بخوانم دیدم سید بزرگواری که بوی عطر می‌داد فرمود: آقای عسکری، سلام علیکم، نشست پهلوی من، تن صدایش همان تن صدای صبحی بود، رفتم به سجده، ذکر صلوات را گفتم، چون سرم را بلند کردم دیدم آقا تشریف بردند.

از پیرمرد و جوانی که در اطراف من بودند پرسیدم این آقا کجا رفت، گفتند ندیدند، یک دفعه مثل اینکه زمین لرزه شود تکان خوردم و فهمیدم که امام زمان «ع» بوده است.

به تهران برگشتیم، جریان را برای مرحوم شیخ جواد خراسانی

تعریف کردم، خصوصیات را از من پرسید، گفتم: خود حضرت بوده است. حالا صبر کن اگر آنجا را مسجد ساختند درست است.

پس از مدتی روزی یکی از دوستان فوت کرده بود، به اتفاق رفقا او را برای دفن به قم آوردیم، به همان محل که رسیدیم دیدم دو پایه از مسجد بالا رفته است. پرسیدم این مسجد را چه کسی می‌سازد؟ گفتند: این مسجدی است به نام امام حسن مجتبی «ع»، پسرهای حاج حسین آقا سوهانی می‌سازند.

رفتم سوهان فروشی پسرهای حاج حسین آقا گفتم: شما مسجد امام حسن مجتبی «ع» را می‌سازید؟ گفتند: نه حاج یدالله رجبیان می‌سازد، تا گفتم: یدالله قلبم به ضربان افتاد با خود گفتم یدالله فوق ایدیهم و فهمیدم حاج یدالله است. من بعداً چهار صد جلد کتاب خریداری کردم و وقف آن مسجد مبارک نمودم^۱.

توضیح اینکه آقای حاج محمد شجاعی فرد داماد محترم آقای رجبیان که در خدمتشان بودیم فرمودند: ایشان آمدند نزد من، گفتند می‌خواهم حاج یدالله را ببینم، تلفن کردم و ایشان را فرستادم منزل حاج آقا نهار هم در منزل مرحوم رجبیان بودیم، گفتار ایشان را در نوار ضبط کردیم و آقای عسکری این قضایا را محضر مبارک آیه الله العظمی گلپایگانی نقل کردند^۲.

۱ - پاسخ ده پرسش، پاورقی ۳۱، ۹۲ تن از نجات یافتگان ۱۱۸.

۲ - این داستان را آقای حاج حبیب رجبیان اخوی حاج یدالله رجبیان در دفترشان به حقیر نقل کردند.

چهار سال است شبهای چهارشنبه به مسجد جمکران مشرف می شوم احمد پهلوانی (ساکن حضرت عبدالعظیم «ع») فرمودند : من چهار سال است شبهای چهارشنبه به مسجد مقدس جمکران مشرف می شوم ، در یکی از سالها شب چهارشنبه ای بود که به واسطهٔ مجلس عروسی یکی از بستگان نزدیک در تهران نتوانستم به مسجد مشرف شوم ، به منزل رفته ، خوابیدم ، نیمه شب از خواب بیدار شدم ، تشنه بودم ، خواستم برخیزم ، دیدم پایم قدرت حرکت ندارد ، هر چه تلاش کردم پایم را حرکت بدهم نتوانستم ، دکتری حاضر نمودند ، دکتر پس از معاینه در غیاب من به رفیقم گفته بود خوب نمی شود سکنه کرده است ، ساعت ۹ صبح بود متوسل به حضرت «ع» شده عرض کردم : ای امام زمان من هر شب چهارشنبه در مسجد جمکران قم خدمت شما می رسیدم ولی دیشب نتوانستم بیایم و گناهی نکرده ام توجهی بفرمائید ، گریه ام گرفت و در آن حال خوابیدم . در عالم رؤیا دیدم آقای آمدند ، عصایی به دستم دادند . دستم را گرفتند و از جا حرکت دادند ، در این اثنا از خواب برخاستم ، دیدم می توانم پایم را حرکت دهم^۱ :

آقا راه مسجد جمکران را به ما نشان دادند

حجة الاسلام و المسلمین آقای شریفی مقسم شهریه مرحوم حضرت آیه الله العظمی آقای اراکی طاب ثراه فرمودند : مادرم نقل می کرد که حدود هفت ساله بودم ، با عده ای از خانمها جهت زیارت مسجد جمکران می رفتیم ، راه را گم کردیم « چون آن زمان مسجد جمکران راه

۱ - داستانهای شگفت ، اثر آیه الله شهید دستغیب ، حکایت ۱۰۸ ، ص ۲۱۷ .

ماشین رو نداشت ، عاشقان امام زمان پیاده به مسجد می رفتند .
در حال وحشت بودیم و می ترسیدیم ، یک وقت دیدم آقائی به من فرمود راه جمکران از این طرف است ، من هم به خانمها گفتم آقا می فرماید راه مسجد جمکران اینطرف است ، آنها نگاه کردند ولی آقا را ندیدند ، من دوباره نگاه کردم دیدم آقا بار دوم فرمودند از اینطرف به مسجد جمکران می روید ، با دست مبارک اشاره به مسجد نمودند .

به حاج رضا بگوئید خداوند به ایشان بچه خواهد داد

در سال ۱۳۶۲ بود برای دیدن آقای حاج رضا شفائی که از مکه معظمه آمده بودند با دوست محترم آقای ملا حسینی رفتیم ، بعد از صرف نهار که جمعیت هم زیاد بودند آقای ملا حسینی پیشنهاد کردند که دعا کنیم ، بلکه خداوند به ایشان بچه عنایت فرماید «ایشان حدود ۷ سال بود ازدواج کرده بودند ، ولی بچه دار نمی شدند» حقیر سر سفره دعا کردم و آقایان محترم آمین گفتند .

بعد از ظهر همین روز به مسجد مقدس جمکران رفتم ، نماز آقا امام زمان علیه السلام خواندم ، آقا را به حق مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیها قسم دادم که عنایت فرماید تا خداوند بچه ای به این دوست محترم عطا فرماید ، همین شب در خواب دیدم سید بزرگواری وارد خانه شد ، حضرت فرمودند به حاج رضا بگوئید نگران نباشد ، امسال خداوند به ایشان بچه خواهد داد و آن بچه دختر است ، از برکات مسجد مقدس جمکران و عنایت صاحب زمان همینطور هم شد ، فعلاً ایشان سه تا دختر دارد .

سفارشات امام زمان «ع» در مسجد جمکران

حجة الاسلام واعظ شهیر، مرحوم کافی رحمت الله علیه نقل کردند: یک نفر از رفقا از یزد نامه‌ای به من نوشته، آدم دینی خوبی است، از عاشقان امام زمان «ع» است، از رفقای من است، در نامه نوشته که مرا چند روز است منقلب کرده، گر چه این پیغام خیلی به علماء رسید، «به مرحوم مجلسی گفته، به شیخ مرتضی انصاری گفته، به مرحوم شیخ عبدالکریم حائری گفته، به مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی گفته، به بعضی از اوتاد دیگر گفته» این بنده خدا نوشته من چهل شب چهارشنبه از یزد می آمدم مسجد جمکران، توسلی و حاجتی داشتم، نوشته شب چهارشنبه چهلمی دو هفته قبل بود، در مسجد جمکران خسته بودم، گفتم ساعتی اول شب بخوابم، سحر بلند شوم برنامه‌ام را انجام بدهم. صحن حیاط هوا گرم بود، خوابیده بودم یک وقت دیدم از در مسجد جمکران یک مشت طلبه‌ها ریختند تو، گفتم: چه خبر است؟ گفتند: آقا آمده. گفت من خوشحال دویدم رفتم جلو، آقا را دیدم، اما نتوانستم جلو بروم، گفتم آقا آمده‌اند که آمده باشند، خودش فرمودند برو به مردم بگو دعا کنند خدا فرجم را نزدیک کند. به خدا قسم آی مردم دعاهاتان اثر دارد. ناله‌هاتان اثر دارد، خود آقا به مرحوم مجلسی فرموده، مجلسی به شیعه‌ها بگو برام دعا کنند، هی پیغام می دهد، به خدا دلش خون است، آقا مصلحت در این است که فعلاً پسر فاطمه در پس پرده غیبت باشد تا کی؟ نمی دانم؟ حالا می خواهم دعا کنم، الهی به پهلوی شکسته زهرا، خدایا به صورت سیلی خورده زهرا، الهی به جگر پاره پاره امام حسن، الهی به سر بریده حسین، قسمت می دهی که دیگه فرجش را نزدیک کن^۱.

بارالها رهبر اسلامیان کی خواهد آمد
 شیعیان را غمگسار مهربان کی خواهد آمد
 انتظار مصلحی دارد جهان، اما نداند
 مصلح کل رهنمای انس و جان کی خواهد آمد
 شاعر دیگر در جواب می گوید:

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد
 غم مخور آخر طبیب دردمندان خواهد آمد
 آنقدر از کردگار خویشتن امیدوارم
 که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد
 دردمندان، مستمندان، بی پناهان را بگوئید
 منجی عالم، پناه بی پناهان خواهد آمد
 صبر کن یا فاطمه، ای بانوی پهلو شکسته
 مهدیت با شیشه دارو و درمان خواهد آمد

مرحوم آیه الله قاضی در مسجد جمکران

آقای حاج آقا جواد رحیمی نقل کردند: مرحوم آیه الله آقای حاج
 سید حسین قاضی رحمت الله علیه فرمودند: شب تولد حضرت فاطمه
 زهرا سلام الله علیها یعنی شب بیستم جمادی الثانی سال ۱۳۴۸ در مسجد
 جمکران بودم، ناگهان مشاهده شد که انواری از آسمان به زمین و بخصوص
 روی آسمان مسجد جمکران فرو می ریزند (در اینجا آقای رحیمی
 فرمودند من هم اتفاقاً آن شب در مسجد جمکران بودم و آن انوار را دیدم،
 بلکه همه مردم آنها را می دیدند، در همان شب شخصی که مورد وثوق
 آقای قاضی بود برای ایشان نقل کرده بود که من در مسگر آباد تهران بودم،

یکی از اولیاء خدا مرا با طی الارض به مسجد جمکران آورد با او در مسجد جمکران به مجلس روضه‌ئی که در گوشه‌ای تشکیل شده بود رفتیم، از همان اول مجلس حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداء در روضه شرکت فرمودند، روضه خوان اشعاری از کتاب گلزار آل طه که مرحوم آیه اللہ حاج سید علی رضوی سروده است می‌خواند و حضرت ولی عصر «ع» گوش می‌دادند و گریه می‌کردند، پس از خاتمه مجلس حضرت حجة بن الحسن «ع» دعا کردند و از مجلس برخاستند و تشریف بردند، جمعی که در آن مجلس بودند به شخصی که از دیگران به حضرت ولی عصر «ع» نزدیکتر بود اصرار می‌کردند که شما هم دعائی بکنید، او می‌گفت حضرت ولی عصر «ع» دعا فرمودند، بالاخره با اصرار زیاد او را وادار به دعا کردند، او هم چند جمله در باره فرج کرد و مجلس خاتمه یافت.

« احتمالاً دعا کننده خود مرحوم قاضی بوده ولی نمی‌خواست اسمش را ببرد »^۱.

از کدام راه به مسجد جمکران می‌آئی

حاج علی محمد فرزند مرحوم حاج ابوالقاسم پاینده قمی چنین بیان کردند: مرحوم والد گفتند من نذر کرده بودم چهل شب جمعه یا چهارشنبه (تردید از گوینده) به خاطر جنبه اقتصادی و آفاتی که به زراعت رسیده بود و ... مسجد جمکران مشرف شوم، سی و نه شب رفتم، شب جمعه یا چهارشنبه آخر بود که به مسجد رفتم و اعمال مسجد و نماز ولی عصر «ع» را خوانده بودم، هوس چائی کردم، گشتم تا آشنایی پیدا کنم و یک چائی بخورم، برخورد کردم به عده‌ای از آشنایان که اسباب چائی داشتند، لکن

آب نداشتند، ظرف آب را گرفتم تا بروم از آب انبار نزدیک مسجد و آب بیاورم. نصف پله‌ها را رفتم، وسط آنجا چراغ نفتی نصب کرده بودند، یک وقت متوجه شدم آقائی دارد بالا می‌آید، سلام کردم با محبت جواب داد و از من احوالپرسی کرد مثل کسی که سالهاست با من رفیق و آشناست، فرمودند: مسجد آمدی؟ گفتم: آری، پرسید چند هفته است؟ گفتم: هفته چهارم است، پرسید حاجتی داری؟ گفتم: آری. گفت: برآورده شده؟ گفتم نه. فرمود از کدام راه می‌آئی؟ عرض کردم از جاده قدیم (آسیاب لتون) فرمود بین باغ آقا و آسیاب دو سه پل است شما وقتی از پل اول که بالا می‌روی شیخ محمد تقی بافقی را می‌بینی که می‌آید در حالی که عبایش را زیر بغل گذاشته و سنگها را از جاده به کنار می‌ریزد، این برخورد را به او بگو و سلام مرا به او برسان و بگو از آنچه ما نزد تو داریم یک مقدار به تو بدهد. وقت بازگشت من از همان راه که برمی‌گشتم در همان مکان برخورد به شیخ محمد تقی بافقی یزدی نمودم که عبا را زیر بغل گذاشته، خم می‌شد سنگها را از جاده به کناری می‌ریخت، چون به او برخورد کردم و جریان را تعریف نمودم و گفتم آقا ترا سلام رسانید، نشست آنقدر گریه کرد، بعد گفت: آقا دگر چه فرمود؟ گفتم فرمود از آنچه که از ما نزد شماست مقداری به من بدهید، کیسه‌ای در آورد و مقداری پول خرد که داخل کیسه بود کف دست ریخت و چند قرانی به من داد و گفتند دیگر آقا مطلبی نفرمود، گفتم نه، گفت خدا به شما خیر و برکت دهد و رفت. بعد از این جریان من وضعم خوب شد و اوضاع کارم روبراه شد.



از امام زمان «ع» در مسجد مقدس جمکران شفا گرفتم

آقای حسین آقای شوfer می گفت در زمان طفولیت مادرم فوت شده بود و پدرم زن دیگری گرفته بود، من ناراحت بودم و از اراک و وطن اصلی ام فرار کردم و مشغول رانندگی شدم و کم کم شغل مکانیکی را یاد گرفتم و در کارخانه‌ای که مال یهودی‌ها بود مشغول میکانیکی شدم، در این بین مبتلا به کمر درد شدیدی گردیدم که فوق العاده مرا ناراحت کرده بود. برای معالجه به اطباء زیادی مراجعه کردم و عکسهای بسیاری از کمر من برداشتند حتی به خارج از کشور رفتم و مرا عمل جراحی کردند. ولی همچنان کمر درد مرا اذیت می کرد و نتیجه‌ای از آن همه معالجات حاصل نشد، یعنی اطباء به من گفتند که عصب موضع درد ضعیف شده و علاجی ندارد.

لذا من به مسجد جمکران رفتم و به حضرت بقیة الله روحی فداه متوسل شدم و چند روز در قهوه‌خانه جمکران ماندم ولی نتیجه‌ای نگرفته و به قم برگشتم. شبی در خواب دیدم که به من می‌گویند از ماندن در قهوه‌خانه که انسان نتیجه‌ای حاصلش نمی‌شود، بلکه باید در خود مسجد بیتوته کنی تا به مقصد برسی. من مجدداً به مسجد جمکران برگشتم و قصد داشتم در ایام البیض ماه رجب عمل ام داود را بجا بیاورم. شبی در مسجد تنها بودم، هیچکس در آنجا نبود، اعمال مسجد را انجام داده بودم، ناگهان دیدم سید جلیل القدری که تمام لباسهایش سبز بود و نور غیر زننده‌ای آن سبزی را احاطه کرده بود در کنار من در میان مسجد نشسته، من هم در آن موقع در نهایت ناراحتی بودم، کمرم در آن لحظه به شدت درد می‌کرد.

آن آقا رو به من کرد و فرمود: چه دردی داری؟

گفتم: مدتی است که کمرم سخت درد می‌کند.

آن آقا نزدیک من آمدند و دست روی مهره‌های پشت من کشیدند و

یک یک مهره‌ها را زیر دست گذاردند تا آنکه دستشان به مهره‌ای که درد می‌کرد رسید، موضع درد را با کف دست مالش دادند و آیه شریفه او آخر سوره حشر را می‌خواندند که می‌فرماید:

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

و بعد فرمود: خوب شدی، من حرکتی به خودم دادم، دیدم کمرم درد نمی‌کند، سپس بدن خود را به طرف راست و چپ حرکت دادم، احساس دردی نکردم، از جا بر خاستم، دیدم راحت می‌توانم برخیزم و حال آنکه قبلاً نمی‌توانستم حرکت کنم. چند قدمی راه رفتم و در ایوان مسجد جمکران مقداری دویدم، دیدم اثری از درد در بدنم وجود ندارد.

سنگ سنگینی بیرون مسجد افتاده بود، روی دست بلند کردم، دیدم ناراحتم نمی‌کند، و بالاخره هر چه توانستم خود را امتحان نمودم دیدم به هیچ وجه اثری از کسالتم وجود ندارد، برگشتم به مسجد که از حضرت بقیة الله روحی فداه تشکر کنم. آن حضرت در مسجد نبودند و بلکه در هیچ کجای مسجد جمکران و بیابانهای اطراف کسی غیر از من وجود نداشت^۱.

عنایت حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - به کودک ۱۳ ساله زاهدانی

در مسجد مقدس جمکران

کرامات، معجزات و عنایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام صادر گشته و توسط راویان مورد اعتماد روایت شده، و در کتابهای مورد استناد ثبت گردیده، منحصر به صدر اسلام و قرون اولیه اسلام نمی باشد، بلکه هر روز در گوشه و کنار جهان، به ویژه در حرم ائمه هدی، علیهم السلام معجزات و کرامات تازه ای تحقق می یابد که دلیل حقانیت پیشوایان شیعه، و مایه دلگرمی شیعیان می باشد.

هر یک از شما یک یا چند معجزه در حرم مطهر ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا - علیه السلام - دیده و یا شنیده اید.

اکنون که دوران فرمانروائی حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - می باشد، همه روزه دهها نفر در اقطار و اکناف جهان با توسل به ذیل عنایت آن حضرت از امراض صعب العلاج و دیگر گرفتاریهای خانمانسوز به طور معجزه آسا رهائی می یابند، و برای همیشه خود را رهین عنایات آن حضرت می دانند.

در اینجا یکی از این کرامتها را که در شب دوازدهم جمادی الاولی ۱۴۱۴ هـ در مسجد مقدس جمکران در مورد یک کودک ۱۳ ساله زاهدانی انجام یافته برای نورائیت قلب خوانندگان گرامی می آوریم:

این کودک « سعید چندانی » دانش آموز کلاس پنجم ابتدائی است که در دبستان محمد علی فائق، در زاهدان مشغول تحصیل است.

سعید در یک خانواده مذهبی در زاهدان متولد شده و بر شیوه عقاید اهل تسنن تربیت یافته است.

مادر سعید اگر چه از لحاظ نسب به خاندان عصمت و طهارت

منسوب است ولی او نیز سنی و حنفی است.

سعید یک سال و هشت ماه پیش در یک تعمیرگاه ماشین پایش می لغزد و به چاهی که روغن و فاضلاب تعمیرگاه در آن می ریخته می افتد، و جراحتهای مختلفی بر بدنش وارد می شود، این جراحتهای بهبودی می یابد ولی غدهای در ناحیه شکم پدید می آید، نخست خیال می کنند که فتق است، ولی با گذشت چند ماه پزشکان معالج اظهار می کنند که غده سرطانی است و باید او را برای معالجه به تهران ببرند.

او را به تهران می آورند و در بیمارستان هزار تختخوابی بستری می کنند، پس از نمونه برداری و احراز غده بدخیم سرطانی، او را به بیمارستان الوند منتقل می کنند، و غدهای به وزن یک کیلو و نیم از شکم او بیرون می آورند ولی در مدت کوتاهی جای غده پر می شود، و پزشکان اظهار می کنند که با این رشد سریع غده، دیگر کاری از ما ساخته نیست.

مادر سعید شبی در خواب می بیند که به او می گویند: «سعید را ببرید به مسجد جمکران».

طبعاً یک زن سنی نمی داند که مسجد جمکران یعنی چه؟ ولی هنگامی که خوابش را برای دیگران نقل می کند، او را به مسجد جمکران قم راهنمایی می کنند.

وی سعید را با دیگر فرزندش «محمد نعیم» به قم می آورد، و بلافاصله به مسجد مقدس جمکران مشرف می شوند.

سعید روز سه شنبه ۱۱ جمادی الاولی ۱۴۱۴ هیک ساعت و نیم بعد از ظهر وارد مسجد جمکران می شود، خدام مسجد وضع او را که به این منوال می بینند او را در اطاق شماره هشت زائرسرای مسجد اسکان می دهند.

مادر سعید اعمال مسجد را فرا می‌گیرد، با پسرش محمد نعیم اعمال مسجد را انجام می‌دهد، آنگاه عریضه‌ای تهیه می‌کند و آن را در پناه می‌اندازد، و با دلی سرشار از امید به ذیل عنایت حضرت بقیة اللّٰه - ارواحنا فداء - متوسل می‌شود.

شب فرا می‌رسد و عاشقان حضرت بقیة اللّٰه - ارواحنا فداء - طبق رسم سنواتی (که شبهای چهارشنبه از راههای دور و نزدیک به مسجد مقدس صاحب الزمان در جمکران مشرف می‌شوند) دسته دسته می‌آیند، و در مسجد به عبادت و نیایش می‌پردازند.

مشاهده این شور و هیجان مردم در دل مادر سعید طوفانی ایجاد می‌کند، او نیز همراه دهها هزار زائر به عبادت و دعا و تضرع می‌پردازد و شفای فرزندش را از حضرت بقیة اللّٰه - ارواحنا فداء - با اصرار و الحاح مسئلت می‌کند.

هنگامی که به اطاق مسکونی اش در زائر سرای مسجد می‌آید، دو نفر از خادمان با اخلاص به اطاق او می‌آیند و در آنجا عزاداری می‌کنند و برای شفای سعید به طور دسته جمعی دست به دعا بر می‌دارند.

سعید می‌گوید:

« درست ساعت ۳ بعد از نیمه شب بود که در عالم رؤیا دیدم نوری از پشت دیواری ساطع شد و به طرف من به راه افتاد.

او یک انسان بود، ولی من از او فقط نور خیره کننده‌ای می‌دیدم که آهسته آهسته به من نزدیک می‌شد.

من اول مضطرب شدم، ولی سعی کردم که بر خودم مسلط شوم.

هنگامی که نور به من رسید به ناحیه سینه و شکم من اصابت کرد و برگشت.

من از خواب بیدار شدم و چیزی متوجه نشدم و باز هم خوابیدم. صبح که از خواب برخاستم، سعی کردم که خودم را به عصایم نزدیک کنم و عصا را بردارم، ناگاه متوجه شدم که بدنم سبک شده و آن حالت درد شدید به کلی از من رفع شده است. در آن وقت متوجه شدم که شفا یافته‌ام و آن نور وجود مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام بوده است.»

این معجزه باهره و کرامت ظاهره، در شب چهارشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۴۱۴ هجری، برابر با ۵ آبان ۱۳۷۲ شمسی صادر گردید.

سعید با مادر و برادر خود سه شب در زائر سرای مسجد اقامت کردند، شب سوم که شب جمعه بود عنایت دیگری شد، که این بار در بیداری انجام پذیرفت، و اینک متن آن واقع از زبان سعید:

« شب جمعه در اطاق شماره هشت نشسته بودم، مادرم مشغول تلاوت قرآن بود، احساس کردم که شخصی در کنار من نشست، و برای من رهنمودها و دستورالعمل‌هایی را بیان فرمود.

چون سخنانش تمام شد برگشتم و کسی را ندیدم، از مادرم پرسیدم که: مادر با من بودی؟ گفت: من قرآن می‌خوانم با تو نیستم.

پرسیدم: پس این کی بود که با من سخن می‌گفت؟ مادرم گفت: کسی در اینجا نیست.

در آن موقع پتو را بر سرم کشیدم و هر چه بر مغز خود فشار آوردم که مطالب آن شخص را به خاطر بیاورم چیزی به یادم نیامد.»

روز جمعه سعید و مادرش به تهران باز می‌گردند و به بیمارستان الوند مراجعه می‌کنند، پس از عکسبرداری معلوم می‌شود که سعید صحیح و

سالم است و از غده بدخیم سرطانی هیچ خبری نیست .
و بدین گونه این کودک سعادت‌مند که به حق « سعید » نامگذاری شده
از معجزه باهره حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - بهبودی کامل خود را در
می‌یابد .

دو هفته بعد (شب چهارشنبه ۲۵ جمادی الاولی ، برابر با ۷۲/۸/۱۹
سعید با مادرش و برادرش محمد نعیم به جمکران آمده بود تا پیشانی ادب
بر آستان مسجد حضرت صاحب الزمان بساید، و از محضر مولا و
مقتدایش تشکر نماید. خوشبختانه حقیر هم در مسجد بودم، و از داستان
شفا یافتن او آگاه بودم، با او به دفتر مسجد رفتم و در حضور دهه‌انفر از
دوستان، مطالب بالا را از زبان سعید بدون واسطه شنیدم .

مادرش از خوشحالی در پوست نمی‌گنجید، و برای حضرت بقیه الله
- ارواحنا فداه - پیوسته درود می‌فرستاد، و سخنانی می‌گفت که از یک فرد
سنی مذهب بسیار جالب بود، مثلاً می‌گفت: « من نمی‌دانم الآن امام زمان -
علیه السلام - کجاست ؟ آیا در دریاها کشتی‌ها را نجات می‌دهد، و یا در
آسمانها هواپیماها را نجات می‌دهد ! ». سعید در این سفر با کوله باری از
پرونده‌های پزشکی، عکسها و آزمایشها آمده بود، که آنها را به مشتاقان
ارائه دهد، از اسناد پزشکی او توسط مسئولین مسجد فیلمبرداری شد، از
خود سعید و مادرش فیلمبرداری شد و سخنانشان ضبط گردید . بی‌گمان
خانواده « چندانی » در میان خانواده‌های معتقد اهل سنت، مبلغ صمیمی و
بی‌قرار حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - خواهند بود^۱ .

۱ - متن کامل تشرف این کودک ۱۳ ساله و شفا یافتنش به دست حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در
کتاب « کریمه اهل بیت » آمده است و نیز فیلم مصاحبه سعید چندانی و مادرش در واحد فرهنگی
کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل (ع) موجود است .

امام زمان به من شفا داد

حجة الاسلام و المسلمین آقای فقیهی سرپرست درمانگاه قرآن و عترت فرمودند:

من مریض شدم و زبانم گرفته شد، بسیار ناراحت بودم، رفتم به مسجد مقدس جمکران نماز صاحب الزمان علیه السلام را خواندم به محضر آقا عرض کردم که من چهل سال است خدمتگزار حضرتعالی هستم، به این سربازت عنایتی بفرما، از برکات مسجد جمکران و عنایت آقا صاحب الزمان علیه السلام زبانم باز شد، توضیح اینکه معظم له از علاقمندان صاحب الزمان علیه السلام و مسجد جمکران می باشد.

گراماتی که از مسجد مقدس جمکران دیدم

حقیر وقتی وارد شهر مذهبی قم شدم یکسال در منزل حضرت آیه الله حاج سید قادر میر عظیمی اخوی بزرگوار بودم که بعد از آن آمدم به مدرسه فیضیه حجره ۱۲ مشغول به تحصیل علوم دینی شدم تا اینکه رفقای ما برای عمامه گذاری از آقایان مراجع دعوت می کردند به مدرسه فیضیه و جشن می گرفتند، بنده عصر رفتم به مسجد جمکران بعد از نماز تحیت مسجد و نماز امام زمان علیه السلام خیلی گریه کردم و دعای توسل و فرج آقا امام زمان علیه السلام خواندم، عرض کردم یا صاحب الزمان علیه السلام من مهمان تو هستم، نوکر و سرباز شما هستم، پناه به شما آورده‌ام و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

توضیح اینکه آقای دکتر باهر به مناسبت ولادت فاطمه زهرا سلام الله علیها در کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع» در حضور آیت الله حاج سید حجت چاوشی دانشجویان عزیز در ضمن سخنرانی، داستان سعید چندانی را بیان فرمودند که خود معظم له معاینه کرده بودند، فرمودند: از عنایت امام زمان و مسجد جمکران بود، شفای ایشان یک معجزه الهی بود.

کسی غیر از خدا و شما ندارم، به حق پدرت و به حق مادرت فاطمه زهرا علیها السلام و جدّت امام حسین علیه السلام به من کمک کن، حاجت مرا روا کن.

آن شب در عالم خواب دیدم سید بزرگواری فرمودند فردا صبح در حرم حضرت معصومه خودت عمامه به سرت می گذاری، عصر یک نفر از اطراف قم می آید شما را برای منبر می برد، بنده همین دستور آقا را انجام دادم، عصر آن روز یک نفر به نام حاج اصغر ریاضی آمد ما را برد به نزدیکی امامزاده جعفر جهت منبر که حدود بیست خانوار بودند و مسجد نداشتند، در منزل خود حاج اصغر ریاضی نماز جماعت و منبر بود وقتی بنده به منزل ایشان رسیدم گفتند آقا می خواهم خمس مالم را بدهم، حساب کردیم بیست و پنج هزار تومان بدهکار شدند، ده هزار تومان دادند بابت سهمین، چون مقلد آیت الله العظمی نجفی مرعشی بودند حقیر ده هزار تومان به محضر معظم له بردم، آقا فرمودند کجا هستید و کی عمامه گذاشتید؟

داستان مسجد جمکران را نقل کردم در حالی که آن مرجع بزرگ جهان شیعه گریه می کردند فرمودند برو قدر امام زمان علیه السلام را بدان و پنجهزار تومان پول به من دادند و با خط مبارک خودشان برای حقیر اجازه نامه نوشتند.

و فرمودند مسجد جمکران معجزات و کرامات زیادی دارد دست از این مسجد شریف و مقدس برندارید و به دوستان و رفقای خود بگوئید به این مسجد جمکران بیشتر بروند چون رفت و آمد امام زمان در این مسجد زیاد است.

خلاصه از عنایت امام زمان علیه السلام و از برکات دعای حضرت آیه الله العظمی آقای نجفی مرعشی و کرامات مسجد مقدس جمکران

حقیر در همین محل و اطراف آن چندین مسجد و مدرسه و مکتب قرآن و کتابخانه عمومی و امانی تأسیس نمودم ، امیدوارم مورد رضای حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام قرار گیرد .

مشکل من حل شد

آقای حاج غلامرضا مسیح فرمودند ^۱ : «حدود ۳۵ سال پیش بود که وضع زندگی ما از نظر اقتصادی خوب نبود ، گرفتاری زیاد داشتم ، هر دری زدیم که نجات پیدا کنیم نشد ، عاقبت به مسجد مقدس جمکران رفتیم و بعد از نماز صاحب الزمان دعائی که در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی نوشته معروف به دعای امام سجاد «ع» که شیخ کفعمی در بلد الامین دعائی از حضرت امام زین العابدین «ع» نقل کرده و فرموده این دعا را مقاتل بن سلیمان از آن حضرت روایت کرده و هم گفته هر که صد مرتبه آن را بخواند و دعایش مستجاب نگردد لعنت کند مقاتل را ، این است دعا :

۱ - آقای حاج غلامرضا مسیح مرد با تقوی و خیر هستند ، علاوه در امور خیریه و کمک به فقراء و مستمندان مسجدی به نام الزهراء سلام الله علیها در محله محروم قم « یزدانشهر » بنا کرده اند .
 که در روز ولادت با سعادت صدیقه طاهره ، شفیعه روز جزاء ، فاطمه زهرا «ع» ، بانوی بانوان دو جهان ، عطای خداوند سبحان ، کوثر پر بهای قرآن ، کفو و همتای امیرمؤمنان «ع» ، و یکی از علل آفرینش عالم امکان در آل کسا محور ، عزیز قلب پیغمبر «ص» ولیة الله اطهر ، و از یازده فرزند معصومش برتر ، خانه اش منزل « هل اتی » ، پدرش محمد مصطفی «ص» ، همسرش علی مرتضی «ع» پسرانش امام حسن «ع» و امام حسین «ع» ، دخترانش ام کلثوم «س» و زینب «س» ، دستش بوسه گاه رسول خدا «ص» ، مهرش : صفا بخش قلوب اولیاء ، مؤدتش اجر رسالت ، خاتم الانبیاء و والاترین مدحش ام اینها ... این مسجد با عظمت با حضور ائمه محترم جماعات قم و آیات عظام و حجج اسلام و شخصیت های محترم کشوری و علمی افتتاح شد و بعد از صرف نهار ، خطیب بزرگوار ، سخنگوی ائمه جماعات قم حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا سعید اشراقی در باره عظمت فاطمه زهرا و ثواب بناء مسجد صحبت کردند و حدیثی از رسول گرامی اسلام «ص» فرمودند که من بناء مسجداً بناء الله له بیتا فی الجنة ، امیدوارم خداوند متعال توفیق خدمت بیشتر به ایشان و همه ما عنایت بفرماید .

الهی کیف ادعوك و انا انا و كيف اقطع رجائی منك و انت انت الہی اذا لم اسئلك فتعطينی ممن ذا الذی اسئله فيعطینى الہی اذا لم ادعوك فستجيب لى فمن ذا الذی ادعوه فيستجيب لى الہی اذا لم اتضرع اليك فترحمنى فمن ذا الذی اتضرع اليه فيرحمنى الہی فكما فلقت البحر لموسى عليه السلام و نجيته اسئلك ان تصلى على محمد و اله و ان تنجینى مما انا فيه و تفرج على فرجا عاجلاً غير اجل بفضلک و رحمتک يا ارحم الراحمين^۱»
ایشان فرمودند از برکت امام زمان و مسجد جمکران و این دعا که در آنجا من خواندم تمام مشکل من حل شد و پروردگار عالم عنایتی در حق من فرمودند.

با امام زمان «عج» مسجد جمکران را تعمیر می کردیم

سید عبدالرحیم خادم مسجد جمکران نقل می کند: بعد از آنکه مسجد مخروبه شده بود تا آنکه حاجی علیقلی جمکرانی مریض شده بود به او گفتم نذر کن خدا شفا بدهد ترا قدری تعمیر این مسجد کن تا آنکه شفا یافت به مقدار سیصد تومان خرج نمود، یک طرف مسجد را بساخت، اما گفت وقت زدن طاقهای مسجد از مسجد باید گوسفندی کشت، می گوید رفتم و گوسفندی کشتم و گوشت او را به فقرا دادم و محزون بودم از برای خرابی باقی مسجد تا که روزی در خواب دیدم که درب مسجد امام حسن جمعیت زیادی می باشد و ملا آقا رضا که خویش بود با ما او را دیدم و گفتم بیا برویم میان حرم حضرت معصومه «س» او به من گفت کجا برویم و حال آنکه حضرت حجة در این جا می باشد، اشاره نمود به سوی جلو جانب درب مسجد، دیدم که در جلو خان درب مسجد امام حسن سجاده افتاده و

حضرت نماز کرده بود و تعقیب نماز می خواندند چون که پیش حضرت را خواب دیده بودم و منتظر فرصت بودم که عرض خود را بکنم آخر الامر حضرت از نظرم غائب شد و نشد که عرض خود را خدمت حضرت نمایم، از باب خرابی مسجد تا آنکه در این دفعه پیش خود خیال نمودم که حال مثل آن روز نشود که من عرض خود نکرده غایب شوند لهذا افتاده به روی زانوی حضرت و عرض کردم که مسجد جمکران خراب شده چرا یک مرحمتی نمی فرمائید که تعمیر شود به یک مرتبه دیدم که من خودم و حضرت میان مسجد جمکران می باشم دیدم آب گل گرفته و قدری آب به روی آن گلها ریخت و فرمودند وقتی که نمای مسجد را می ساختید من در اینجا بودم می دیدم و از گوشت آن گوسفند به ما هم رسید به یک مرتبه صبیبه ام مرا از خواب بیدار کرد من به او دعوی کردم، عیالم گفت چرا دعوی می کنی گفتم الحال خواب دیدم و نگذاشت که خواب خود را تمام ببینم^۱.

سید عبدالرحیم نقل کرد که بعد از آنکه حاجی علیقلی فوت شد، استاد رضای نجار ابن حاجی اسماعیل نجار قمی حاجی مذکور را خواب دیده بود و این حقیر مؤلف از استاد رضا سؤال کردم از کیفیت خوابی که دیده بود نقل کرد که در خواب دیدم یک باغ بسیار بزرگ را و در میان باغ قصری عالی و بسیار بلندی بود و دیدم حاجی علی قلی را در بالای آن قصر بود و سر خود را از میان قصر بیرون آورده بود، به او گفتم کی این باغ و قصر را به تو داده، گفت صاحب الزمان تا سه مرتبه الی آخر، معلوم می شود که حضرت حجة آن باغ و آن قصر را به او مرحمت کرده در عوض آن مقداری که تعمیر نموده بود، از این مسجد شریف پس از این خواب و همچنین از خواب سابق معلوم می شود و کشف از این کند که عمل او مقبول حضرت

حجة گردیده، هنيئاً له بهذه الكرامة^۱

هر پولی مصرف مسجد جمکران نمی شود

سید عبدالرحیم خادم مسجد جمکران نقل می کند: از حاجی علی قلی جمکرانی که می خواستم بروم از جمکران طرف شهر یک زنی از اهل جمکران یک ده شاهی به من داد که این پول را از برای من شمع بخر و بیاور که می خواهم در مسجد جمکران روشن کنم می گوید رفتم و شمع خریدم و دستمالی که پول او در میان او بود بیرون آوردم که پول شمع را بدهم، دیدم که پول نیست، به خود گفتم یقین جایی افتاده، شمع را پس دادم و گفتم پول نیست و رفتم قدری از راه را طی کردم و دستمال را از جیب بیرون آوردم دیدم که پولش هست، سر جای خود برگشتم که شمع بخرم، دو مرتبه رفتم که پول بدهم دیدم که پول نیست شمع را پس دادم، برگشتم در بین راه دیدم که پول به همان دستمال بسته، فهمیدم پول جهتی دارد که نباید خرج این راه خیر شود، لهذا پولش را آوردم و پس آن ضعیفه دادم^۲.

صاحب الزمان شفا داد

آیت الله کاشانی فرمودند: شخصی به نام نوروزی به من نقل کرد پسر مریض شد وقتی دکتر بردم گفتند سرطان است، چندین دکتر مراجعه کردم، همه گفتند درد ایشان درمان ندارد، ناچار پسر را به انگلستان بردم، تا آنجا هم بعد از چند روز آزمایش و عکسبرداری همین تشخیص را دادند و گفتند اگر عمل هم بکنید فایده ندارد، بارها به خدا عرض کردم که خدایا

۱- کتاب انوار المشعشعین، صفحه ۲۰۴.

۲- انوار المشعشعین، صفحه ۲۰۴.

این همه ثروت را که به من عنایت فرموده‌اید از من بگیر، فقط این یک پسر را برای من نگهدار، عاقبت پسر من را از بیمارستان انگلستان مرخص کردم، سوار هواپیما شدیم به طرف تهران، در حالی که سرم دستش بود و از شدت درد ضعیف و رنجور شده بود، یک نفر در هواپیما به من گفت این مریض را چرا اینجا آوردی، گفتم کجا ببرم، گفت: مسجد جمکران، این جور مریضها را باید صاحب الزمان شفا دهد، من در همان هواپیما نذر کردم که اگر خداوند به پسر من شفا دهد یک بیمارستان به نام مسجد جمکران بنا کنم، شروع کردم در هواپیما با امام زمان «ع» راز و نیاز کردن، عرض کردم ای پسر فاطمه به حق فاطمه زهرا «ع» به این پسر شفا عنایت فرما، در همین حال بودم که یک مرتبه پسر من از خواب بیدار شد و گفت بابا به من انار بده، گفتم چشم تهران برای شما انار می‌دهم، بار دوم از خواب بیدار شد گفتم بابا به من بیسکویت بده، معلوم شد که در خواب دیده سید بزرگواری برای ایشان انار آورده و فرموده شما خوب شدید سرم را بیرون بیاورید چون تهران رسیدیم سرم را از دست ایشان بیرون آوردم دیدم حالش خیلی خوب است چند روز در تهران ماندیم، به دکترها مراجعه کردم آزمایش و عکسبرداری گفتند پسر شما سالم است، چون قبلاً دیده بودند گفتند این فقط معجزه بود که خداوند از صاحب الزمان و مسجد جمکران ایشان را شفا داده.

توضیح اینکه آقای نوروزی هر هفته شب چهارشنبه به مسجد جمکران می‌آید.

پیرزن باصفایی در مسجد مقدس جمکران

در قدیم ساختمان مسجد مقدس جمکران در شهر مذهبی قم آنقدر وسعت نداشت که جمعیت زیادی در آن جمع شود، علاوه راه ماشینی خوبی هم نداشت که مردم به سهولت بتوانند به آنجا بروند، لذا مسجد جمکران تنها برای چند نفر عاشقان پر حرارت آن حضرت باقی می ماند که آنها به هر نحوی که ممکن بود شبهای جمعه خود را به آنجا می رسانند، ولی بقیه شبها مسجد خالی بود که طبعاً درش را خادم مسجد می بست و می رفت.

پیرزن با صفائی که شاید مکرر خدمت حضرت ولی عصر «ع» در خواب و بیداری رسیده بود، پس از آنکه مسجد جمکران را توسعه داده بودند شب جمعه ای به مسجد جمکران می رود و صدها و بلکه هزارها نفر را می بیند که در مسجد و اطاقها و حتی در فضای باز اطراف مسجد برای عبادت و توسل به آن حضرت جمع شده اند و همه نسبت به آن حضرت عرض ارادت می کنند.

خودش می گفت: من وقتی این جمعیت را دیدم و با جمعیت قبل از توسعه مسجد مقایسه کردم خیلی خوشحال شدم که بحمدالله مردم اطراف مولایم حضرت حجة بن الحسن «ع» جمع شده اند و به آن حضرت اظهار علاقه می کنند، با این خوشحالی وارد مسجد شدم و اعمال مسجد را انجام دادم و سپس زیارت آل یاسین را خواندم و مقداری با زبان خودم با آن حضرت حرف زدم، ضمناً به آن وجود مقدس عرض کردم آقا خیلی خوشحالم که مردم زیاد به شما علاقه پیدا کرده اند و شبها جمعیت زیادی به دور مسجد جمع می شوند و به شما اظهار علاقه می کنند.

سپس از مسجد بیرون آمدم و غذای مختصری از همان غذاهایی که

در مسجد به همه می دادند خوردم و به یکی از حجرات مسجد که قبلاً برای استراحتم آن را آماده کرده بودم رفتم و خوابیدم، در عالم خواب و یا در عالم معنی دیدم حضرت بقیه الله «ع» به مسجد جمکران تشریف آورده‌اند و در میان مردم راه می روند ولی کسی به آن حضرت توجهی نمی کند، من از اطاقم بیرون دویدم و سلام کردم، آقا با کمال ملاحظت جواب فرمودند.

کلماتم را که در بیداری خدمتشان عرض کرده بودم تکرار کردم و گفتم آقا جان قربان خاک پای شما گردم، خوشحالم که بحمدالله مردم به شما علاقه و محبت زیادی پیدا کرده‌اند و به اینجا این همه برای شما آمده‌اند.

آن حضرت آهی کشیدند و فرمودند: همه اینها برای من به اینجا نیامده‌اند. بیا با هم برویم از آنها سؤال کنیم که چرا به اینجا آمده‌اند. گفتم: قربانتان گردم در خدمتتان هستم.

در همان عالم در خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به میان جمعیت آمدیم، آن حضرت از یک یک مردم سؤال می فرمود شما چرا اینجا آمده‌اید؟

یکی می گفت: آقا مریضی دارم که اطباء جوابش گفته‌اند. دیگری می گفت: مستأجرم خانه ملکی می خواهم، سومی می گفت: مقروضم، فشار طلبکار مرا به در خانه شما دوانده است. چهارمی از شوهرش می نالید و پنجمی از دست زنش شکایت داشت و بالاخره هر یک حاجتی داشتند که در واقع خودخواهی و حب نفس، آنها را وادار کرده بود که به آنجا بیایند. حضرت فرمودند: فلانی دیدی اینها برای من به این جا نیامده‌اند، اینها تازه افراد خوب این جمعیت هستند که به من اعتقاد دارند و حاجتشان را از من می خواهند و مرا واسطه فیض می دانند و اگر از اینها بگذریم جمع

زیادی هستند که تنها برای تفریح به اینجا آمده‌اند حتی بعضی از اینها یقین به وجود من ندارند. سپس در همان حال دیدم که یک نفر در قسمتی از این مسجد نشسته که او برای آقا ولی عصر «ع» آمده است، حضرت فرمودند بیا تا احوال او را هم پرسیم.

در خدمت آقا در همان عالم خواب نزد سید معممی که فکر می‌کنم از علماء بود رفتیم، او زانوهایش را در بغل گرفته بود و در گوشه‌ای نشسته بود و چشمش به اطراف می‌گردید، دنبال گمشده‌اش می‌گشت، وقتی چشمش به آقا افتاد از جا پرید و به دست و پای آقا افتاد و گفت: پدر و مادر و جانم به قربانتان کجا بودی که به انتظارتان نزدیک بود قالب تهی کنم. حضرت دست او را گرفتند و او به دست آن حضرت بوسه می‌زد و گریه می‌کرد.

آقا از او سؤال کردند که شما چرا اینجا آمده‌اید، او چیزی نگفت و بر شدت گریه‌اش افزود، حضرت دوباره از او سؤال را تکرار کردند، او گفت: آقا من کی از شما غیر وصل شما را خواسته‌ام؟ من شما را می‌خواهم؟ بهشتم شما، دنیا و آخرتم شما، من یک لحظه ملاقات شما را به ما سوی الله نمی‌دهم، جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم. این متاعی است که هر بی سر و پای دارد.

آقا رو به من کردند و فرمودند: مثل این شخص که فقط برای من به اینجا آمده باشد چند نفری بیشتر نیستند که آنها به مقصد می‌رسند^۱.

ای برادران و خواهران عزیز، ای عاشقان امام زمان، شما هم غسل کرده، وضو گرفته با قلب پاک و نیت خالص فقط برای دیدار یوسف زهراء حضرت ولی عصر امام زمان «ع» به مسجد مقدس جمکران تشریف بیاورید تا اینکه مورد نظر و عنایت حضرت ولی عصر امام زمان «ع» قرار بگیرید،

مانند هزاران نفر که در شبهای چهارشنبه از تهران، اصفهان، کاشان، شیراز، همدان، مشهد، تبریز و دیگر استانها و شهرستانها، حتی از کشورهای خارج برای دیدار با امام زمان «ع» به این مکان مقدس، مسجد جمکران قم می آیند، خداوند متعال از همه قبول بفرماید و ما را از یاوران امام زمان «ع» قرار بدهد و دست خالی برنگرداند.

شش ماه در مسجد مقدس جمکران ماند تا امام زمان «ع» را ملاقات کرد سید عبدالرحیم خادم مسجد جمکران نقل می کند که در سال ۱۳۲۳ که مرض وبا شایع شده بود روزی به مسجد جمکران رفتم، دیدم مرد غریبی در مسجد نشسته و حال توجه خوبی دارد، از او پرسیدم تو که هستی و چه می کنی؟

گفت: اهل تهرانم و اسمم علی اکبر و کاسبم، چون به مردم نسیه می دادم و آنها دچار مرض وبا شدند و مردند تمام اموال من از بین رفت و من ناچار به مسجد جمکران آمده ام شاید حضرت حجة بن الحسن «ع» نظر لطفی به من بفرماید.

این شخص سه ماه در مسجد جمکران ماند و به گرسنگی و عبادت صبر کرد، پس از این مدت یک روز به من گفت قدری کارم اصلاح شده، می خواهم به کربلا بروم و پیاده به کربلا رفت، پس از شش ماه برگشت و گفت: برایم معلوم شد که باید کارم در مسجد جمکران درست شود.

باری، این دفعه هم سه ماه ماند و مشغول عبادت و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود.

روز ششم ماه مبارک رمضان ۱۳۲۳ وقتی می خواست به طرف قم و تهران برود و می گفت حاجتم برآورده شده است من از او تقاضا کردم که

شب را به منزل ما بیاید و فردای آن روز به تهران برود، قبول کرد.

شب که در منزل نشسته بودیم و من با اصرار از او تقاضا می‌کردم که قضیه خود را برای من بگوید، گفت چون تو مدتهاست به من محبت کرده‌ای و خادم مسجد جمکرانی، تنها برای تو این قضیه را نقل می‌کنم.

در مدتی که من در مسجد جمکران بودم با یکی از اهالی ده جمکران قرار گذاشته بودم که هر روز یک نان برای من بیاورد و من پولش را یکجا به او بدهم، یک روز به ده جمکران رفتم که نان بگیرم، آن شخص به من گفت که دیگر به تو نان نمی‌دهم چون حسابت زیاد شده است.

مدتی من چیزی نداشتم که بخورم، حتی یک روز از گرسنگی مقداری از این علفهایی که کنار جوی آب بیرون آمده بود خوردم، کم کم مریض شدم، شبی در یکی از حجرات مسجد جمکران احساس کردم که دیگر قدرت بر حرکت ندارم، ولی نصفه‌های شب بود که از پنجره طرف «کوه دو برادران» دیدم نور عجیبی ساطع است و این نور به قدری وسیع بود که تمام آن کوه با عظمت را روشن نموده و این نور همچنان شدت کرد تا آنکه من ناگهان متوجه شدم که کسی پشت در حجره‌ام ایستاده و آن نور از اوست.

من هر طور بود برخاستم و در را باز کردم، دیدم سیدی با عظمت و جلالت عجیبی وارد اطاق شد و سلام کرد، من جواب دادم و ابهت او مرا گرفت که نتوانستم چیزی بگویم، ولی من متوجه شدم که او حضرت بقیة الله روحی فداه است.

آن حضرت به من فرمودند چون تو متوسل به حضرت فاطمه زهرا شده‌ای جده‌ام حضرت صدیقه کبرا علیها السلام شفیعه شده‌اند نزد رسول اکرم «ص» و آن حضرت به من حواله فرموده‌اند که من حاجتت را بدهم و

سپس فرمود هر چه زودتر حرکت کن و به وطنت برگرد که زن و بچه‌ات منتظرت می‌باشند و به آنها سخت می‌گذرد و در آنجا کارت اصلاح شده است .

گفتم : آقا خادم مسجد چشمش نابینا شده ، اگر ممکن است او را شفا بدهید .

فرمودند : نه ، صلاح او در این است که او نابینا باشد ، سپس به من فرمودند : بیا با هم به مسجد برویم و نماز بخوانیم .

گفتم : چشم قربانت کردم ، و با آن حضرت حرکت کردیم و به طرف مسجد رفتیم ، تا آنکه به لب چاهی که دم در مسجد است رسیدیم .

« البته آن زمانها چاهی دم در مسجد کنده بودند که مردم نامه‌های خود را در آن می‌ریختند » .

شخصی از چاه بیرون آمد و حضرت به او کلماتی فرمودند که من نفهمیدم چه گفتند .

بعد شخصی از داخل مسجد بیرون آمد و ظرف آبی در دستش بود و آن را به آن حضرت داد ، آقا با آن آب وضو گرفتند و بقیه آب را به من دادند و فرمودند تو هم با این آب وضو بگیر ، من هم اطاعت کردم و با آن آب وضو گرفتم . سپس با آن حضرت داخل مسجد شدیم .

ضمناً به حضرت بقیة الله روحی فداه عرض کردم شما چه وقت ظهور می‌کنید ؟ آن حضرت با تغییر به من فرمودند تو را نمی‌رسد که از این سؤالها بکنی .

گفتم : آقا من می‌خواهم از یاران شما باشم ، فرمودند : هستی ولی تو را نمی‌رسد که از این گونه مطالب سؤال کنی .

پس از این دو سؤال ناگهان دیدم حضرت بقیة الله روحی فداه در

مسجد تشریف ندارند و از نظرم غائب شدند، ولی صدای آن حضرت را می شنیدم که می فرمودند اهل و عیالت منتظرت می باشند، زود برو، ضمناً او می گفت زن من علویه است^(۱).

حقیر عرض می کنم برادر و خواهر گرانقدر تو که عاشق دیدار یگانه منجی عالم بشریت بقیه الله الاعظم امام زمان روحی له الفداء هستی پس باید رنج و زحمت بیشتر بکشید که به قول شاعر:

نابرده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
از چند بار مسجد جمکران قم آمدن خسته نشوید، از این مرد خدا یاد بگیریم شش ماه در مسجد جمکران می ماند با آن وضع عجیب، آخر محضر مبارک امام زمان در مسجد جمکران می رسد و مشکلات خود را با دست مبارک آقا حل می کند.

شفای مفلوج، سفارش به دعای فرج

یکی از خدمه جمکران می گوید: یک روز قبل از عاشورای حسینی در مسجد جمکران در حال قدم زدن بودم، مسجد خلوت بود. ناگاه متوجه مردی شدم که بسیار هیجان زده بود و به خدام مسجد که می رسید آنها را می بوسید و بغل می کرد، جلو رفتم بینم جریان چیست؟ آن مرد مرا هم در آغوش کشید و بوسید و اشک می ریخت. از او جریان را پرسیدم. گفت:

چند وقت قبل، با اتومبیل تصادف کردم و فلج شدم، پاهایم از کار افتاد، هر شب متوسل به خدا و ائمه معصومین «ع» می شدم. امروز همراه خانواده ام به مسجد جمکران آمدم. از ظهر به بعد حال خوشی داشتم. متوسل به آقا شدم و از ایشان تقاضای شفای خود را می کردم. نیم ساعت

قبل ناگاه دیدم مسجد نور عجیب و بوی خوشی دارد، به اطراف نگاه کردم، دیدم مولا امیرالمؤمنین و امام حسین و قمر بنی هاشم و امام زمان «علیهم السلام» در مسجد حضور دارند، با دیدن آنها دست و پای خود را گم کردم، نمی دانستم چه کنم که ناگاه آقا امام زمان «ع» به طرف من نگاه کردند و لطف ایشان شامل حال من شد.

به من فرمودند: شما خوب شدید، بروید به دیگران بگوئید برای ظهورم دعا کنند، که ظهور انشاء الله نزدیک است. و باز فرمودند: امشب عزاداری خوب و مفصلی در این مکان برقرار می شود که ما در اینجا می باشیم.

خادم می گوید: مرد شفا یافته یک انگشتری طلا به دفتر هدایا داد و خوشحال رفت. مسجد خلوت بود، آخر شب هیئتی از تبریز به جمکران آمد و به عزاداری و نوحه خوانی پرداختند و مجلس بسیار با حال و انقلاب و سوزناک بود، در اینجا من به یاد حرف آن برادر افتادم^۱.

عنایت فرزند:

آقای امیری می گوید: شانزده سال بود که ازدواج کرده بودم ولی صاحب فرزند نمی شدم، متوسل به همه دکتورها، داروها و پزشکان جسمی شده بودم، اما نتیجه نگرفته بودم، همه اطباء بر این عقیده بودند که زن و شوهر سلامتیم، ولی علت بچه دار نشدن ما را نمی دانستند. چند سال پیش متوسل به آقا امام رضا «ع» شدم و به پابوس حضرت شتافتم. حضرت فرزندی به ما عنایت کرد، ولی فرزندم زنده نماند.

خلاصه از همه جا نا امید شده بودم، زندگیم داشت متلاشی می شد،

روزی یکی از رفقا به من گفت: کمتر به دکتر مراجعه کن، خدمت آقا امام زمان «ع» برو و از حضرت خواسته‌ات را طلب کن.

به مسجد جمکران مشرف شدم، و پس از خواندن نماز با قلب شکسته متوسل به آقا شدم، و ایشان واسطه فیض شدند و خداوند فرزند پسری به من عنایت نمود که الحمدلله سالم و حالش خوب است. و خوشحالم که زندگیم از هم متلاشی نشد^۱.

حل مشکل ازدواج

جوان می‌گویند: مدت سه سال بود که قصد ازدواج داشتم، اما همسر مورد دلخواهم را پیدا نمی‌کردم. از این موضوع پیش دوستانم خجالت می‌کشیدم، و احساس ناراحتی می‌کردم. تا اینکه روزی یکی از رفقایم از حالم با اطلاع شد، این دوستانم سالیان درازی است که به جمکران مشرف می‌شد، به من پیشنهاد کرد که برای حل مشکلم به مشهد خدمت آقا امام رضا «ع» بروم. زیرا خود ایشان هم مثل من بوده و چون مشرف به مشهد می‌شوند آقا امام رضا «ع» مشکل ایشان را حل می‌کنند.

من به ایشان عرض کردم: درست است که آقا امام هشتم حلال مشکلات است، بسیار کریم و بزرگوار است، اما عصر، عصر امام زمان «ع» است و بنده از نوکران ایشان هستم، اگر بنا باشد عنایتی شود از ایشان توقع دارم که گره از کارم بگشاید.

از دوستانم جدا شدم، ولی مدت‌ها این فکر از من جدا نمی‌شد. تا اینکه یکی از شبها خوابیده بودم، اما خواب نبودم، گوئی کسی به من گفت: اگر حاجت داری بلند شو به مسجد جمکران برو، بلافاصله از جا بلند شدم و

۱- قدرت الله امیری، از تهران.

بدون آنکه به کسی حرفی بزنم به مسجد مشرف شدم، نماز خواندم، همانجا احساس کردم کارم حل شده، اضطرابم برطرف شده است.

مدتی نگذشت، همسر مورد نظر را انتخاب کردم و ازدواج کردیم و اولین فرزندمان که پسر هم بود روز نیمه شعبان مصادف با ولادت حضرت مهدی «عج» دنیا آمد. گوئی نشانه‌ای بود از اینکه متوجه باشیم که این الطاف از جانب حضرت مهدی «ع» به ما شده است^۱.

شفای مجروح و معلول جنگ:

جوان می‌گوید: ۸ سال پیش در جبهه حاج عمران مورد حمله هوایی عراق قرار گرفتم و از کلیه بدن فلج شدم. در این مدت توانایی حرکت کردن نداشتم. شبی مادرم به منزل من آمد و زخم زبانی به من زد که دلم را شکست. من متوسل به آقا امام زمان «ع» شدم و گفتم: یا امام زمان «ع» یا مرگ مرا برسان و یا شفایم را از خداوند بخواه.

به خواب رفتم، در خواب آقا را دیدم، فرمود: من مسجدی به دست خود بنا کرده‌ام، بیا آنجا متوسل شو. (مسجد جمکران مورد نظر آقا بوده است).

صبح که از خواب برخاستم، عقیده‌ام برگشت. گفتم باشد، سال آینده به جمکران می‌روم، بعد به عیادت بیماری در بیمارستان رفتم. شب ساعت ۱۲ که به منزل رسیدم دیدم منزل و کلیه اثاثیه‌ام در آتش سوخته است. بسیار دل شکسته و پریشان شدم. صبح از یکی از دوستانم مبلغی قرض گرفتم و همان روز حرکت کردم و به جمکران آمدم.

مدت ۳۹ روز در مسجد جمکران بودم و خدمت آقا را کردم، تا اینکه

۱- علی معاریان، از قم، ۱۳۷۱/۱/۷.

شب چهارشنبه ۱۹ ماه مبارک رمضان بود، شب در حین خدمت دیدم خیلی خسته‌ام و خوابم می‌آید، رفتم داخل یکی از کفشداروها خوابیدم. حدود ساعت ۱ نیمه شب در خواب دیدم دارم در حیاط مسجد جمکران آشغال جمع می‌کنم، یک مرتبه آقای جلو آمد و فرمود: آقا سید داری نظافت می‌کنی؟ بیا برویم داخل مسجد کمی حرف بزنیم، با آقا داخل مسجد رفتم، دیدم ۴ نفر دیگر هم آنجا هستند، نزدیک آنها نشستم. آقا فرمودند: آقا سید مثل اینکه کسالتی داری؟ گفتم: بله آقا جبهه مجروح شدم، آقا با دست مبارک بر سرم کشید و فرمود: انشاء الله خوب می‌شوی، دستی به کمر و پایم کشید، در عالم خواب بسیار راحت شدم، دیدم حضرت علی «ع» با فرق خونین، حضرت محمد «ص» و حضرت زهرا «س» با پهلوی شکسته و حضرت معصومه «س» در حال گریه کردن بود. از آقا جریان را پرسیدم، امام زمان «ع» فرمود: حضرت معصومه «س» شکایت دارند که به حرم ایشان بی احترامی می‌کنند. سپس امام یک دانه خرما و قدری آب به من دادند و فرمودند: بخور که فردا می‌خواهی روزه بگیری، از خواب بیدار شدم، دیدم از ترکشها خبری نیست و خیلی حال خوب است و راحت شدم^۱.

زننده کردن دختر مرده:

اهل عربستان سعودی است، در مسجد جمکران می‌گویند: ما اهل تسنن بودیم، اهل تسنن اسم فاطمه و زینب را برای بچه‌ها خوب نمی‌دانند و عقیده دارند هر بچه‌ای که به این نام باشد به زودی می‌میرد.
اما من همسری داشتم که فاطمه نام داشت و در اولین زایمان نیز

۱ - یدالله براتی مقدم. ??? جاده سنتو.

دختری به دنیا آورد. فامیل من اسم «حفصه» برای دخترم انتخاب کردند، ولی من زیر بار نرفتم و اسم فرزندانم را نیز فاطمه گذاشتم.

بعد از سه سال فاطمه مریض شد، دخترم را خدمت قبر رسول اکرم «ص» بردم و از ایشان شفا خواستم، الحمد لله شفا دادند. بعد از برگشتن از نزد قبر حضرت رسول «ص» دخترم خوابید، خوابش طولانی شد، هر چه صدایش کردیم بیدار نشد، او را دکتر بردیم، دکتر گفت: بچه مرده است. به دکتر دیگر مراجعه کردیم او هم همان را گفت.

دختر را با اشک و آه همراه همسرم و سایر فامیل به غسلخانه جهت شستشو بردیم. بعد از چند دقیقه دیدم دخترم حرکت می کند و از من آب خواست، برایش آب آوردم، خورد، دخترم را بغل کردم. دخترم گفت: بابا، خواب بودم، در عالم خواب دیدم مردی پیش من ایستاده و دو رکعت نماز خواند، بعد از نماز دست مبارک را بر سر من مالید و گفت: بلند شو، شما زنده می مانید، و فعلاً نمی میرید، من یک وصیت می کنم به بابایت بگو شیعه شوید و مذهب سنی را ترک کنید و این مسئله باعث شیعه شدن من شد^۱. سپس برای تشکر و قدردانی از آقا عازم ایران و مسجد جمکران شدم.

شفای ضایعه نخاع کمر

یکی از برادران قریه جمکران می گوید: سالها پیش که به جمکران مشرف می شدم از حاجی خلیل قهوه چمی که آن زمان خادم مسجد جمکران بودند شنیده بودم که فردی به نام حسین آقا مهندس برنامه و بودجه با هدایت آقای حاجی خلیج قزوینی به جمکران مشرف شده و شفا گرفته

۱- ولید بن عباس از عربستان سعودی، حجاز.

است. سالها در صدد بودم که از نزدیک حاجی خلیج قزوینی را دیده و جریان شفای آن مهندس که ضایعه نخاع کمر داشته و شفا گرفته را پرسم. تا اینکه به عنوان معلم به قریه جمکران آمدم و ظهرها برای نماز خواندن به مسجد می رفتم، یکی از روزها شنیدم که حاجی خلیج به مسجد تشریف آورده‌اند، خدمت رسیدم و از ایشان خواستم که جریان را تعریف کنند.

ایشان گفتند: روزی جلو قهوه‌خانه حاجی خلیل در جمکران نشسته بودم، قبلاً شنیده بودم که شخصی به نام حسین آقا از ناحیه نخاع دچار ضایعه شده و برای معالجه حتی به خارج هم مراجعه نموده ولی همه ایشان را جواب کرده بودند و بهبودی حاصل نشده بود، آن روز او را دیدم و از او خواستم که چند روزی با هم باشیم و به جمکران مشرف شویم. حسین آقا گفت: فایده‌ای ندارد، من به بهترین دکترها مراجعه کرده‌ام، جواب نشنیده‌ام.

اما من اصرار زیاد کردم، پذیرفت.

مدت چهل روز با هم بودیم و به مسجد جمکران مشرف می شدیم، روز چهارم من به حسین آقا گفتم: مواظب باش، امروز روز چهارم است، با حسین آقا به صحرا رفتیم، مدتی قدم زدیم و به مسجد برگشتیم. داخل مسجد من به حسین آقا گفتم: خسته‌ام، می روم اطاق بغل مسجد بخوابم. حسین آقا هم گفت: من می روم نماز بخوانم.

مدتی در اتاق خوابیدم، ناگهان سر و صدای زیادی در مسجد پیچید، و من از خواب بیدار شدم، بیرون آمدم، دیدم حسین آقا که قبلاً کمرش ناراحت بود سنگ بزرگی از لب چاه برداشت و پرتاب کرد و هیچ دردی از ناحیه کمر احساس نکرد. به او گفتم: چه شده؟ گفت: در مسجد مشغول نماز امام زمان «ع» بودم، وقتی که تمام شد، نشستم، آقا سیدی را پهلوی

خود احساس کردم ، ایشان فرمود : حسین آقا اینجا چکار داری ؟ گفتم :
کمرم درد می کند. ایشان دست خود را به پشت من کشید و فرمود : دردی در
پشت تو نیست .

سپس فرمود : نماز امام زمان «ع» را خواندی ، صلوات هم فرستادی ؟
گفتم : خیر .

گفت : بفرست . من پیشانی به مهر گذاشتم و شروع به صلوات فرستادن
کردم ، ناگهان به فکرم رسید که ایشان مرا از کجا می شناخت و ناراحتیم را
می دانست ، بلند شدم ، دیدم هیچ ناراحتی ندارم .

حل مشکل خانوادگی

برادری روحانی می گوید : سالها دور از همسرم در شهرستانها
مشغول تبلیغ و تدریس بودم . مجبور شدم که همسر دیگری در محل تبلیغ
اختیار کنم و ماهیانه دوالی سه بار به قم دیدن همسرم می آمدم و بقیه اوقات
در بیرون از قم بودم .

همسرم که در قم بود گفت : من متوسل به امام زمان «ع» می شوم و هر
هفته شبهای چهارشنبه جمکران می روم و نماز می خوانم و حاجتم این
است که تو به قم بیائی و در قم ماندگار شوی ، ولی خودم فکر نمی کردم
بتوانم به قم برگردم .

ولی سرانجام آن خانم دوم حقیر به رحمت خدا رفت و چهلمین
هفته ای که همسرم برای نماز به مسجد می آمد طوری شد که حقیر با خوبی
و درستی از همه جا منصرف شدم و از تدریس دانشگاه و امامت جمعه
موقت و خیلی مزایای دیگر که داشتم استعفا کردم و قصد رفتن به شهر
دیگری داشتم که باز منصرف شدم و اکنون مدتی است که با دلگرمی و

علاقه فراوان در قم زندگی می‌کنم و خودم هم طبق روال سابق که هر هفته جمکران می‌آمدم الحمدلله موفق هستم و کرامات فراوانی می‌بینم، و امیدوارم که تا آخر عمر بتوانم با دلگرمی در قم باشم^۱.

شفای ناراحتی کلیه مادرزاد

مادری با فرزندش به واحد فرهنگی مسجد جمکران مراجعه نمودند و اظهار داشتند: فرزندم مدتهای زیادی ناراحتی کلیه داشت، او را دکتر بردم و دکتر بعد از معاینه اظهار داشت که کلیه فرزندم بطور مادرزاد کار نمی‌کند و پوسیده است.

سونوگرافی کردند و گفتند: کلیه باید قطع شود. عکس رنگی گرفتم، او را به بیمارستان لبافی نژاد بردم، کمیسیون پزشکی تشکیل شد و همه نظر دادند که باید عمل شود.

ماه رمضان بود، شبی در خواب دیدم که قرار است فرزند مریضم را به اتاق عمل ببرند، من به آقای دکتر می‌گویم که آقای دکتر این بچه من خوب می‌شود، دکتر در پاسخ گفت: خانم دست آقا امام زمان «ع» است، از خواب بیدار شدم.

وقتی دوباره به دکتر مراجعه کردم قرار شد یکبار دیگر سونوگرافی بگیرند و آزمایشات لازم انجام شده و بچه را به اتاق عمل ببرند. همان روز مطلع شدم هیئتی از نازی آباد تهران به مسجد جمکران می‌آید. گفتم: بگذار قبل از سونوگرافی و آزمایش بر اساس خوابی که دیده‌ام او را به جمکران ببرم. همراه هیئت به جمکران آمدم و فردا صبح از راه به مرکز سونوگرافی رفتم، به آقا امام زمان «ع» عرض کردم من از مسجد جمکران می‌آیم، مرا نا

امید نکنید.

وقتی سونوگرافی انجام شد به من گفتند: این بچه هیچ ناراحتی ندارد. به دکتر مراجعه کردم، عکسهای رنگی و سونوگرافیهای قبل را با سونوگرافی جدید مقایسه کرده و گفتم: دیگر هیچ عیب و ناراحتی در کلیه بچه موجود نیست و بچه از دعای امام زمان «ع» شفا گرفته است^۱.

شفای بیمار قلبی مادرزاد

پسر بچه‌ای به نام علی زینی می‌گوید: من ناراحتی قلب مادر زاد داشتم، در تهران به پزشکان زیادی برای مداوا مراجعه کردم، از جمله دکتر طباطبائی و ایشان اظهار داشتند قلب باید عمل شود تا سن ۶ سالگی نرسد عمل نمی‌شود، و اگر عمل هم شود ۵۰٪ احتمال خوب شدن دارد.

یکی از اقوام ما هر چهارشنبه به قصد جمکران از تهران مردم را با هیئت و کاروان می‌آوردند. آن روز پدر من هم در مأموریت و سفر بود و به بیرجند مسافرت کرده بود، این برادر راننده مرا با هیئت به جمکران آورد. من قادر به راه رفتن نبودم. لذا مرا بغل کرد و داخل مسجد برد و نشانی محل خود را به من گفت و رفت.

من در مسجد دراز کشیدم، قدری دعا و تضرع و توسل به خداوند نمودم و در اثر خستگی خوابم برد، در خواب آقا امام زمان «ع» را دیدم که با لباس سبز و عمامه سبز و چهره نورانی نزدیک من آمدند و فرمودند: بلند شوید، شفا یافتید، و سپس به سر و سینه‌ام دستی کشیدند و باز فرمودند: بلند شوید.

از خواب بیدار شدم، و دیدم حال خوب است. من که اصلاً قادر به

راه رفتن نبودم، دویدم که محل راننده را پیدا کنم. خودم را به بغل ایشان انداختم و او را بغل کردم. پدرم هم در بیرجند شب چهارشنبه در خواب می بیند که من شفا گرفته‌ام، فوری به تهران آمده و بعد خود را به جمکران رساندند و با هم به تهران برگشتیم^۱.

شفای ناراحتی اعصاب و روان

برادر دانشجویی می گوید: حدود سه سال بود که سر درد عجیبی داشتم، ابتدا درد از ناحیه گیجگاه شروع شده و سپس تمام سرم به شدت درد می گرفت و به تدریج سر و پیشانی و چشمها و حتی دلم درد می گرفت. شب و روز آسایش نداشتم، مدتی بعد از شروع سر درد حالت شوک به من دست داد و حافظه‌ام را از دست داده بودم. اصلاً خواب نداشتم، و از همه چیز ترس و وحشت داشتم.

در رشت به دکتر اشتری مراجعه کردم، تشخیص داد که روانی شده‌ام، و جواب رد به من داد، چون دانشجوی بودم سه ترم مرخصی گرفتم و در این سه سال ۷ مرتبه به مشهد زیارت امام رضا «ع» شرفیاب شدم، به تمام ائمه و امامزاده‌ها متوسل شدم، تا اینکه روزی کتابهای در محضر استاد و پرواز روح آقای ابطحی را دست یکی از دوستانم دیدم، کتابها را گرفته و با مطالعه آنها با مسجد جمکران آشنا شدم، دوستم نیز در این باره با من صحبت‌هایی داشت.

تصمیم گرفتم به جمکران بیایم. ابتدا قم به زیارت حضرت معصومه «س» رفتم و آدرس جمکران را پرسیده و به مسجد آمدم، بعد از توسل به حضرت به رشت برگشتیم، مشاهده کردم حال مقداری طبیعی شده است،

۱- علی زینی، از تهران، خیابان خاوران.

بعد از دو سه هفته مجدداً به جمکران آمدم، مشغول دعا و نماز شدم و قدری خوابیدم. ساعت ۱۲ بیدار شدم، مجدداً تجدید وضو کردم و به مسجد رفتم، خوابیدم، در خواب سید بلند قدی دیدم، چند نفر همراه ایشان لخت شده و عزاداری می کردند، در باره حضرت مهدی «عج» شعر می خواندند، موقعی که سید به من رسید من تعظیم کرده و سلام کردم. سید نگاهی به من کرد و سرش را تکان داد که بعد از مدتی من از خواب بیدار شدم و در خود احساس ترس کردم.

الآن بحمد الله تمام آن حالات از بین رفته و فقط کمی درد خیلی خفیف در گیجگاهم باقی مانده است^۱.

مشکل خرید خانه

جوان می گوید: منزلی خریدم، اما می دانستم که برای ادای تمام پول خانه توانا نیستم، و خداوند باید به کمک بشتابد، شب چهارشنبه که به جمکران مشرف شدم بعد از نماز تحیت دعا کردم و گفتم: آقا ما را ببخشید که برای خواسته های حقیر نزد شما می آئیم. و الا باید خواسته ما فقط سلامت و ظهور و تعجیل در فرج شما باشد و از خدا بخواهیم که به ما توان پیروی از شما را عنایت کند. ولی از آنجا که شما سرچشمه فیض هستید و من جای دیگری را نمی شناسم می خواهم که در این ادای قرض خانه مرا کمک کنید.

بعد از این دعا برای تجدید وضو به وضوخانه قدیمی رفتم. سیدی از سادات شریف قم را که قبلاً می شناختم دیدم، ایشان بعد از احوالپرسی گفتند: شنیده ام می خواهی خانه بخری؟ گفتم: بله، گفت: برای من هم صد

۱ - دانشمند سیاوشی، از رشت، سوادکوه، زیر آب، ۷۳/۷/۲۰.

هزار تومان در نظر بگیر. سپس چکی به بنده دادند، روز موعود به بانک رفتم ولی چیزی در حساب نبود، کمی نگران شدم، خواستم از بانک خارج شوم که جوانی رسید و گفت: چک شما مال چه کسی است؟ نام سید را گفتم، ایشان صد هزار تومان به من داد و گفت که این پول مال همین حساب است. بدین ترتیب مشکل من در خرید خانه به لطف آقا امام زمان «عج» برطرف شد^۱.

شفای سرطانی

پیرمرد می گوید: بیماری من از یک سرماخوردگی ساده شروع شد و در عرض ۲۵ روز به قدری حالم بد شد که در بیمارستان شهید مصطفی خمینی بستری شدم. قادر به غذا خوردن نبودم و پزشکان به وسیله سرم و دارو مرا زنده نگهداشته بودند.

روزی در بیمارستان یکی از فامیلهای به عیادتم آمد و بعد از آن که رفت دیدم سیدی بزرگوار وارد اتاق ما شد. اتاق ما سه تخته بود. آقا روبروی تختم ایستادند و فرمودند: چرا خوابیده‌ای؟ گفتم: بیمارم، قبلاً مریض نبوده‌ام، مدت کمی است اینطوری شده‌ام.

آقا فرمودند: فردا بیا جمکران. صبح دکتر آمد معاینه کند و درجه بگذارد گفتم: نمی‌خواهم، گفت: مسئولیت دارد، گفتم: خودم مسئول آن هستم، اگر بمیرم مسئول خودم می‌باشم، من خوب شده‌ام، امام زمان «ع» مرا شفا داده‌اند، دکتر خندید و گفت: امام زمان در چاه است، (البته او قصد بدی نداشت، جهت شوخی این حرف را گفت). پرستار خواست سرم وصل کند نگذاشتم، وقتی بچه‌هایم بدیدنم آمدند گفتم مرا حمام ببرید تا

آماده شوم به جمکران مشرف گردم. به حمام رفتم، قربانی تهیه کردم و با اینکه مدتی بود که میل به غذا نداشتم و مثل اینکه یک تکه سنگ در شکم داشته باشم اشتهایم خوب شده بود و سنگ از بین رفته بود، البته در غذا خوردن هنوز کمی مشکل دارم، که امیدوارم امام زمان «ع» این را هم شفا دهد. سپس به جمکران مشرف شدم، بین راه مرتب توی سرم می‌زدم و آقا امام زمان «ع» را صدا می‌کردم، و از الطاف او سپاسگزاری می‌کردم^۱.

شفای پیوند انگشتان

یکی از خدمه جمکران به نام آقای عبدالله فیروزجان احمدی می‌گوید: شخصی انگشتان او زیر دستگاه قطع می‌شود، همانجا نیت می‌کند که اگر انگشتان او وصل شود و پیوند بگیرد اولین چیزی که ساخت برای حضرت مهدی «ع» به جمکران بیاورد، اکنون انگشتان او پیوند خورده و خوب شده، و با همان انگشتان کار می‌کند و با دست خود گلدانی برنجی ساخته و به عنوان هدیه به مسجد مقدس جمکران تحویل دفتر هدایا و نذورات می‌کنند^۲.



این چند مورد از عنایات حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - که در دفتر ثبت کرامتهای مسجد مقدس جمکران ثبت شده به دستور حجج اسلام آقای فاضلی، لاجوردی، فیروزی و خالصی زاده، توسط آقای سید ابوالقاسم محمودی در اختیار اینجانب قرار گرفته، که بدین وسیله از مساعی جمیله این عزیزان صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

۱- آقای علی نیکنام، از تهران. ۷۲/۱/۲۴.

۲- اکبر بهادری.

از همکاری سروران معظم، مخصوصاً امناء بزرگوار مسجد صاحب الزمان «ع» و آیت الله سید علی اکبر موسوی، کمال تشکر و قدردانی می شود و دستخط آقایان محترم در واحد فرهنگی کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع» موجود است.

خانه را از امام زمان «ع» می گیرم

آقای حاج محمد آقا جانی فرمودند:

شخصی به نام حاج حسن انگشت باف معمار، تقریباً در سال ۱۳۵۰ شمسی که در تهران ساکن می باشد در اثر عمل بساز و بفروش ملک، وضع مالی نامبرده بسیار خراب و به ورشکستگی انجامید. لذا نامبرده هر شب جمعه از تهران به مسجد جمکران جهت توسل به ولی عصر «ع» امام زمان می آمد، چون شوهر همشیره ما بود به منزل ما می آمد، یک شب جمعه می بیند که بعضی از حیوانها وارد حیاط مسجد می شوند، تصمیم می گیرد که با کمک مردم دیواری جهت حیاط مسجد جمکران بکشد، لذا با توکل به خدا و امداد از حضرت بقیه الله الاعظم پس از یکسال و اندی دیوارکشی تمام شد.

شبی حاج حسن به من گفت: دیوار مسجد را تمام کردم، من به او گفتم: می خواستی از حضرت یک خانه به تو بدهد، ایشان فرمودند: توجهی نداشتم، امشب مشرف می شوم، خانه را از امام زمان «ع» می گیرم، انشاء الله تا اینکه خانه ام مجانی باشد، و پول محضر هم ندارم.

هفته بعد آمد منزل ما، گفت: خانه را از امام زمان «ع» گرفتم و پول محضر آن را هم فروشنده داد، پول خانه را هم بابت سود احتمالی یک تقسیم بندی زمین مجاناً واگذار نموده، خانه مذکور در خیابان ناصریه تهران

موجود است، سه طبقه است، بسیار خانه خوب، دارای شش اطاق و دو مغازه و زیر زمین.

اینجانب شاهد و ناظر مراتب نامبرده می باشم و در آن خانه متجاوز از سی مرتبه رفت و آمد داشته‌ام، چون شنیدم حضرت تعالی کتابی جامع و پر ارزش از کرامات و معجزات مسجد شریف جمکران که به دستور حضرت ولی عصر امام زمان «ع» که بیش از یک هزار سال بنا گردیده، در دست تألیف دارید خواستم من هم به اندازه قطره‌ای بهره‌مند شوم.

توضیح اینکه آقای حاج محمد آقا جانی مرد خیر و نیکوکاری است و کمکهای زیادی در راه خدا و ائمه معصومین علیهم السلام به فقرا و مستمندان نموده است، من باب نمونه مسجدی بسیار مجلل در خیابان چهارمردان، نرسیده به گلزار شهدا علی بن جعفر علیه السلام بنا نموده، هر کسی مناره آن مسجد را ببیند به یاد مدینه منوره می افتد.

در سال ۷۲ بود که معظم له از مکه تشریف آورده بودند، و حقیر به دیدنشان مشرف شدم، در خدمت سرور معظم آقای حاج حسن آقا جانی که صحبت از جمکران شد در همین منزل تصمیم گرفتم کتابی در فضیلت مسجد جمکران تألیف نمایم، الحمدلله از توجهات امام زمان «ع» خداوند این توفیق را به حقیر کرامت فرمود.

نذر به مسجد مقدس جمکران

آقای حاج سید جواد نحویلدار که ۶۰ سال خدمتگزار مسجد مقدس جمکران بودند، ایشان خاطرات زیادی از این مسجد شریف جمکران دارند.

از جمله جریان دزدهای فرش مسجد که بعد از مدتی فرشها پیدا شد

و جریان آب انبار که توسط آقای حاج حسن لمسه چی تبریزی ساخته شد،^۱ آقای حاج حسن فرزند نداشت، نذر می کند اگر خداوند بچه ای به ایشان عنایت کند یک آب انبار در مسجد مقدس جمکران بسازد. از توجهات حضرت ولی عصر امام زمان «ع» و برکات مسجد جمکران خداوند به ایشان اولاد عنایت می کند، معظم له از تبریز می آیند در مسجد جمکران، جهت ساختن آب انبار، چون دو متر خاکبرداری می کنند می بینند آب انبار ساخته شده و شیر آب هم دارد، پیدا می شود، حالا چند سال پیش ساخته شده بود، خدا می داند.

مسجد جمکران نیایشگاه فقهای اسلام

آقای حاج سید جواد تحویلدار خاطرات بسیار جالب از مراجع عالیقدر که در آن زمان پیاده با چه زحمتی مسجد مقدس جمکران می رفتند و هفته ها در آن مسجد بیتوته می کردند برای ما تعریف می کرد، از جمله مرحوم آیه الله العظمی آقای حائری مؤسس حوزه علمیه قم، مرحوم آیه الله العظمی آقای صدر، مرحوم آیه الله العظمی آقای سید محمد تقی خوانساری پیاده می آمدند و می فرمودند هر چه دارم از امام زمان و مسجد جمکران است. مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی که حدود یکساعت می کشید تا نماز امام زمان علیه السلام را بخواند، چه حالی داشتند. مرحوم آیه الله العظمی آقای سید احمد زنجانی، مرحوم آیه الله العظمی آقای فیض، مرحوم آیه الله العظمی آقای داماد، مرحوم آیه الله العظمی آقای حجت کوه کمری زیاد می آمدند و گاهی ده روز می ماندند و

۱- آقای حاج حسن لمسه چی عموی مرحوم حاج میرزا علی لمسه چی بود و فرزندان برومندش در تهران اقامت دارند.

مشغول راز و نیاز بودند . مرحوم آیه الله العظمی آقای سید احمد خوانساری آن زمان که در قم مسجد مسگرها (بازار) امام جماعت بود . مرحوم آیه الله العظمی حضرت امام خمینی ، مرحوم آیه الله العظمی شیخ الفقهاء و المجتهدين آقای اراکی مرحوم آیه الله العظمی آقای نجفی مرعشی که چهل شب در مسجد جمکران بیتوته می کردند . مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی پیاده می آمدند . مرحوم آیه الله العظمی آقای هاشم آملی ، مرحوم آیه الله آقای شیخ محمد تقی یزدی بافقی که عاشق امام زمان و مسجد جمکران بودند ، مرحوم آیه الله آقای حاج میرزا جواد آقا تبریزی که علاقه بسیار داشتند ، مرحوم آیت الله علامه طباطبائی ، مرحوم آیه الله حاج آقا مصطفی خمینی ، خیلی زیاد می آمدند و گاهی یکی دو روز در مسجد جمکران می ماندند . مرحوم آیه الله سید ابوالقاسم روحانی ، مرحوم آیت الله زاهدی ، آیت الله کبیر ، مرحوم آیت الله علامه امینی ، صاحب الغدیر ، حتی ایشان نامه از نجف به برادرش نوشته که جمکران را ترک نکنید .

زبان حال همه شیفتگان امام زمان «ع» در مسجد مقدس جمکران

یا ابا صالح المهدی ، ای امام منتظران ، ای امید نا امیدان ، ای نوای بینوایان ، ای دواي دردمندان ، ای پناه مستمندان ، ای باب یتیمان ، ای فروغ بی پایان ، ای محبوب عارفان ، ای معشوق عاشقان ، ای منتقم خون شهیدان ، ای شفای مجروحان ، ای زمزمه کروبیان ، ای یوسف کنعانیان ، ای امام زمان ، ای بقیه الله ، جهان به امید اینکه این ناله های جانسوز فراق مقبول درگاه تو افتد و تشنگان دیدارت را از شرب طهور وصال جرعه ای بنوشانی
بینوایم ، نوای من ، مهدیست دردمندم ، دواي من ، مهدیست

من غریبم در این زمان ، ولی
 گر چه از داغ هجر می سوزم
 گه به یادش ز خواب برخیزم
 من نخواهم بهشت ، بی مهدی «ع»
 در دم مرگ با ولایت او
 چون قیامت ز خاک برخیزم
 آن که در روز حشر می بخشد
 مونس و آشنای من ، مهدیست
 راضیم ، چون شفای من مهدیست
 نیمه شب دعای من ، مهدیست
 جنت با صفای من ، مهدیست
 آخرین حرف نای من ، مهدیست
 اندر آنجا ندای من ، مهدیست
 از عنایت خطای من ، مهدیست

از توجهات امام زمان «ع» استخوان سیاه سفید شد

آقای حاج احمد موسی الرضا فرمودند : شخصی به نام آقا مجتبی پای ایشان سیاه شده بود ، به دکتر پروفیسور عدل مراجعه می کند ، بعد از عکسبرداری و آزمایش دکتر دستور می دهد که باید عمل شود و پای ایشان قطع گردد ، پدر آقا مجتبی از دکتر تقاضا می کند که یک روز مهلت بدهید تا من کارهایم را انجام دهم ، از بیمارستان به طرف مسجد مقدس جمکران حرکت می کند ، وارد شهر قم و مسجد جمکران می شود ، نماز تحیت مسجد و نماز صاحب الزمان را می خواند ، دست به دعا بر می دارد و برای شفای فرزندشان دعا می کند و از امام عصر «ع» می خواهد که به حق فاطمه زهرا «س» عنایتی فرماید تا پای جوانش قطع نشود ، بعد از دعا و راز و نیاز به درگاه خداوند احدیت از مسجد جمکران به طرف تهران حرکت می کند ، وقتی وارد بیمارستان می شود فرزندش می گوید : بابا کجا بودی از دیروز . می گوید : پسرم رفته بودم مسجد جمکران (صاحب الزمان) برای شفای شما دعا کنم ، تا اینکه دکتر بالای سر مریض می آید ، دستور می دهد مجتبی را به اطاق عمل ببرند ، پدر مجتبی می گوید : آقای دکتر خواهش

می‌کنم یک عکس دیگر از پای ایشان بردارید ، بعداً عمل کنید . دکتر قبول می‌کند ، وقتی عکس را می‌آورند دکتر نگاه می‌کند با تعجب می‌گوید : چه کردی که استخوان سیاه را سفید نمودی ، در حالی که پدر مجتبی گریه می‌کرد گفت : بخدا قسم هر چه هست از ناحیه صاحب الزمان و مسجد جمکران است.

هر چه دارم از امام زمان «ع» و مسجد جمکران است

آقای حاج احمد موسی الرضا فرمودند : در دوران جوانی که وضع مالی ما خیلی خوب بود هم از طرف خانواده همسرم و هم از طرف پدرم بعد از مدتی سرمایه ما رو به تنزل گذاشت ، بطوری که قابل تحمل نبود ، هر دری زدم چاره‌ای نشد ، عاقبت پناه به مسجد مقدس جمکران بردم ، از تهران حرکت کردم به طرف مسجد جمکران ، وقتی رسیدم به مسجد بعد از نماز صاحب الزمان «ع» و دعای فرج درد دلم را به آقا امام زمان «ع» عرض کردم و از آن حضرت کمک خواستم که آبروی ما را حفظ نمائید ، یک شغل و کار آبرومندانه به ما عنایت کند ، از مسجد جمکران به طرف بندر عباس سفر کردم ، با اخوی محترم آقای حاج محسن آقا تماس گرفتم ، ایشان فرمودند کجا هستید ، چند نفر از رفقای صمیمی شما منتظرند ، من بلافاصله آمدم به تهران ، دوستانم چند کار به من پیشنهاد کردند ، همین کاری که الان دارم انتخاب نمودم ، خلاصه از توجهات حضرت بقیة الله امام زمان «ع» و مسجد جمکران ما مشغول کار شدیم و مشکل ما بطور کلی حل شد . توضیح اینکه معظم له آقا زاده محترم مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ احمد موسی الرضا هستند که عالم ربانی و حافظ قرآن مجید و از عاشقان امام زمان «ع» بودند ، خداوند آن عالم وارسته را غریق رحمت واسعه خود قرار دهد .

بخش پنجم :

اشعاری در تکریم
مسجد مقدّس جمکران
تجلیگاه صاحب الزمان «ع»

جمکران
 اثر طبع آقای صالحی
 مصداق رمز علم الاسما است جمکران
 زیرا مقام زاده زهراست جمکران
 خواهی اگر ز شوق کنی کعبه را طواف
 کانون مهر و قبله دلهاست جمکران
 آری حریم حجت ثانی عشر بود
 زین رو بهشت و جنت دنیاست جمکران
 عظم رمیم گر کند احیا عجیب نیست
 چون اصل معجزات مسیحاست جمکران
 دارالشفای جمله مرضای پی پناه
 مرهم گذار زخم جگرهاست جمکران
 باید کنند تخته در دگه ساحران
 آری عصای حضرت موساست جمکران
 ای صالحی ببال که از لطف ایزدی
 در شهر قم به جلوه زیباست جمکران
 بسرودم آن سیاق که به فرموده سعید
 میعادگاه مردم دانااست جمکران

مسجد جمکران اثر طبع دکتر باهر

قطعه زیر تحت عنوان (مسجد جمکران) بنا به درخواست حضرت
حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای میرعظیمی مدظله العالی و حسب
توصیه دوست گرامی سلاله السادات آقای سید هادی رضوی سروده شد .
میعادگاه مردم داناست جمکران

هنگامه قیامت کبراست جمکران

گر اعتبار قم تو پرسی ز اهل دل

پاسخ چنین دهند که پیداست جمکران

معصومه می دهد به قم از مرحمت شرف

لطف خفی به صورت معناست جمکران

اهل صفا به مروه اگر ره نیافتند

گو جمکران روند مصفاست جمکران

حاشا به من که گویش از کعبه برتر است

گر کعبه نیست کعبه دلهاست جمکران

حاجت رواست هر که کند رو بدان مکان

چون قبله گاه اهل تولاست جمکران

خاکش برای اهل بصیرت چو توتیاست

کحل بصر، شفای المهاست جمکران

بنیاد مسجدش که به امر ولی بود

بر پایه فتوت و تقواست جمکران

ای پور عسکری به خدا دیده بر رهم

تعجیل کن بیا که مهیاست جمکران

چون پایگاه تست چنین مسجد رفیع
 همپای طور و وادی سیناست جمکران
 عشاق روی تو که مقیمان این درند
 دلدارشان تویی که دل آراست جمکران
 بر درگهت « سعید » غلام است ای عظیم
 از این عظیمی است که عظماست جمکران
 دوازده بیت به اسم مبارک آقا ولی عصر عجل الله تعالی فرجه
 الشریف و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه می باشد

کعبه جان

اثر طبع آقای سازگار

مسجد جمکران کعبه جان است اینجا
 قبله آرزوی اهل جهان است اینجا
 از نسیم سحرش بوی خدا می آید
 نفس باد صبا مشک فشان است اینجا
 نقشها از قدم یوسف زهرا دارد
 خوشتر از دامن گلزار جنان است اینجا
 اشک از دیده چو یعقوب بر این خاک بریز
 که از آن یوسف گم گشته نشان است اینجا
 تا بجوئید گل گمشده زهرا را
 چشم عشاق به هر سو نگران است اینجا
 چشم دل را بگشائید و ببینید همه
 آن جمالی که ندیدید عیان است اینجا

همره یوسف زهرا که خدا یارش باد
 همه سو قافله روح روان است اینجا
 حوریان همچو پریزاد در اینجا جمعند
 که حرم خانه آینه جان است اینجا
 مسجد جمکران است و به هر کس نگرم
 نام آن خوبتر از جان به زبان است اینجا
 سزد از طور کلیم آید و فریاد زند
 کی گنه کار بیا مهد امان است اینجا
 گوش جان می شنود زمزمه جبرائیل
 از نسیمی که به هر سو وزان است اینجا
 معجز تربت خونین حسینی دارد
 که شفاخانه هر درد نهان است اینجا
 خم نمائید به تعظیم همه قامت خویش
 که عیان سایه آن سرو روان است اینجا
 میثما خرد و کلان سائل این درگاهند
 کعبه آرزوی پیر و جوان است اینجا

شبه‌ای در فضیلت مسجد جمکران

اثر طبع حیات

حصن	حصین	عارفان،	مسجد	جمکران	بود
عرش	برین	عاشقان،	مسجد	جمکران	بود
بیت	الولای	مؤمنین،	دارالشفای	مسلمین	
منزلگه	مستضعفان،	مسجد	جمکران	بود	

روحانی و زیباستی، چون مسجد الاقصاستی
 برتر ز فردوس جنان، مسجد جمکران بود
 در سلک خدمت از فلک نازل شود خیل ملک
 چون مهبط پیغمبران، مسجد جمکران بود
 از حشمت و جاه و جلال، وز عصمت و فضل و کمال
 مهد سلوک سالکان، مسجد جمکران بود
 هر مسلم و شاه و گدا، اینجا شود حاجت روا
 کشف المراد شیعیان، مسجد جمکران بود
 چون ساحت عرش برین، از شوکت و قدر مهین
 در دیده دانشوران، مسجد جمکران بود
 بر دردمند اینجا دواست، هر مضطری حاجت رواست
 کاشانه خلق جهان، مسجد جمکران بود
 گر شاه شاهانی بیا، نادم ز عصیانی بیا
 چون خانه صاحب زمان، مسجد جمکران بود
 هر کس در این عصر و زمان، بگزیده بهر خود مکان
 جای (حیات) ناتوان، مسجد جمکران بود
 از: حیات

مهبط انبیاء بود مسجد جمکران قم
 معبد اولیا بود مسجد جمکران قم
 بهر دواى دردها، خاصه گرفتن شفا
 قبله گه دعا بود مسجد جمکران قم

بنای رفیع اثر طبع آقای صالحی

بود به جمکران مسجدی رفیع و عظیم
 که جبرئیل نماید به درگهش تکریم
 بهشت عدن و عبادتگه خواص و عوام
 حریم امن امامان واجب التعظیم
 به ارج و قرب فزونتر ز مسجد الاقصی
 به رتبه ثانی رضوان مقام اهل نعیم
 گزافه نیست که باشد نسیم بارگهش
 عبیر خیز و مصفا چو چشمه تسنیم
 مسلم است که بر پاسبانی حرمش
 صباح و شام جیوش ملائکت مقیم
 به سیصد و نود و سه ز هجرت نبوی
 به امر حضرت حجت گرفته شد تصمیم
 که این بنای بزرگ و رفیع اسلامی
 شود مکمل اقدام جدش ابراهیم
 بر این اساس به پایان رسید و شد تکمیل
 توسط حسن مثله این نظام قویم
 نوشته بر در و دیوار آن به خط جلی
 تبارک الله و احسنت و احسن التقویم
 ثواب زائرش آمد سعادت دارین
 اگر رجوع شود لحظه‌ای به عقل سلیم
 چنانچه قبله سوم بخوانمش نه خطاست
 به امر حق به درش با عصا ستاده کلیم

به زندگان چو ببخشد حیات جاویدان
 چه احتیاج که احیا کند عظام رمیم ؟
 اگر که اهل دلی طواف آن مقام نما
 زیاده است ثوابش ز طواف رکن حطیم
 هزار معجزه از آن مقام گشته عیان
 به امر بار خدای کریم حیّ قدیم
 هر آن کسی که در آنجا نماز بگذارد
 خدا گواست بود فارغ از عذاب جحیم
 مقام خاص منبع امام ثانی عشر
 ملاذ جن و بشر پادشاه هفت اقلیم
 سرود (صالحی) این چامه ز اعتقاد و نمود
 به دست خویش به درگاه خادمش تقدیم
 عظیمی آنکه بود از سلاله سادات
 نموده جمع احادیث از جدید و قدیم
 نوشته است کتابی که از ره اخلاص
 به عاشقان امام زمان کند تسلیم
 به سعی و کوشش این سید جلیل القدر
 شود کرامت مسجد به شیعیان تفهیم
 خدا موفق و منصور دارش که شده
 ز زادن شبهش مام روزگار عقیم

اثر طبع: ابو سعید (طوفان)

مسجد جمکران، پایگاه مسلمین

جمکران ای پایگاه مسلمین
 جمکران ای جمکران ای جایگاه مؤمنین
 جمکران ای خانه جانان ما
 جمکران مستشفی و درمان ما
 جمکران شبهای تو دارد صفا
 من ز خاک تو شفا جویم شفا
 جمکران بوی تو چون مشک برین
 جمکران ای خانه مردان دین
 جمکران فخر تو باشد این زمین
 گشته‌ای خلوتگه اهل یقین
 جمکران بر گو که مهدی از حجاب
 رخ برون آرد، دهد ما را جواب
 جمکران مهرش به دل دارم همی
 گو نظر بر ما کند مهدی کمی
 ز انتظار روی او «طوفانی» ام
 در رهش آماده قربانی ام

به یاد مسجد جمکران

اثر طبع آقای محمد علی مجاهدی (پروانه)

اگر درمان درد خویش می‌خواهی بیا اینجا
 دوا اینجا، شفا اینجا، طیب دردها اینجا

شکسته بالی ما می دهد بال و پری ما را
 اگر از صدق دل آریم روی التجا اینجا
 طلب کن با زبان بی زبانی هر چه می خواهی
 که سر داده ست گلبانگ اجابت را خدا اینجا
 بگوش جان توان بشنید لیک خداوندی
 نکرده با لب خود آشنا حرف دعا اینجا
 هزاران کاروان دل در اینجا می کند منزل
 اگر اهل دلی ای دل، بیا اینجا، بیا اینجا
 دل دیوانه من همچو او گم کرده ای دارد
 زهر درد آشنا گیرد سراغ آشنا اینجا
 صدای پای او در خاطر من نقش می بندد
 مگر می آید آن آرام جانها از وفا اینجا
 ز هر سو جلوه ای دل را به خود مشغول می سازد
 هزاران پرده می بینند ارباب صفا اینجا
 به بوی یوسف گم گشته می آید مشو غافل
 توان زد چنگ دل بر دامن خیر النساء اینجا
 حدیث عشق با « پروانه » می گویی نمی دانی
 که می سوزد بسان شمع از سر تا به پا اینجا

رباعیات

اثر طبع آقای محمد علی مجاهدی (پروانه)

در مسجد دوست بوی جان پیچیده ست انفاس خوشش به جمکران پیچیده ست
 امروز درین محفل روحانی ما عطر خوش صاحب الزمان پیچیده ست

* * * * *

ما حلقه اگر بر در مقصود زدیم از بندگی حضرت معبود زدیم
این الفت ما بدوست امروزی نیست یک عمر دم از مهدی موعود زدیم

* * * * *

دیشب که رقم ز امر خدا می کردند دلسوختگان ترا صدا می کردند
ای کاش که کاتبان قسمت امروز دیدار ترا قسمت ما می کردند

* * * * *

من چشم به خورشید و به نورش دارم در دل قیس از طور ظهورش دارم
صد بار اگر بمیرم و خاک شوم باز آرزوی درک حضورش دارم

* * * * *

ای دلشده‌ای که یار مهدی باشی یک عمر در انتظار مهدی باشی
امروز درین جمع مشو غافل ازو شاید که تو در کنار مهدی باشی

* * * * *

هر چند ره طلب بسی باریک است و ایام فراقش چو شب تاریک است
خوش باش که از پرتو خورشید امید پیدا است ظهور حضرتش نزدیک است

* * * * *

از غیب جمال سرمدی پیدا شد آئینه حسن ایزدی پیدا شد
از گلشن عسکری و باغ نرگس یک شاخه گل محمدی پیدا شد

* * * * *

مسجد جمکران سرزمین دیدار

اثر طبع حجة الاسلام آقای اشعری

ز شاخ گل معطر جمکران است کز آن گل روح پرور جمکران است

نه تنها جان انسانها در اینجاست که قلب عالمی در جمکران است
مطاف عاشقان سوخته دل مقام و حجرو مشعر جمکران است
همه بشکسته دلها را خبر کن تجلیگاه دلبر جمکران است
جهان از نور مهدی روشن افروز بعرش و فرش زیور جمکران است
به نورانیت مهدی بیندیش اگر دیدی منور جمکران است
صدای یا ابا صالح اغثنی خروش هر که اندر جمکران است
بیا بیمار خسته گشته از درد که درمانگاه برتر جمکران است
به داروخانه مهدی گذر کن دوایش لطف داور جمکران است
خمینی از همین جا شد خمینی نیایشگاه رهبر جمکران است
مکن هرگز فراموش «اشعری» را تو را توفیق اگر بر جمکران است

یا صاحب الزمان «عج»

رباعیات

در آینه‌ها، زلال نورش جاری ست در مسجد جمکران، حضورش جاری ست
از خلوت عشاق دل افروخته نیز انوار دلارای ظهورش جاری است

با یاد تو غمنامه مولا خواندیم از غربت مادر تو زهرا خواندیم
ما را کشد این غم که نماز خود را در مسجد جمکران فرادی خواندیم

ای جان جهان، عیان ترا باید دید با دیده خونفشان ترا باید دید
در مسجد سهله، از فرج باید گفت در مسجد جمکران، ترا باید دید

با قافله رو به جمکران آوردیم رو جانب صاحب الزمان آوردیم
دیدیم که در بساط ما آهی نیست با دست تهی، اشک روان آوردیم

آنانکه به جمکران صفا می بینند در خلوت دل، نور خدا می بینند
 عشاق جگر سوخته در پرده اشک بی پرده ترا، ترا، ترا می بینند
 محمد علی مجاهدی
 (پروانه)

مسجد جمکران

جعفر رسول زاده = آشفته

عشق شرحی است از داستانت	مهر برقی است از کهکشان
روح یکتا پرستی نمازی است	بسته قامت به بانگ اذانت
خواب نوشین صبح بهشت است	لحظه ای زیستن در زمانت
آسمان، باغ خورشید دارد	یا غباریست از کاروانت
بی نشانی تو و خستگان را	کوچه آشنایی، نشانت
آبرومندی و سرفرازیست	دولت خادم آستانت
سایه بر بام افلاک کرده ست	رفعت مسجد جمکرانت

کاشکی دست ما را بگیرند فیض پیدا و لطف نهانت

ای دیار مقدس که طوبی تو حریم دلی - جمع عشقند
 برگ سبزی است از بوستانت بیقراران و آشفته گانت

مسجد مقدس جمکران

اثر طبع حجة الاسلام آقای قاضی زاهدی

جمکران پایگاه ملایک	مرکز جمع کروبیان است
جمکران شد شفابخش دلها	معجزاتش به عالم عیان است

هر که ترسد ز هر چیز و هر کس
از زن و مرد عالم در اینجا
گو به درماندگان البشاره
مطیع عالم او باشد و بس
الغرض جای هر حاجت ما
(قاضی زاهدی) گو به یاران
آید اینجا که دارالامان است
نام صاحب زمان بر زبان است
حجة بن الحسن میزبان است
باغ دین را همو باغبان است
جمکران جمکران جمکرانست
کاین بنا قطعه‌ای از جنان است

قصیده

در مدح و ستایش ولی الله الاعظم حضرت حجة بن الحسن امام
العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مرحوم الهی قمش‌های .
ای شاهد حسن غیب یزدانی
ای مصلح عالم، ای جهان آرا
ای آیت غیب ذات ناپیدا
باز آیی و جهان بعدل و داد آرای
باز آیی و جهان چوتارگیسویت
باز آیی و دل جهانیان مگداز
باز آیی و دو چشم انتظار ما
ای یاور و یارت ایزد یکتا
ملک و ملکوت را تویی رهبر
بر کشور شرع مصطفی بنگر
این خانه شرع را عمارت کن
ای روی تو شمع محفل عالم
ای مظهر سر آدم و خاتم

ای مظهر اقتدار سبحانی
ای پرتو آفتاب ربانی
پیدا به تجلیات رحمانی
تا چند درون پرده پنهانی
مپسند به ظلمت و پریشانی
زین بیش در انتظار و حیرانی
از طلعت خود نمای نورانی
لطف ازلت کند نگهبانی
بر غیب و شهود هم تو سلطانی
ای خسرو تاجدار ایمانی
از لطف که می‌کشد به ویرانی
در شام جهان تو ماه تابانی
ای با تو عصای پور عمرانی

وز حسن فزون ز ماه کنعانی
 زین گمشدگان تیه نادانی
 از ششعنه رخت به آسانی
 عالم شده شام نار ظلمانی
 پذیر تو از کرم به مهمانی
 از شوق لقای تو بیابانی
 تو چشمه کوثری و رضوانی
 ای آب حیات و خضر روحانی
 تو منبع لطف و جود و احسانی
 بنمای رخ ای جمال سبحانی
 بگسل ز تعلقات جسمانی
 نومید مشو ز لطف رحمانی
 هر جا که به کار خویش درمانی

برتر ز فصاحت از مسیحایی
 باز آی و بگیر کشور دین را
 باز آ که جهان رهانی از ظلمت
 ای مهر سپهر علم و دین باز آ
 ما را سر خوان جود و احسانت
 ای رهبر عالم ای که صد خضرست
 ما نشنه جرعه وصال تو
 خلقی همه تشنگان دیدارت
 تو ظل خدای فرد یکتایی
 لطفی کن و خلق را ز غم برهان
 بر طره شه، الهیا دل بند
 گر غرق گناهی ای الهی باز
 بر حجت غیب حق تو سل جو

امید امیدواران

اثر طبع مرحوم آیه الله ارباب

به امیدی رسند امیدواران
 پدیدار آید اندر بزم یاران
 خلیل داورم قربان جانان
 منم پیغمبر آخر زمانان
 بکش وانگه بکش فرعون و هامان
 ز جا خیز ای پناه بی پناهان
 به خونخواهی و از خون نیاکان

چو خوش باشد که بعد از انتظاری
 جمال الله شود از غیب طالع
 همی گوید منم آدم منم نوح
 منم موسی، منم عیسی بن مریم
 تو موسی وار شمشیر خدائی
 تو ای عدل خدا کن دادخواهی
 برون کن ز آستین دست خدا را

قدم در کربلا بگذار و بستان
توای دست خدا از شصت قدرت
خبر داری که از سم ستوران
شنیدستی چنان دست خدا را
سر پر خون ز دست نیزه داران
بکش تیر از گلوی شیرخواران
دگر جسمی نماند از اسب سواران
جدا کردند از تن ساربانان

احمد که جهان را ز تباهی پرداخت
فرموده به مرگ جاهلیت مرده است
دین را به ولایت علی محکم ساخت
هر کس که امام عصر خود را شناخت

قال النبی ﷺ

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرموده:

هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را شناخته باشد به مانند
مردن جاهلیت (در کفر و نفاق و ضلالت) از دنیا می رود.

ای رهبر عادل و دل آگاه
همواره نگاه بی پناهان
از هجر تو سینه هاست پر آه
بر راه تو یا بقیة الله

آیت الله صافی

گل نرگس

زان لب لعل که رشک شکر است
خواهد آن کس که ز اهل بصر است
عاشق و واله و شیدای تو شد
هر کسی عارف و صاحب نظر است
هر کسی محنت هجران دیده است
از دل خسته من با خبر است

بی تو گر عمر ابد بخشندم
 همه آن ضرر اندر ضرر است
 هر که را یاد تو از یاد برفت
 روزگارش خطر اندر خطر است
 زاد روز تو نوید است و امید
 عید فرخنده عدل و ظفر است
 همه جا بزم سرور است و حضور
 همه را شور و نشاط دیگر است
 زانچه گل در چمن حسن بود
 گل نرگس ز همه خوبتر است
 کی برون آئی از این پرده غیب
 شام هجران تو را کی سحر است

گل شاداب

از نور تو روشن، ملکا دیده «نرگس»
 دل می کند از هر چمنی بوی ترا حس

وصف الف قامت تو درس مدارس
 آن گوهر یکدانه نایاب توئی تو

ما جمله نیازیم و تو سر چشمه نازی
 ای قلب جهان، کنز نهان، معدن رازی

عالم همه چون معبد و تو روح نمازی
 آن قائم استاده به محراب توئی تو

* * * * *

مانند تو کس چهره دلخواه ندارد
زیبایی رخسار ترا ماه ندارد

آنجا که توئی نکهت گل راه ندارد
ظاهر همه جا، غائب سرداب توئی تو

* * * * *

هر دیده که خواهد نگرد نور خدا را
پس بنگرد آن آینه غیب نما را

گردیم پی ات، خیف و منا، مروه صفا را
منظور دل از عالم اسباب توئی تو

* * * * *

چون قصر بلند تو فلک کاخ ندارد
ای گل به توره شب نم گستاخ ندارد

هرگز چمنی چون تو گل و شاخ ندارد
مقصود خدا را، ز گل و آب توئی تو

* * * * *

در دایره حسن، توئی نقطه پرگار
سرداب تو سینا و همه مایل دیدار

مردم همه خوابند و تو عین اله بیدار
مهتاب توئی، نرگس بیخواب توئی تو

* * * * *

پنهان ز نظر هستی و در دل به وضوحی
در کالبد عالم امکان تو چو روحی

در سیل بلا غوث جهان کشتی نوحی
آن سد متین ، دافع سیلاب توئی تو

ایساحت قدس تو زهر عیب و خلل طهر
اجرا نشود حکم کسی تا نرنی مهر

از یمن وجود تو شود صبح و شب و ظهر
دلها همه ظلمتکده ، مهتاب توئی تو

ای مهر تو ممکن به همه واجب و لازم
باشد به خدا خیمه عالم به تو قائم

غائب ز نظر هستی و هم حاضر دائم
در ابر نهان مهر جهانتاب توئی تو

تو آب بقا هستی و ما ریگ ته جوی
با سر همگی سوی تو آئیم زهر سوی

هستی تو لسان اله و قرآن سخن گوی
بر شهر علوم نبوی باب توئی تو

آسایش دل ، روح روان ، راحت جانی
پنهان و عیان ، جان جهان ، شاه زمانی

من هر چه بگویم ، به خدا بهتر از آنی
چون خیروری اشرف الانجاب توئی تو

از عشق رخت واله و دیوانه دل ما
شمعی تو و بر گرد تو پروانه دل ما
مجدوب تو و با همه بیگانه دل ما
محبوب حسان ای گل شاداب توئی تو

در استغاثه بحضرت مهدی «عج» شهید حسین شاهد
عمرم تمام گشت ز هجران روی تو
ترسم شها به خاک برم آرزوی تو
با آن که روی ما تو از دیده شد نهان
عشاق را همیشه بود دیده سوی تو
خورشید چهره‌ات چو نهان شد ز چشم خلق
شد روزشان سیاه از این غم چو موی تو
دامن پر از ستاره کنم شب ز اشک چشم
چون بنگرم به ماه و کنم یاد روی تو
گردش به باغ بهر تماشای گل بود
گل‌های باغ را نبود رنگ و بوی تو
هم چون مسیح جان به تن مردگان دمد
گر بگذرد نسیم سحرگه ز کوی تو
تا کی ز هجر روی تو سوزیم همچو شمع
شبها به یاد روی تو و گفتگوی تو
رحمی به حال شاهل از پا افتاده کن
تا کی بهر دیار کند جستجوی تو

یوسف گم گشته محمد علی انصاری قمی
 امروز امیرالامراء جز تو کسی نیست
 بر ناله دل غیر تو فریادرسی نیست
 در کعبه و بتخانه و در دیر و کلیسا
 جز نغمه ناقوس تو بانگ جرسی نیست
 ای مهدی دین پرده ز رخسار بر افکن
 ما گمشدگانیم و ره پیش و پسی نیست
 دل گرمی ما زمره افسرده دلان را
 جز آتش طور تو شهاب قبسی نیست
 در بادیه عشق تو پای فرس عقل
 پی گشت و در این بادیه دیگر فرسی نیست
 غیر از هوس دیدن رخسار چو ماهت
 اندر دل پر حسرت یاران هوسی نیست
 تو یوسف گم گشته و اسلام چو یعقوب
 بهر پدر پیر تو دیگر نفسی نیست
 بهر پدرت پیرهنی یا که پیامی
 بفرست که جز این ز تو اش ملتَمسی نیست
 قربان تو و درد دلت کز غم اسلام
 جز اشک دمادم دگرت دادرسی نیست
 گردیده مگس منتظران شهد لب را
 زان جمله چو انصاری محزون مگسی نیست

هاشمی خراسانی

طیب دردمندان

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد
 غم مخور آخر طیب دردمندان خواهد آمد
 آنقدر از کردگار خویشتن امیدوارم
 که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد
 باغبانا سختی دی ماه سی روز است و آخر
 نو بهار و نغمه مرغ خوش الحان خواهد آمد
 بلبل شوریده دل را از خزان بر گو ننالد
 باغ و صحرا سبز و این دنیا گلستان خواهد آمد
 بوی پیراهن رسید و زین بشارت گشت معلوم
 یوسف گم گشته سوی پیر کنعان خواهد آمد
 دردمندان ، مستمندان ، بی پناهان را بگویند
 مصلح عالم ، پناه بی پناهان خواهد آمد
 از خدا روز فرج را ای فلج کاران بخواهید
 کاین جهان روزی کسی را تحت فرمان خواهد آمد
 سخت آمد طول غیبت بر تو می دانم مخور غم
 موقع افشاء این اسرار پنهان خواهد آمد
 تلخی هجران شود شیرین به روز وصل جانان
 صبح صادق از پی شام غریبان خواهد آمد
 کاخهای ظلم ویران می شود بر فرق ظالم
 مهدی موعود ، غمخوار ضعیفان خواهد آمد

این چراغ از صرصر بیداد خاموشی ندارد
 آنکه عالم را نماید نور باران خواهد آمد
 نیست شک از عمر این دنیا اگر یک روز ماند
 ذات قائم حجت خلاق سبحان خواهد آمد
 صبر کن یا فاطمه ، ای بانوی پهلو شکسته
 قائمت با شیشه دارو و درمان خواهد آمد
 اینقدر آخر منال از ضربت بازو و پهلو
 مونس تو پادشاه دلنوازان خواهد آمد
 محسنا از ضربت مسمار گر مقتول گشتی
 عنقریب دادخواه بی گناهان خواهد آمد
 اصغرا از ضربت زخم گلو دل را مسوزان
 غم مخور مرهم گذار زخم پیکان خواهد آمد
 گفت با زینب رقیه یک شبی در شام ویران
 عمه بابم کی به سر وقت یتیمان خواهد آمد
 کودکان شام هر یک با پدرها سوی منزل
 باب من کی بهر دلداری طفلان خواهد آمد
 (هاشمی) را نام حسین هر آن بر دفتر رقم زد
 چشم او با چشم خامه هر دو گریان خواهد آمد

توسل به حضرت ولی عصر

سید عباس رضوی (هاشمی)

ای نبی را عزّت اجداد یابن العسکری
 ای علی را ارشد اولاد یابن العسکری
 چاره شد از دست ای بیچارگان را دستگیر
 از تو جوید شیعه استمداد یابن العسکری
 رحم کن بر غربت اسلام و بر اسلامیان
 هر دو را شد موقع امداد یابن العسکری
 در کجائی العجل ای بی پناهان را پناه
 نیست تاب این همه بیداد یابن العسکری
 مرغ دل شد مبتلا چون صید در کنج قفس
 این دل از غم کی شود آزاد یابن العسکری
 ما به دنیا عزّت و یک آبروئی داشتیم
 آبروها شد همه بر باد یابن العسکری
 این نهال ظلم از روز سقیفه ریشه کرد
 شد رواج حکم استبداد یابن العسکری
 کار با نهج عدالت بود در عهد رسول
 بعد از آن شد ظلم نو بنیاد یابن العسکری
 ظلم کردند آنقدر بر حیدر و اولاد او
 تا عزا شد بهر ما اعیاد یابن العسکری
 کشتن یک مادری مانند زهرا کی رود
 تا قیامت از دل اولاد یابن العسکری

بود مشغول عزاداری که ناگه آمدند
 بر سرش یک عده چون جلاد یابن العسکری
 ضربت مسمار آن در شد به جایی منتهی
 گشت محسن کشته بیداد یابن العسکری
 فاطمه بین در و دیوار از بی طاقتی
 شد بلند از سینه اش فریاد یابن العسکری
 (هاشمی) را داغ زهرا و غم اولاد او
 کرده گریان تا صف میعاد یابن العسکری

غزل محمود شریف صادقی (وفا)

تا دل شده مبتلای عشقت	سر باختام به پای عشقت
بیگانه شود ز هر دو عالم	آن کس که شد آشنای عشقت
آفاق پر است و گوش ما کر	از هممه و صدای عشقت
از بام و در و هوا نیوشد	عاشق همه جا نوای عشقت
سر پیش شهان نمی کند خم	هر کس که شود گدای عشقت
بیمار که از دواست بیزار	خوشر ز دوا بلای عشقت
سر می رسدش به عرش آن کو	انداخته سر به پای عشقت
بیرون نکند وفای مسکین	یک لحظه ز سر هوای عشقت

غزل حافظ شیرازی

بیا که رایت منصور پادشاه رسید
 نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید
 جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت
 کمال عدل به فریاد دادخواه رسید

سپهر دور خوش اکنون زند که ماه آمد
 جهان به کام اکنون رسد که شاه رسید
 ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن
 قوافل دل و دانش که مرد راه رسید
 عزیز مصر بر غم برادران غیور
 ز قعر چاه بر آمد به اوج ماه رسید
 کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل
 بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید
 صبا بگو که چها بر سرم در این غم عشق
 ز آتش دل سوزان و برق آه رسید
 ز شوق روی تو جانا بر این اسیر فراق
 همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید
 مرو بخواب که حافظ به بارگاه قبول
 ز ورد نیم شب و درس صبحگاه رسید

شمشیر کجت راست کند قامت دین را

مرحوم حاج میرزا علی اکبر نوقانی (فقیر)

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم
 از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم
 سرمایه ز کف رفت و تجارت نمودیم
 جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم
 بس سعی نمودیم که ببینیم رخ دوست
 جانها به لب آمد رخ دلدار ندیدیم

ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر
 آبی بجز از خون دل خود نچشیدیم
 ای بسته به زنجیر تو دلهای محبان
 رحمی که در این باره بس رنج کشیدیم
 رخسار تو در پرده نهانست و عیانست
 بر هر چه نظر کردیم رخسار تو دیدیم
 چندان که به یاد تو شب و روز نشستیم
 از شام فراق تو چو سحرگه ندیدیم
 تا رشته طاعت به تو پیوسته نمودیم
 هر رشته که بر غیر تو بستیم بریدیم
 شاهها به تولای تو در مهد غنودیم
 بر یاد لب لعل تو ما شیر مکیدیم
 ای حجت حق پرده ز رخسار بر افکن
 کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم
 ما چشم به راهیم به هر شام و سحرگه
 در راه تو از غیر خیال تو رهیدیم
 ای دست خدا دست برآور که ز دشمن
 بس ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم
 شمشیر کجست راست کند قامت دین را
 هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم
 شاهها ز فقیران درت روی مگردان
 بر درگهت افتاده به صد گونه امیدیم

حجت ثانی عشر محمد تقی محیط قمی
 حدیث موی تو نتوان به عمر گفتن باز
 از آنکه عمر شود کوتاه و حدیث دراز
 به راه عشق تو انجام کار تا چه شود
 برفت در سر این کار هستیم ز آغاز
 بطاق دلکش آن ابروان محرابی
 که دور از تو نباشد مرا حضور نماز
 اگر نه از دل من رسم سوختن آموخت
 چرا دمی نکند شمع ترک سوز و گداز
 اگر سعادت جاوید یابدت ای دل
 نمای شرح حقیقت سخن مگو ز مجاز
 حدیث لیلی و مجنون عامری بگذار
 مخوان فسانه محمود غزنوی و ایاز
 مدیح مظهر حق مظهر حقایق گوی
 ثنای حجت ثانی عشر نما آغاز
 سمی ختم رسل خاتم الائمه که هست
 نهان ز دیده و بر حضرتش عیان هر راز
 سلیل خسرو دین عسکری شه کونین
 ولی حق شه دشمن گداز و دوست نواز
 امام منتظر خلق ، مهدی موعود
 که هست چشم جهانی به ره گذارش باز
 پناه کون و مکان صاحب الزمان مهدی
 ولی و قائم بالسیف شهسوار حجاز

خجسته نامش زان بر زبان نمی آرم
 که روزگار رقیب است و آسمان غماز
 ز خوان مکرمتش وحش و طیر روزی خوار
 بشکر موهبتش جن و انس هم آواز
 به اوج جاهش جبریل عقل می نرسد
 به بال شوق کند تا ابد اگر پرواز
 ز حال مردم و وضع زمانه نا گفته
 تو واقفی و نباشد به عرض حال نیاز
 در آ ، ز پرده و از یک تجلی رخسار
 غبار شرک ز مرآت ماسوی پرداز
 محیط زنده شود بعد مرگ گر نشود
 ظهور دولت حق راست نوبت آغاز

طاهائی

مهدی جان

مرا به غیر تو نبود پناه مهدی جان
 که من گدایم و هستی تو شاه مهدی جان
 در انتظار تو شاه گذشت عمر عزیز
 نگشت حاصل من غیر آه مهدی جان
 شها فقیرم و مسکین و بر سر راهت
 نشسته ام به امید نگاه مهدی جان
 من عاشقم که به بینم جمال تو آیا
 بود به سوی جناب تو راه مهدی جان
 شها محب تو و دشمن عدوی توام
 به صدق گفته ام هستی گواه مهدی جان

بحق حرمت اجداد خود نما نظری
 ز مرحمت به من رو سیاه مهدی جان
 خمیده پشت من از بار معصیت شاها
 نموده‌ام همه عمر اشتباه مهدی جان
 امیدوار چنانم که لطف تو شوید
 ز نامه‌ام اثرات گناه مهدی جان
 بحق محسن در خون طپیده زهرا
 طلب نما فرجت از اله مهدی جان
 اگر کنی سوی طاهائی از وفا نگهی
 رها شود ز غم از آن نگاه مهدی جان
 صاحب زمان «ع» محمد آخوندی «منتظر»
 غم مخور روزی ولی و قلب امکان می‌رسد
 مصلح عالم ولی حی سبحان می‌رسد
 در پس پرده بود در انتظار امر حق
 گر خدا امری کند آنگه شتابان می‌رسد
 تکیه بر دیوار کعبه می‌دهد محبوب حق
 از دهان درّ فشانش صوت قرآن می‌رسد
 چون نمی‌گردد عمل دستور قرآن در جهان
 بهر اجرا مجری احکام یزدان می‌رسد
 داد مظلومان بگیرد او ز ظالمها بسی
 روزگاری آن پناه بی پناهان می‌رسد
 ما مریضیم و دواپی نیست بر درمان ما
 آن طبیب ما مریضان بهر درمان می‌رسد

(منتظر) در انتظار مصلح عالم بود
شیعیان صاحب زمان روزی فروزان می‌رسد

حافظ یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد
تو را در این سخن انکار کار ما نرسد
اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند
کسی به حسن و ملاححت به یار ما نرسد
بحق صحبت دیرین که هیچ محرم راز
بیار یک جهت حق گذار ما نرسد
هزار نقد به بازار کائنات آرند
یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد
دریغ قافله عمر کانچنان رفتند
که گردشان به هوای دیار ما نرسد
هزار نقش بر آید ز کلک صنع و یکی
به دلپذیری نقش نگار ما نرسد
دلا ز طعن حسودان برنج و ایمن باش
که بد به خاطر امیدوار ما نرسد
چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را
غبار خاطری از رهگذار ما نرسد
بسوخت (حافظ) و ترسم که شرح قصه او
به سمع پادشه کامکار ما نرسد

در مدح حضرت حجت «ع»

حاج میرزا حبیب الله خراسانی

امروز امیر در میخانه توئی تو
 فریاد رس ناله مستانه توئی تو
 مرغ دل ما را که به کس رام نگرود
 آرام توئی ، دام توئی ، دانه توئی تو
 آن مهر درخشان که به هر صبح دهد تاب
 از روزن این خانه به کاشانه توئی تو
 آن ورد که زاهد به همه شام و سحرگاه
 بشمارد با سبحة صد دانه توئی تو
 آن باده که شاهد به خرابات مغان نیز
 پیمود به جام و خم و میخانه توئی تو
 آن غل که ز زنجیر سر زلف نهادند
 بر پای دل عاقل و دیوانه توئی تو
 ویرانه بود هر دو جهان نزد خردمند
 گنجی که نهانست به ویرانه توئی تو
 در کعبه و بتخانه بگشتیم بسی ما
 دیدیم که در کعبه و بتخانه توئی تو
 بسیار بگوئیم و چه بسیار بگفتند
 کس نیست بغیر از تو در این خانه توئی تو
 یک همت مردانه در این کاخ ندیدیم
 آن را که بود همت مردانه توئی تو

در استغاثه به حضرت مهدی «عج»

سید رضا مؤید خراسانی

گر قسمتم شود که تماشا کنم ترا
 ای نور دیده جان و دل اهدا کنم ترا
 این دیده نیست قابل دیدار روی تو
 چشمی دگر بده که تماشا کنم ترا
 تو در میان جمعی و من در تفکرم
 کاندر کجا برآیم و پیدا کنم ترا
 هر صبح جمعه ندبه کنان در دعای صبح
 از کردگار خویش تمنا کنم ترا
 یا بن الحسن اگر چه نهانی ز چشم من
 در عالم خیال ، هویدا کنم ترا
 گویند دشمنان که تو بنموده‌ای ظهور
 زین افترای محض مبرا کنم ترا
 همچون مؤید به تکاپو مگر دمی
 ای آفتاب گمشده پیدا کنم ترا

بخش ششم :

**حضرت صاحب الزمان «ع»
از دیدگاه قرآن و عترت**

تاریخ ولادت امام زمان قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

محل ولادت : شهر سامراء .

ساعت ولادت : موقع طلوع فجر .

روز ولادت از ایام هفته : روز جمعه .

روز ولادت از ایام ماه : پانزدهم ماه .

ماه ولادت : ماه شعبان المعظم .

سال ولادت : سال ۲۵۵ هجری .

مدت عمر و امامت : از حین ولادت تا آن موقعی که خدای علیم

اجازه ظهور دهد .

نام ، لقب ، کنیه :

نام مقدس : محمد ، که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود : دنیا از بین نخواهد

رفت تا مردی از اهل بیت من که هم نام من است مالک زمین شود .

لقب مبارک : مهدی ، حجت الله ، منتظر ، قائم و صاحب الزمان .

کنیه شریف : ابوالقاسم و ابو عبدالله .

محدث قمی می نگارد : موقعی که حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَام متولد

شد به حضرت رسول اکرم و علی بن ابیطالب و جمیع امامان تا پدر بزرگوار خود صلی الله علیهم اجمعین صلوات و درود فرستاد .

حسب و نسب حضرت مهدی موعود علیه السلام :

از طرف پدری : محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام .

از طرف مادری : محمد بن نرجس فرزند یثوعا فرزند قیصر یعنی پادشاه روم . مادر نرجس از فرزندان شمعون بن صفا که وصی حضرت عیسی علیه السلام بوده به شمار می رود .

ده شمائل

خصوصیات بقیه الله الاعظم امام زمان علیه السلام

- ۱ - شبیه ترین مردم در خلق و خوی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده و شمائل او شمائل آن حضرت می باشد.
- ۲ - چهره اش سفید درخشنده ، که سرخی به او آمیخته و گندمگون است.
- ۳ - پیشانی نازنینش فراخ و سفید و تابان است .
- ۴ - ابروانش به هم پیوسته .
- ۵ - بینی مبارکش باریک کشیده و بالا آمده که مختصری برآمدگی در وسط دارد.
- ۶ - گوشت صورت مبارکش کم است .
- ۷ - بر روی راستش خالی است همچون ستاره ای درخشان .

- ۸- میان دندانهایش گشاده و به هم پیوسته.
- ۹- چشمانش سیاه و درشت و فرو رفته.
- ۱۰- پلک‌ها درخشانده، و شاید فرورفتگی چشم‌ها

غیبت صاحب الزمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام به امر خداوند دارای دو غیبت بود:

- ۱- غیبت صغری، که از سال ۲۶۰ هجری شروع شد و در سال ۳۲۹ هجری قمری پایان یافت که تقریباً ۷۰ سال می‌گذشت «اقوال دیگری نیز گفته شده است».
 - ۲- غیبت کبری، که از سال ۳۲۹ هجری شروع شد و تا وقتی که خدا بخواهد و ظهور کند ادامه خواهد یافت.
- دوران زندگی امام زمان علیه السلام را می‌توان در چهار بخش خلاصه کرد:
- ۱- دوران پدر «حدود پنج سال».
 - ۲- دوران غیبت صغری که با چهار نفر از سفرای خاص خود به ترتیب: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سیمری تماس داشت و سپس به علی بن محمد سیمری دستور داد که جانشینی برای خود تعیین نکند.
 - ۳- غیبت کبری و انتظار آن حضرت و ملاقات بعضی با آن حضرت ... که امام زمان علیه السلام در این زمان زمام امور را به «ولی فقیه» (مجتهد جامع شرایط) سپرده است.
 - ۴- دوران درخشان ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حکومت جهانی حضرت صاحب الزمان علیه السلام.

مهدی موعود در آیات قرآنی

قسمتی از آیاتی که در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تأویل به ظهور قائم آل محمد، امام زمان علیه السلام شده است .

۱- وَلَئِن أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ .

از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که در تأویل این آیه شریفه فرمود: **أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ**، اصحاب قائم آل محمد است که سیزده و سیزده نفر می باشند^(۱).

و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: خداوند اصحاب قائم ما را در یک لحظه مانند ابرهای پراکنده فصل پاییز جمع می کند .

۲- وَ ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ^(۲) .

امام باقر علیه السلام فرمود: **أَيَّامِ اللَّهِ**، سه روز است، روز قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، روز رجعت، روز قیامت .

۳- وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^(۳) .

یعنی در زبور (حضرت داود پیغمبر علیه السلام) بعد از کتب آسمانی سابق نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث می برند و اینان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و یاران آن حضرت می باشند .

۴- الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا

۱- سوره هود، آیه ۱۰ .

۲- سوره ابراهیم، آیه ۵ .

۳- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ .

بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ^(۱).

امام محمد باقر عليه السلام فرمود: این آیه متعلق به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، یعنی دوازده امام عليهم السلام و شخص حضرت مهدی موعود عليه السلام و یاران او که خداوند آنان را در شرق و غرب جهان جای دهد، و دین اسلام را غالب گرداند و هر بدعت و باطلی را به وسیله او و یارانش محو کند. و آنچنان عالم در آسایش بسربرد که اثر ظلم در جایی دیده نشود^(۲).

۵- اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ .

امام صادق عليه السلام فرمود: این آیه در باره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، به خدا قسم « مضطر » اوست که دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم عليه السلام بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند^(۳).

۶- أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ^(۴).

روایت شده که مقصود ساعت قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است^(۵).

۷- مُدْهَامَتَانِ^(۶).

یونس بن ظبیان از امام صادق عليه السلام روایت نموده که در تفسیر این آیه فرمود: در دولت امام زمان عليه السلام راه میان مکه و مدینه با درخت خرما اتصال یابد.

۸- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^(۷).

۱- سوره حج، آیه ۶۰.

۲- بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۴۸.

۳- بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۴۸.

۴- سوره قمر، آیه ۱.

۵- بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۴۷.

۶- سوره الرحمن، آیه ۶۳.

۷- سوره صف، آیه ۹.

این آیه نیز در باره قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است . ابو بصیر می گوید : از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام از آیه هو الذی ارسل رسوله بالهدی ... سؤال کردم ، فرمود : هنوز موقع تأویل این آیه نرسیده است ، گفتم : قربانت گردم کی موقع آن فرا می رسد ؟ فرمود : انشاء الله هنگامی که قائم قیام کند .

۹- الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ^۱ .

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود : هر کس اقرار به ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام کند ایمان به غیب آورده است .

۱۰- اِعْلَمُوا انَّ اللّٰهَ يُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ^۲ .

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود : خداوند زمین را با ظهور قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زنده می گرداند ، از آن پس که با کفر اهلش مرده باشد .

۱۱- وَ تُرِيدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِيْنَ اسْتَضَعِفُوْا فِي الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِيْنَ ^۳ .

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر این آیه فرمود : اینان که در زمین ضعیف گشته اند آل پیغمبرند که خداوند حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام آنها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند ^۴ .

۱۲- جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ اِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ^۵ .

یعنی حق آمد و باطل از میان رفت ، زیرا باطل رفتنی است .

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود : چون قائم ما ظهور کند دولت باطل از میان

می رود .

- ۱- سوره بقره، آیه ۱ .
- ۲- سوره حدید، آیه ۲۶ .
- ۳- سوره قصص، آیه ۴ .
- ۴- مهدی موعود، صفحه ۲۶۰ .
- ۵- سوره اسراء، آیه ۸۳ .

۱۳ - وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ^۱.

اصبغ بن نباته از ابن عباس روایت کرده که پیغمبر ﷺ فرمود: منظور از آسمان در آیه منم، و برجها امامان اهل بیت و عترت من هستند، که اول آنها علی علیه السلام و آخرشان مهدی علیه السلام و آنها دوازده تن می باشند^۲.

۱۴ - لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ^۳.

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که منظور وقت ظهور قائم علیه السلام است.

مهدی موعود در احادیث

توجه خوانندگان محترم و عاشقان حضرت صاحب الزمان علیه السلام را به قسمتی از روایات شیعه و سنی که در باره حضرت مهدی موعود علیه السلام رسیده است جلب می نمایم.

- ۱ - روایاتی که می گوید: ائمه دوازده تن، اول آنها امام علی علیه السلام و آخر آنان حضرت مهدی علیه السلام است. ۹۱ حدیث
- ۲ - روایاتی که می گوید مهدی از خاندان پیغمبر است. ۳۸۹ حدیث
- ۳ - روایاتی که می گوید مهدی از دودمان علی علیه السلام است. ۲۱۴ حدیث
- ۴ - روایاتی که او را از فرزندان فاطمه زهر علیها السلام می داند. ۱۹۲ حدیث
- ۵ - روایاتی که او را نهمین فرزند از اولاد امام حسین علیه السلام می دانند. ۱۴۸ حدیث

۱ - سوره بروج.

۲ - مهدی موعود، صفحه ۲۷۳.

۳ - سوره شوری، آیه ۱۶.

۶- روایاتی که او را از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام می داند .

۱۸۵ حدیث

۷- روایاتی که او را پسر امام حسن عسکری علیه السلام دانسته اند .

۱۴۶ حدیث

۸- روایاتی که او را امام دوازدهم و آخرین امام دانسته اند .

۱۳۶ حدیث

۹- روایاتی که درباره ولادت آن حضرت رسیده است .

۲۱۴ حدیث

۱۰- روایاتی که درباره عمر طولانی او رسیده است . ۳۱۸ حدیث

۱۱- روایاتی که می گوید او دارای غیبت طولانی است . ۹۱ حدیث

۱۲- روایاتی که می گوید دین اسلام به وسیله او جهانگیر می شود .

۴۷ حدیث

۱۳- روایاتی که می گوید شخص مهدی جهان را پر از عدل و داد

۱۲۳ حدیث

می کند.

۱۴- روایاتی که بشارت به ظهور آن سرور داده است^۱ . ۶۵۷ حدیث

و اما کتابها، در دو بخش معرفی می شود، نخست قسمتی از کتابهای علمای شیعه و سپس کتابهای علمای اهل سنت .

و اما بخش نخست عبارتند از:

مؤلف کلینی (ره)

۱- اصول کافی کتاب الحجّة

شیخ صدوق (ره)

۲- اکمال الدین

شیخ مفید

۳- الارشاد

- ۴- خمس رسائل في إثبات الحجّة
شیخ مفید
- ۵- الوجيزة في الغيبة
سید مرتضی علم الهدی
- ۶- الغيبة
شیخ الطائفة طوسی
- ۷- البرهان من طول عمر الامام الزمان
شیخ ابو الفتح کراچکی
- ۸- الغيبة
محمد ابراهیم نعمانی
- ۹- أعلام الوری
امین الاسلام طبرسی
- ۱۰- فصول نصیریة فصل امامت
خواجہ نصیر طوسی
- ۱۱- الملاحم و الفتن
سید بن طاووس
- ۱۲- وسیله الفوز و الامان
شیخ بهائی
- ۱۳- المحججه فیما نزل فی القائم الحجّة
سید هاشم بحرانی
- ۱۴- بحار الانوار ۵۱-۵۲-۵۴
علامه مجلسی
- ۱۵- اثبات الهدی
شیخ حر عاملی
- ۱۶- موعودی که جهان در انتظار اوست
علی دوانی
- ۱۷- نجم الثاقب
حاج میرزا حسین نوری
- ۱۸- الصحیفة المهدویة
حاج شیخ فضل الله نوری
- ۱۹- کفایة الموحدين جلد ۳
سید اسماعیل عقیلی طبرسی
- ۲۰- قیام و انقلاب مهدی
شهید آیت الله مطهری
- در اینجا برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی بخشی از کتاب های اهل سنت را نیز ضمیمه می کنیم تا معلوم گردد که عقیده به مهدی (عج) یک عقیده اسلامی و بین المللی است و منحصر به شیعه نمی باشد و اینک قسمتی از آن کتاب ها:
- ۱- ابراز الوهم المکنون
احمد محمد صدیق مغربی
- ۲- اخبار المهدی
حماد بن یعقوب

- ۳- الارذاعه محمد صدیق خان بخاری
- ۴- الاربعین ابونصیر اصفهانی
- ۵- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان متقی هندی - مؤلف کنز العمال
- ۶- البیان فی أخبار صاحب الزمان ابوعبدالله محمد بن یوسف کنجی شافعی
- ۷- الرد علی من حکم وقضی ان المهدی المنتظر جاء ومضی ملاعلی قاری حنفی
- ۸- العرف الوردی فی أخبار المهدی جلال الدین سیوطی
- ۹- العطر الوردی محمد نبی محمد بلیسی
- ۱۰- القطر الشهیدی فی أوصاف الهدی (منظوم) شهاب الدین حلوانی
- ۱۱- المشرب الوردی ملاعلی قاری حنفی
- ۱۲- علامات المهدی جلال الدین سیوطی
- ۱۳- فوائد الفکر یوسف کرمی مقدسی
- ۱۴- مناقب المهدی حافظ ابونعیم اصفهانی
- ۱۵- القول المختصر فی علامات المهدی حافظ بن هجره هیشمی شافعی

این کتاب‌ها که بخشی از آنها قبل از تولد مهدی (ع) تألیف یافته و بخشی در عصر غیبت صغری و مقداری در عصر غیبت کبری این مطلب را به ما می‌فهماند که تا چه حد مسأله مهدویت در بین فرق مسلمین اهمیت داشته که از زوایای مختلف و در اعصار مختلف علمای فریقین به بحث و بررسی پیرامون آن پرداخته‌اند.^۱



۱- نقل کتاب‌ها در این قسمت از کتاب «خورشید مغرب» تألیف محمد رضا حکیمی می‌باشد.

مصلح جهان خواهد آمد

یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر که اول آنها حضرت آدم و آخر آنها حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد و دوازده امام که اول آنها حضرت علی عَلِيهِ السَّلَام و آخر آنها قائم آل محمد حضرت صاحب الزمان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد از وجود اقدس امام زمان و غیبت و ظهور و تعداد یاران آن حضرت خبر دادند.

ما فقط اکتفاء می کنیم به روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام.

فضل بن شاذان از علقمة بن محمد حضرمی از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده که فرمودند: ائمه دین پس از پیغمبرش دوازده نفرند، اول آنها حضرت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام و پس از او امام حسن و امام حسین و علی زین العابدین، محمد بن علی الباقر (و من) جعفر الصادق و من به موسی بن جعفر وصیت می کنم پس از او امام رضا که در زمین خراسان مدفون می شود، پس از پدرش محمد بن علی جواد التقی، و بعد علی بن محمد النقی الهادی و پس از او حسن بن علی عسکری و پسر حسن مهدی «صلوات الله عليهم» می باشد که چون خروج کند ۳۱۳ نفر اطراف او جمع شوند به عدد مردان بدر و چون زمان خروج برسد شمشیر او از غلاف بیرون آید و ندا کند ای ولی خدا برخیز و بکش دشمنان خدا را^۱.

بالای سر حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام فرشته ای است

عبدالله بن عمر می گوید:

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مهدی در حالی قیام می کند که فرشته ای

بالای سر او قرار دارد و می گوید: مهدی این است از او پیروی نمائید^۱.

ابر بر سر حضرت مهدی علیه السلام سایه می افکند

عبدالله بن عمر نقل کرده که پیغمبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مهدی علیه السلام در حالی که قطعه‌ای ابر بر سر او سایه افکنده قیام می نماید، در آن وقت گوینده‌ای اعلام خواهد داشت که این مهدی خلیفه است، از او پیروی کنید^۲.

مهدی فرزند فاطمه علیها السلام است

زهری از امام زین العابدین علیه السلام و آن حضرت از پدرش روایت نموده که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مهدی از فرزندان تو است. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

به درستی که خلفاء و اوصیاء من و حجّت‌های خدا بر خلق بعد از من، دوازده نفرند، اول آنها علی و آخر آنها فرزندان مهدی است، پس فرود می آید عیسی بن مریم روح الله، پس نماز می گذارد پشت سر مهدی و روشن می کند (مهدی) زمین را به نور خدا و می رساند سلطنت او را به مشرق و مغرب. (گسترش پیدا می کند در مشرق و مغرب).

چند نمونه از وظایف شیعیان و عاشقان امام زمان علیه السلام

۱ - شناخت و معرفت کامل از طریق صفات و خصایصی که مخصوص آن حضرت است، و مداومت داشتن بر خواندن این دعا:

۱- مهدی موعود، صفحه ۲۹۴.

۲- بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۸۱.

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

۲- منتظر ظهور و فرج آن حضرت بودن، بگونه‌ای که این انتظار در انسان تحرک ایجاد کرده و در عمل ظاهر شود، تا آنجا که در انجام واجبات الهی و ترک محرمات کوتاهی نکند.

۳- تسلیم و انقیاد برای امر امام علیه السلام داشته باشد و عجله نکند، یعنی چون و چرا در امر ظهور آن جناب ننماید و آنچه از جانب آن حضرت می‌رسد صحیح و مطابق حکمت بداند.

۴- از مال خود به آن حضرت هدیه نماید، مثلاً مالی را که می‌خواهد به امام علیه السلام هدیه دهد، به همین قصد در راهی که می‌داند رضای آن حضرت است مصرف نماید، مانند این که به صالحین از دوستان و شیعیان آن حضرت کمک نماید.

۵- صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت.

۶- مداومت نمودن بر خواندن این دعا که در کتاب کمال‌الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت شده:

«يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».

۷- در هر حال و زمانی آماده یاری نمودن آن حضرت باشد، و در فراقش مغموم بوده و ندبه و زاری نماید (مداومت داشتن بر خواندن دعای ندبه در صبح‌های جمعه).

۸- در مشکلات و گرفتاریهای مهم به آن حضرت متوسل شود.

۹- فضایل و کمالات و صفات آن حضرت را ذکر نمودن و مردم را به سوی معرفت و شناخت آن جناب و خدمت به آن بزرگوار دعوت کردن.

۱۰- صبر کردن بر سختی‌ها و اذیت و سرزنش دشمنان دین در زمان غیبت.

۱۱- ثواب اعمال نیک و عبادات را به آن حضرت هدیه نمودن.

۱۲- دعاء کردن برای سلامتی آن بزرگوار و طلب پیروزی و یاری و ظهور آن جناب را، از خدای متعال نمودن.

۱۳- خواندن زیارت آن حضرت و دعای عهد که در این کتاب نقل شده است.

۱۴- بر دین و اعتقادات خود ثابت باشد و با ناهلان و منحرفین که او را نسبت به دینش سست کنند معاشرت نکند.

خداوندا، ما را از پیروان و سربازان امام زمان علیه السلام قرار بده و قلب مبارک آن حضرت را از ما راضی و خشنود بفرما.

چند نمونه از شباهت امام زمان علیه السلام به پیغمبران علیهم السلام

۱- شباهت امام زمان علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام :

خداوند متعال آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و او را وارث آن ساخت و در قرآن مجید چنین فرمود: **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^۱**.

خداوند امام زمان علیه السلام را نیز وارث زمین خواهد ساخت و خلیفه خود در زمین خواهد فرمود، چنانکه در قرآن کریم فرمود: **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ^۲**.

امام صادق علیه السلام فرمود: او قائم آل محمد و اصحابش می‌باشند و هنگام ظهورش در مکه دست بر صورت می‌کشد می‌گوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي**

۱- سوره بقره، آیه ۳۰.

۲- سوره نور، آیه ۵۵.

صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ أَوْرَثْنَا الْأَرْضَ^۱.

۲ - شباهت به نوح علیه السلام :

حضرت نوح شیخ الانبیاء از امام صادق علیه السلام و امام هادی علیه السلام روایت است که حضرت نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال عمر کرد. امام زمان علیه السلام شیخ الاوصیاء است « بنا به روایت کافی » در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد^۲.

پس عمر آن حضرت تا کنون ۱۱۶۰ سال است.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

در قائم روشی از آدم و از نوح هست و آن طول عمر می باشد^۳.

۳ - شباهت به ادریس علیه السلام :

۱ - حضرت ادریس علیه السلام از قومش غائب شد، هنگامی که می خواستند او را بکشند.

امام زمان علیه السلام نیز همینطور، هنگامی که دشمنان می خواستند آن حضرت را بکشند غایب شد.

۲ - غیبت ادریس به طول انجامید.

امام زمان نیز غیبتش طولانی است^۴.

۱ - تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۱۴۶.

۲ - کافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

۳ - اکمال الدین ج ۱، ص ۳۲۲.

۴ - مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۰۲.

۴- شباهت به هود علیه السلام :

حضرت هود علیه السلام، خداوند کافرین را به وسیله او هلاک کرد و باد عقیم را بر آنها فرستاد. چنانکه خداوند می فرماید: **فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ^۱**.

امام زمان علیه السلام نیز چنان است که خداوند به وجود او جمعی از کافرین را با باد سیاهی نابود می کند^۲.

۵- شباهت به حضرت ابراهیم علیه السلام :

حضرت ابراهیم علیه السلام، دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود. امام زمان علیه السلام نیز حمل و ولادتش مخفی بود.

حضرت ابراهیم دو غیبت داشته است.

امام زمان نیز دو غیبت داشته است.

حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامی که در آتش افکنده شد جبرئیل برایش جامه‌ای از بهشت آورد.

امام زمان علیه السلام نیز همان جامه را - هنگامی که قیام کند - خواهد پوشید^۳.

۶- شباهت به اسماعیل علیه السلام :

خداوند متعال به ولادت حضرت اسماعیل علیه السلام بشارت داد: **فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ^۴**.

۱- سورة ذاریات، آیه ۴۱.

۲- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۰۳.

۳- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۰۵.

۴- سورة صافات، آیه ۱۰۱.

خداوند به ولادت امام زمان علیه السلام و قیام آن حضرت نیز بشارت داده است.

۷- شباهت به لوط علیه السلام :

حضرت لوط علیه السلام فرشتگان برای یاریش آمدند.

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ ^۱.

ما فرستادگان خداوند هستیم، هرگز دست آزار آنان به تو نمی‌رسد.
امام زمان علیه السلام نیز فرشتگان برای یاریش فرود خواهند آمد ^۲.

۸- شباهت به یعقوب علیه السلام :

حضرت یعقوب علیه السلام برای یوسف علیه السلام آنقدر گریست تا اینکه چشمانش از اندوه سفید شد، در حالی که خشم خود را فرو می‌برد ^۳.
امام زمان علیه السلام برای جدش امام حسین علیه السلام گریست و در زیارت ناحیه فرمود: «وَلَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا». به جای اشک خون بر تو می‌گریم ^۴.

یعقوب علیه السلام منتظر فرج بود.

امام زمان علیه السلام نیز منتظر فرج است.

۹- شباهت یوسف علیه السلام :

حضرت یوسف علیه السلام زیباترین اهل زمان خود بود.

۱- سوره هود، آیه ۸۱.

۲- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۱۲.

۳- سوره یوسف، آیه ۸۴.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۵.

امام زمان علیه السلام نیز زیباترین اهل زمان خود می باشد.
حضرت یوسف علیه السلام را خداوند امرش را یک شبه اصلاح فرمود که
پادشاه مصر آن خواب را دید.
امام زمان علیه السلام نیز خداوند امرش را یک شبه اصلاح می فرماید^۱.

۱۰ - شباهت به خضر علیه السلام :

حضرت خضر علیه السلام خداوند متعال عمرش را طولانی نموده و این
موضوع نزد شیعه و سنی مسلم است.
امام زمان علیه السلام نیز خداوند عمرش را طولانی قرار داده. حکمت اینکه
عمر خضر علیه السلام طولانی شده دلیلی بر طول عمر امام زمان علیه السلام باشد.
حضرت خضر علیه السلام هر سال در مراسم حج شرکت می کند، امام زمان علیه السلام
نیز هر سال در مراسم حج شرکت می کند و مناسک را بجای می آورد^۲.

۱۱ - شباهت به شعیب علیه السلام :

حضرت شعیب علیه السلام در قوم خود گفت بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ^۳.

امام زمان علیه السلام نیز هنگامی که خروج کند به کعبه تکیه می زند و ۳۱۳
مرد به نزدش حاضر می شوند.

پس اولین سخنی که به زبان می آورد این آیه است: بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، من بقية الله در زمین و خلیفه خدا و حجت او بر شما

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۲ - مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۱۷.

۳ - سورة هود، آیه ۸۶.

هستم، پس هیچ مسلمانی بر او سلام نمی‌کند، مگر اینکه چنین می‌گوید:
السلام عليك يا بقية الله في ارضه^۱.

۱۲ - شباهت به موسی علیه السلام :

حضرت موسی علیه السلام دوران حملش مخفی بود. امام زمان علیه السلام نیز همینطور.

حضرت موسی علیه السلام ولادتش مخفیانه صورت گرفت، امام زمان علیه السلام نیز ولادتش مخفیانه انجام شد.

موسی علیه السلام از سنگ برایش دوازده چشمه جوشید.

امام زمان علیه السلام هرگاه ظهور نماید با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و انگشتری سلیمان و سنگ و عصای موسی قیام خواهد کرد. تا آخر حدیث^۲.

۱۳ - شباهت به یوشع علیه السلام :

حضرت یوشع علیه السلام پس از وفات حضرت موسی علیه السلام منافقان امت آن حضرت با او جنگ کردند.

امام زمان علیه السلام منافقان این امت با او جنگ خواهند کرد.

۱۴ - شباهت به داود علیه السلام :

حضرت داود علیه السلام را خداوند متعال در زمین خلیفه ساخت و فرمود:

يا داود انا جعلناك خليفة في الارض^۳

۱ - مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۲۵.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، غیبت نعمانی، ص ۲۳۸.

۳ - سوره ص، آیه ۲۶.

امام زمان علیه السلام را نیز خداوند خلیفه در زمین نموده و فرمود: **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ**^۱
 داود علیه السلام جالوت را کشت.
 امام زمان علیه السلام دجال را - که از جالوت بدتر است - می کشد.

۱۵ - شباهت به سلیمان علیه السلام :

حضرت سلیمان علیه السلام، داود او را جانشین و خلیفه خود قرار داد، در حالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود^۲.
 امام زمان علیه السلام را نیز خداوند خلیفه قرار داد و حال آنکه کودکی تقریباً پنج ساله بود.
 سلیمان علیه السلام خداوند باد را در تسخیر او قرار داده بود، قرآن مجید می فرماید: **فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ**^۳.
 امام زمان علیه السلام نیز خداوند باد را در خدمتش قرار می دهد^۴.

۱۶ - شباهت به عزیر علیه السلام :

حضرت عزیر علیه السلام وقتی به سوی قومش بازگشت و در میان آنها ظاهر شد تورات را آنطور که بر موسی بن عمران علیه السلام نازل شده بود خواند.
 امام زمان نیز قرآن را برای اهل زمین آنچنان که بر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده خواهد خواند.

۱ - سورة نمل، آیه ۶۲.

۲ - اکمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۶.

۳ - سورة ص، آیه ۳۶.

۴ - اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱.

۱۷- شباهت حضرت ایوب علیه السلام :

ایوب علیه السلام هفت سال بر بلا صبر کرد^۱.
 امام زمان علیه السلام از هنگام وفات پدرش تا کنون صبر کرده^۲.

۱۸- شباهت به زکریا علیه السلام :

زکریا علیه السلام در مصیبت امام حسین علیه السلام سه روز گریه کرد.
 امام زمان علیه السلام نیز تمام عمر و در همه زمانش بر آن حضرت می‌گرید.

۱۹- شباهت به یحیی علیه السلام :

حضرت یحیی علیه السلام پیش از ولادت به او بشارت و مژده داده شد.
 امام زمان علیه السلام نیز بشارت و مژده‌اش پیش از ولادت داده شد.
 حضرت یحیی علیه السلام در شکم مادر سخن گفت.
 امام زمان علیه السلام نیز در شکم مادر سخن گفت، سوره قدر را قرائت کرد.
 یحیی علیه السلام زاهدترین و عابدترین مردم زمانش بود.
 امام زمان علیه السلام نیز زاهدترین و عابدترین مردم زمانش می‌باشد^۳.

۲۰- شباهت به عیسی علیه السلام :

حضرت عیسی علیه السلام در کودکی در گهواره سخن گفت.
 امام زمان علیه السلام نیز در کودکی در گهواره سخن گفت.
 حضرت عیسی علیه السلام را خداوند به سوی خود بالا برد.

۱- بحار الانوار، جلد ۱۲، صفحه ۳۴۷.

۲- مکیال المکارم، جلد ۱، صفحه ۲۴۳.

۳- اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۸.

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را نیز خداوند به سوی خود بالا برد «۱».

۲۱ - شباهت به حضرت خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ :

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود : مهدی از فرزندان من است ، اسم او اسم من ، و کنیه اش کنیه من ، از نظر خَلْق و خُلُق شبیه ترین مردم به من است .

صاحب الزمان با شما سخن می گوید

قال عَلَيْهِ السَّلَامُ : انا خاتم الاوصياء و بی يدفع الله البلاء عن اهلی و شیعتی «۲»

امام زمان علیه السلام فرمود : من خاتم اوصیاء هستم و به وسیله من خدا بلا را از اهل من و شیعیانم دور می گرداند .

من بقية الله هستم

قال علیه السلام : انا بقية الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه «۳» .

امام زمان فرمود : بقیه خداوند در زمینش و انتقام گیرنده از دشمنانش من هستم .

هیچ چیزی از شما بر ما پوشیده نیست

قال علیه السلام : فانا یحیط علمنا بانبائکم و لا یعزب عنا شی من اخبارکم «۴» .

۱ - مکیال المکارم ، جلد ۱ ، صفحه ۲۴۶ .

۲ - بحار الانوار ، ج ۵۲ ، صفحه ۳۰ .

۳ - اثبات الهداة ، ج ۳ ، صفحه ۶۶۶ و بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۴ .

۴ - بحار الانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۱۷۵ .

امام زمان علیه السلام فرمود: قطعاً دانش ما بر «اوضاع و» خبرهای شما احاطه دارد و چیزی از «احوال و» گزارشهای شما بر ما پوشیده و پنهان نیست.

من قائم آل محمد هستم

قال عليه السلام: انا القائم من آل محمد صلى الله عليه وآله، انا الذي اخرج في اخر الزمان بهذا السيف - و اشار اليه - فاملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً^۱.

امام زمان علیه السلام فرمود: من قائم از دودمان محمد صلی الله علیه و آله هستم سپس به شمشیرشان اشاره نموده و فرمودند: من همانم که در آخر الزمان با این شمشیر خروج می‌کنم، آنگاه زمین را از عدالت و انصاف سرشار می‌سازم، چنانکه مملو از ظلم و ستم شده باشد.

من امام اهل زمینم

قال عليه السلام: و انى امان لاهل الارض^۲.

امام زمان علیه السلام فرمود: و من برای اهل زمین امان از عذابم.

حق با ما است

امام زمان علیه السلام فرمود: باید بدانید که حق با ما و در دست ماست، بجز ما هر که این داعیه را بر زبان آورد دروغگو و افترازننده و گمراه و گمگشته است.

۱- کمال الدین و تمام النعمة ج ۲، صفحه ۴۵۴ و بحار الانوار ج ۵۲، صفحه ۴۱.

۲- بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۹۱.

بخش هفتم:

**عریضه و دعاهاى
در بارهٔ امام زمان «ع»**

«طریقه نامه نوشتن و عریضه دادن به امام زمان علیه السلام»

مرحوم محدث قمی در کتاب منتهی الآمال به نقل از تحفة الزائر علامه مجلسی و مفاتیح النجاة سبزواری می نویسد:

هر کس حاجتی دارد آنچه که ذکر می شود در رقعهای بنویسد و در (ضریح) یکی از قبور ائمه علیهم السلام بیندازد، یا رقعہ را ببندد و مهر کند و خاکِ پاکی را گل سازد، و آن را در میان گل گذارد و در نهري یا چاهی عمیق یا غدیر آبی اندازد، که به حضرت صاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه می رسد و آن بزرگوار عهده دار بر آوردن حاجت می شود. رقعہ این چنین نوشته می شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَغِيثًا وَشَكْوَتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرِ قَدْ دَهَمَنِي وَأَشْغَلَ قَلْبِي وَأَطَالَ فِكْرِي وَسَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي وَعَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدِي أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخِيلِ وَرُودِهِ الْخَلِيلِ وَتَبَرَّءَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِيمِ وَعَجَزْتُ عَنْ دِفَاعِهِ حِيلَتِي وَخَانَنِي فِي تَحْمُلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْمًا بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَلِيَّ التَّدْبِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ وَاثِقًا بِكَ فِي الْمُسَارِعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ
 ثَنَائُهُ فِي أَمْرِي مُتَيَقِّنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي وَأَنْتَ يَا
 مَوْلَايَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَتَصْدِيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرِ كَذَا وَكَذَا (و بجای
 کذا و کذا حاجات خود را نام ببرد) فِيمَا لَا طَاقَةَ لِي بِحَمْلِهِ وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ
 وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهُ وَلَا ضَعْفِيهِ بِقَبِيحِ أَعْمَالِي وَتَفْرِيطِي فِي الْوَأْجِبَاتِ الَّتِي
 لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأَغْنِنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللَّهْفِ وَقَدَمِ الْمَسْئَلَةِ
 لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرِي قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ فِيكَ بَسَطَتِ النِّعْمَةَ
 عَلَيَّ وَأَسْئَلُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيزًا وَفَتْحًا قَرِيبًا فِيهِ بُلُوعُ الْأَمَالِ
 وَخَيْرُ الْمَبَادِي وَخَوَاتِيمِ الْأَعْمَالِ وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ إِنَّهُ
 جَلَّ ثَنَائُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالٌ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدِئِ وَالْمَأَلِ.

آنگاه در کنار آن نهر یا چاه یا غدیر بایستد و اعتماد بر یکی از وکلای
 آن حضرت نموده و او را در نظر آورد (یا عثمان سعید العمروی ، یا پسر او
 محمد بن عثمان ، یا حسین بن روح یا علی بن محمد السمری) و یکی از
 آنها را بر زبان آورده و صدا نماید و بگوید:

«يَا فَلَانَ بْنِ فَلَانَ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَنَّكَ حَيٌّ
 عِنْدَ اللَّهِ مَرْزُوقٌ وَقَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهَذِهِ
 رُقْعَتِي وَحَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلِّمْهَا إِلَيْهِ وَأَنْتَ الثَّقَةُ الْأَمِينُ».

سپس نوشته را در نهر یا در چاه یا در غدیر اندازد که ان شاء الله
 حاجت او برآورده خواهد شد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ وَيَا خَلِيفَةَ الرَّحْمَنِ وَيَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ
 الْمُسْتَعَاثُ بِكَ يَا إِمَامَ الْأَنْسِ وَالْبَجَانِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا حُجَّةَ بِنِ الْحَسَنِ
 الْعَسْكَرِيِّ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بِنِ رَسُولِ اللَّهِ يَا بِنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا

إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

دعاى توسل

علامه مجلسى فرموده كه در بعضى از كتب معتبره نقل کرده‌اند از
محمد بن بابويه كه اين دعاء توسل را از ائمه عليهم السلام روايت کرده است
و گفته است در هيچ امرى نخواندم مگر آنكه اثر اجابت را به زودى يافتم «۱» .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَآتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا
تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا
وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيَّ بْنَ
أَبِي طَالِبٍ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا
عِنْدَ اللَّهِ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا
وَمَوْلَاتَنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ
حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ
أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا
تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا
يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الشَّهِيدُ
يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا

عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ
يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا
عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بَنَ رَسُولِ
اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا
بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ
يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ اَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى
خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا اَبَا الْحَسَنِ
يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ اَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ
يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ
يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ
مُوسَى اَيُّهَا الرَّضَا يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا
تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا
يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَيُّهَا التَّقِيُّ
الْجَوَادُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا
عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ اَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ
يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا
عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ اَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ
يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ أَيُّهَا الْقَائِمُ
 الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا
 تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا
 يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أَيْمَتِي
 وَعُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ
 إِلَى اللَّهِ فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ وَاسْتَنْقِذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّكُمْ وَسِيلَتِي
 إِلَى اللَّهِ وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي
 يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَلَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ
 ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ترجمه دعای توسل : خدایا از تو می خواهم و توجه می کنم به سوی
 تو به وسیله پیامبرت ، پیامبر رحمت محمد صلی الله علیه و آله ، ای ابا
 القاسم ، ای رسول خدا ، ای پیشوای رحمت ، ای آقا و مولای ما ، همانا رو
 آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا و مقدم
 داریم در برابر حاجت های خود ، ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن از برای
 ما نزد خدا ، ای ابا الحسن ، ای امیر المؤمنین ای علی بن ابیطالب ای حجت
 خدا بر خلق او ، ای سید ما و سرور ما ، براستی ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم
 و توسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داریم تو را در جلو حاجت های
 خودمان ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای فاطمه زهرا
 ای دختر محمد ای روشنی چشم رسول ای بانوی ما و خانم ما براستی ما
 رو آوردیم و شفیع قرار دادیم و توسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش
 داشتیم ترا در پیش حاجت های خودمان ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن ما را
 در نزد خدا ای ابو محمد ای حسن بن علی ای پسند شده ، ای فرزند رسول
 خدا ای حجت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای ما بدرستی ما رو آوردیم و

شفیع قرار دادیم و توّسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش
 حاجتهای خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای
 ابا عبدالله ای حسین بن علیّ ای شهید ای پسر رسول خدا ای حجّت خدا بر
 خلق او ای آقای ما و مولای ما به درستی ما رو کردیم و شفیع قرار دادیم و
 توّسل نمودیم به تو به سوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش حاجتهای
 خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای ابوالحسن
 ای علی بن الحسین ای زینت عبادت کنندگان ای پسر رسول خدا ای حجّت
 خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای ما بدرستی ما رو کردیم و شفیع قرار
 دادیم و توّسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش
 حاجتهای خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای
 اباجعفر ای محمّد بن علیّ ای باقر ای پسر رسول خدا ای حجّت خدا بر
 خلق او ای آقای ما و مولای ما بدرستی ما رو کردیم و شفیع قرار دادیم و
 توّسل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش حاجتهای
 خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای ابا عبد الله
 ای جعفر بن محمّد ای صادق ای پسر رسول خدا ای حجّت خدا بر خلق او
 ای آقای ما و مولای ما بدرستی ما رو کردیم و شفیع قرار دادیم و توّسل
 نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش حاجتهای خودمان ای
 آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای ابوالحسن ای موسی بن
 جعفر ای کاظم ای پسر رسول خدا ای حجّت خدا بر خلق او ای آقای ما و
 مولای ما بدرستی ما رو کردیم و شفیع قرار دادیم و توّسل نمودیم به تو
 بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در پیش حاجتهای خودمان ای آبرومند در
 نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا ای ابوالحسن ای علیّ بن موسی ای رضا
 ای پسر رسول خدا ای حجّت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای

مابدرستی مارو کردیم و شفیع قرار دادیم و توسّل نمودیم به تو بسوی خدا
 و پیش داشتیم ترا در پیش حاجت‌های خودمان ای آبرومند در نزد خدا
 شفاعت کن ما را در نزد خدا ای ابا جعفر ای محمد بن علی ای تقی جواد ای
 فرزند رسول خدا ای حجّت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای مابدرستی
 ما رو کردیم و شفیع قرار دادیم و توسّل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش
 داشتیم ترا در پیش حاجت‌های خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن
 ما را در نزد خدا ای ابوالحسن ای علی بن محمد ای هادی نقی ای پسر
 رسول خدا ای حجّت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای مابدرستی ما رو
 کردیم و شفیع قرار دادیم و توسّل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم
 ترا در پیش حاجت‌های خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را در
 نزد خدا ای ابومحمد ای حسن بن علی ای زکّی العسکری ای پسر رسول
 خدا ای حجّت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای مابدرستی ما رو کردیم
 و شفیع قرار دادیم و توسّل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در
 پیش حاجت‌های خودمان ای آبرومند در نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد
 خدا ای نائب حسن و خلفت حجّت ای قائم منتظر مهدی ای پسر رسول
 خدا ای حجّت خدا بر خلق او ای آقای ما و مولای ما براستی ما رو کردیم و
 شفیع قرار دادیم و توسّل نمودیم به تو بسوی خدا و پیش داریم ترا در پیش
 حاجت‌های خودمان ای با آبرو در نزد خدا شفاعت کن ما را در نزد خدا. «پس
 حاجات خود را بطلب که برآورده می‌شود انشاءالله تعالی». و در روایت
 دیگر وارد شده که بعد از این بگوید: ای آقاها ای من و موالیان من بدرستی من
 رو کردم به شما که امامان و ذخیرهٔ من هستید برای روز نیازم و حاجتم
 بسوی خدا و توسّل نمودم به شماها بسوی خدا و شفیع قرار دادم شما را
 بسوی خدا پس شفاعت کنید به من در نزد خدا و خلاصی دهید مرا از

گناهانم نزد خدا پس بدرستی شماها وسیله من هستید بسوی خدا و به دوستی شماها و به نزدیکی شماها امید رستگاری دارم از خدا پس باشید در نزد خدا امیدم ای آقاهای من ای دوستداران خدا رحمت کند خدا برایشان همه و لعنت کند خدا دشمنان خدا را که ستمکاران ایشاناند از اولین و آخرین آمین پروردگار جهانیان.

فضیلت دعای حضرت حجت علیه السلام

کفعمی در بلد الامین فرموده این دعاء حضرت صاحب الامر علیه السلام است که تعلیم فرمود آن را به شخصی که محبوس بود، پس خلاص شد.

إِلٰهِ عَظْمِ الْبَلَاءِ وَ بَرِحِ الْخَفَاءِ وَ انْكَشَفِ الْغِطَاءِ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَوْلَى الْأُمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِي وَ انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِي يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ ^۱.

ترجمه دعای فرج حضرت حجت علیه السلام :

خدایا بزرگ شد گرفتاری و ریش شد درون برداشته شد پرده و بریده شد امید و تنگ شد پهنای زمین و دریغ کرد آسمان و تو کمک بخشی و شکایت پذیر و مورد اعتماد در سختی و همواری خدایا رحمت فرست بر

محمد و آل محمد توده‌هایی که فرض کردی بر ما اطاعت آنها را و شناساندی بدین مقام آنها را پس گشایش بده بر ما بحق آنها گشایش نزدیکی چون چشم به هم زدن یا نزدیکتر ای محمد ای علی ای علی ای محمد کفایت کنید مرا شما کافی منید و یاریم کنید زیرا شما یاوران منید ای مولای ما ای صاحب الزمان به فریاد رس به فریاد رس به فریاد رس مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب هم اکنون هم اکنون هم اکنون بشتاب بشتاب بشتاب ای ارحم الراحمین بحق محمد «ص» و خاندان پاکش.

دعای عهد

امام صادق علیه السلام فرموده، هر کس چهل صباح دعای عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد. و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند متعال او را برای یاری آن حضرت زنده کند و به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرِيَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلَحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْأَخْرُونَ يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّي وَ عَنِ الْوَالِدِيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا

أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهٗ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا
عُشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهٗ فِي عُنُقِي لِأَحْوَالِ عَنَّا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّالِّينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَائِهِ
حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ وَ
الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ خَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى
عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مَوْتِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا
قِنَاتِي مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ
الْفُرْقَةَ الْحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ
أَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَ أَسْلِكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ أَشْدُدْ أَرْزَهُ وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ
بِلَادِكَ وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ
بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيَّكَ وَ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ
رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ الْأَمْرَقَهُ وَ يُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ يُحَقِّقَهُ وَ اجْعَلْهُ
اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهٗ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا
عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَ سُرَّ
نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَ ارْحَمِ
اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا
ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرِيهِ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ «۱» .

ترجمہ دعای عہد : خداوندا، ای پروردگار پرتو جهان افروز و ای
پروردگار کرسی بلند پایه، و ای پروردگار دریای بی پایان و فرود آورنده
تورات و انجیل و زبور و ای پروردگار سایہ و گرمای سخت و فرود آورنده

قرآن بزرگ، ای پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و فرستادگان، خداوندا من از تو می‌خواهم به ذات بزرگوار و به نور وجود تابنده و فرمانروائی دیرینه‌ات، ای زنده پاینده، از تو می‌خواهم به نامی که آسمانها و زمین‌ها را بدان وجود بخشیدی و به نامی که اولین و آخرین عالم را بدان اصلاح کردی، ای زنده بیش از هر زنده و زنده پس از هر زنده، و ای زنده هنگامی که احدی زنده نبود، ای زندگی بخش مردگان و میراننده زندگان، ای زنده‌ای که جز تو خدایی نیست، خداوندا بر سرور ما امام و راهبر هدایت شده و قیام کننده به فرمان تو که درود خدا بر او و بر پدران پاکش باد و بر همگی مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب عالم و در کوه و دشت و خشکی و دریا و از سوی من و پدر و مادرم، از درودهایی که معادل عرش خدا و در شمار کلمات اوست و آنچه علمش و کتاب آفرینش او بر آن احاطه دارد، خداوندا من در این روز و در همگی روزها پیمانم را با او تجدید می‌کنم و هرگز از عهد و بیعت او که بر گردن منست باز نخواهم گشت و پیوسته بر آن پا بر جا خواهم بود. خداوندا مرا از یاران و هواخواهان او و از کسانی که مدافع او خواهند بود قرار ده، آنانکه او امر او را به سرعت انجام می‌دهند و از او حمایت می‌کنند و مشتاقاً بر دل بستگی به او پیشی می‌گیرند و در کنار او شهید می‌گردند. خداوندا اگر میان من و او مرگ که برای همه بندگان قرار داده‌ای جدایی افکنده پس مرا از گورم در حالی که کفنم را بر گردن افکنده و شمشیرم را از نیام بر کشیده و نیزه‌ام را در دست گرفته و دعوت او را در همه جا اجابت کرده‌ام، برانگیز، خداوندا مرا آن چهره زیبای رشید راهنمای و از پرده غیب آشکارا کن و دیده‌ام را روشن ساز و فرج آن حضرت را نزدیک و خروجش را آسان فرما، مرا در سالک رهروان او قرار ده و فرمانش را نافذ گردان و سپاهش را پشتیبان باش،

خداوندا سرزمینهای خود را به وسیله او آباد گردان و بندگان را بخاطر او زنده ساز زیرا تو گفته‌ای و سخت حق است. « خشکی و دریا را فساد فرا گرفته به سبب کارهایی که مردمان کرده‌اند » پس خداوندا ولی خود و پسر دختر پیامبرت را که همنام رسول توست بر ما آشکار ساز، تا آنکه بر فساد پیروزی یابد و آن را نابود سازد و حق را ثابت گرداند. پس خداوندا او را پناه بندگان ستم‌دیده‌ات و یاری دهنده کسی که جز تو یآوری ندارد قرار ده و به وسیله او احکام قرآن را که تعطیل گردیده است برقرار ساز و او را بر پا دارنده آنچه از نشانه‌های دینت و سنت‌های پیامبرت که درود خدا بر او و خاندانش باد قرار ده، خداوندا او را از هجوم و فتنه تجاوزکاران محفوظ بدار، خداوندا پیامبرت محمد را که درود خدا بر او و خاندانش باد و آنها را که دعوتش را پذیرفته‌اند به دیدار او خشنود فرما و بر پریشانی ما رحمت آور. خداوندا این غم جانکاه را با ظهور آن حضرت از دل این امت برطرف ساز و به ظهورش تعجیل فرما، زیرا گروهی ظهور او را بعید دانند در حالی که ما آن را قریب و حتمی می‌دانیم ای خدای مهربان و مهربانترین مهربانان به رحمت خود دعای ما را مستجاب فرما. پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی: شتاب فرما، شتاب فرما ای مولای من ای صاحب الزمان.

زیارت مبارکه آل یس

یکی از زیاراتی که از ناحیه مقدس امام عصر روحی له الفداء به افتخار محمد حمیری در پاسخ مسائلی که از آن حضرت سؤال کرده بودند، رسیده است « زیارت آل یس » می‌باشد که علاقمندان به حضرت بقیه الله فی الارضین، طبق دستور حضرتش در شداید و گرفتاریها آن را می‌خوانند

و به آن حضرت توسل مى جویند، و نتیجه آن قطعى است و آنچه نگارنده در ارتباط با این زیارت مى توانم عرض کنم این است که این زیارت کلید سعادت دو جهان و گشاینده هر مشکل و رساننده هر مشتاقى به آرزوى دیرینه خود است.

سخن سر بسته گفتم با حریفان خدایا زین معما پرده بردار
اکنون با هم به سخنان حضرت ولی الله الاعظم حجة بن الحسن
العسکرى روحى لتراب مقدمه الفداء، گوش فرامى دهیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَ لَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ،
حِكْمَةٌ بِاللِّغَةِ فَمَا تُغْنِي النَّذْرَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ . «
سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسٍ» . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ . السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ .
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ
تَرْجُمَانَهُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ
اللَّهِ فِي أَرْضِهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ
الْمَضْبُوبُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدَا غَيْرَ مَكْدُوبٍ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ .
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تُصَلِّيَ وَ تَقْنُتُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ
وَ تُمْسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى . السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ . السَّلَامُ عَلَيْكَ
بِجَوَامِعِ السَّلَامِ . أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَإِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ وَ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ

عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ
 الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ مُوسَى بْنَ
 جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
 حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ . أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ
 أَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ
 أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا . وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ ، وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ ، وَ أَشْهَدُ
 أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ ، وَ الْبَعْثَ حَقٌّ ، وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ ، وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ ، وَ الْمِيزَانَ
 حَقٌّ ، وَ الْحَشْرَ حَقٌّ ، وَ الْحِسَابَ حَقٌّ ، وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ ، وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ
 بِهِمَا حَقٌّ . يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا
 أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيٍّ مِنْ عَدُوِّكَ ، فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا
 أَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ
 بِاللَّهِ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلِيَّكُمْ وَ
 آخِرِكُمْ ، وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ .

ترجمه زیارت مبارکه آل یس :

بنام خداوند بخشاینده مهربان، اینان در امر خداوند تعقل (فکر)
 نمی کنند و از اولیای او هم نمی پذیرند . حکمتی رساست . سلام بر ما و بر
 بندگان صالح خداوند باد .

هر گاه خواستید به سوی خداوند تبارک و تعالی به وسیله ما توجه
 کنید و به سوی خود ما روی آورید، پس بگوئید چنانچه خداوند بزرگ
 فرموده است :

« سلام و درود بر خاندان جلیل عصمت و طهارت (سلام الله عليهم
 اجمعین) » .

سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خداوند و پرورش دهنده عالم وجود و تکامل بخش همه موجودات، ای حجة بن الحسن!

سلام بر تو ای باب رحمت الهی و ای کسی که تنها راه ارتباط با خداوند و بندگی او هستی و وصول به این هدف فقط در سایه لطف و راهنمایی تو عملی خواهد بود.

سلام بر تو ای حافظ و نگهبان دین خداوند متعال.

سلام بر تو ای جانشین خداوند در روی زمین.

سلام بر تو ای بزرگمردی که یاری کننده حق خداوند، یعنی نصرت

بخش دین خدایی.

سلام بر تو ای حجت خداوند و ای راهنمای همه مردم به آنچه او از

بندگان (چون اطاعت او امر و ترک نواهی) خواسته است.

سلام ما بر تو ای مهدی! ای تلاوت کننده قرآن و ای بیان کننده

حقایق و معارف حیاتبخش آن.

سلام ما بر تو ای ولی عصر و امام زمان در تمام لحظات شب و روز.

سلام و درود بر تو، ای آخرین حجت و فرستاده خداوند که دیگر

پس از وجود عزیزت از طرف خداوند کسی به نام پیامبر و امام نخواهد آمد.

سلام بر تو ای فرمانروای جهان هستی که خداوند از همه بندگان در

مورد حکومت و امامت تو پیمان مؤکد گرفته است.

سلام بر تو ای مصلح جهانی که خداوند به تو وعده و تضمین فرموده

است که سلطنت و حکومت عالمگیر شده، جهان پس از گسترده شدن ظلم

و جور و ستم بر سراسر گیتی، در سایه حکومت عدالت پرورت، مشحون و

پراز عدل گردد.

سلام بر تو ای پرچم افراشته عدل الهی و حکمت موهوب حق و پناه

خلق و رحمت بی نهایت خداوند تبارک و تعالی بر همهٔ جهانیان - و این وعده‌ای است که قطعاً عملی خواهد شد و هرگز در آن خلافتی نیست -

سلام بر تو ای بر پا دارندهٔ حق، آنگاه که بدین منظور قیام کنی (و یا در همهٔ حالاتی که به پا خاسته‌ای).

سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی.

سلام بر تو زمانی که به تلاوت و قرائت کتاب خدا و تفسیر و بیان حقایق آن (چه در زمان غیبت و چه هنگام ظهور) مشغولی.

سلام بر تو در آن هنگام که در نماز و قنوت و نیایشی.

سلام بر تو در آن هنگام که رکوع و سجده می‌کنی.

سلام بر تو - ای امام عصر! - هنگامی که خداوند را به یگانگی یاد

می‌کنی و کلمهٔ مقدس «لا اله الا الله» را بر زبان مبارکت جاری می‌فرمائی.

سلام بر تو - ای منجی بشریت! - زمانی که به حمد و ثنا و ستایش

الهی و استغفار مشغولی.

سلام بر تو آنگاه که صبح و شام می‌کنی.

سلام بر تو در تمام ساعات و لحظات شب و روز.

سلام و درود ما بر تو - ای امام آسمانی و عزیز ما -! که در پناه قدرت

بی نهایت خداوند محفوظ خواهی بود.

سلام بر تو ای کسی که مقدم بر تمام عالم و برتر از همهٔ آرزوهایی.

سلام همهٔ جانبۀ ما بر تو ای حجت منتظر!

ای مولای من! شاهد باش که من گواهی می‌دهم به خدای یکتا و اینکه

خداوندی جز او نیست و برای او شریکی وجود ندارد. و شهادت می‌دهم

که وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بنده و رسول و فرستادهٔ

اوست و اینکه تنها او و خاندانش دوست و محبوب خداوند (تبارک و

تعالی) هستند. و گواهی می‌دهم که وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین، حجت و نمایندهٔ خداوند است بر روی زمین و پس از آن حضرت، فرزندش حضرت امام حسن علیه السلام و نیز حضرت امام حسین علیه السلام و پس از آن حضرت، فرزندش حضرت علی بن الحسین علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت محمد بن علی علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت صادق علیه السلام و بعد از آن حضرت فرزندان عزیزش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و پس از آن بزرگوار فرزند گرامی وی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و بعد از آن حضرت فرزند عزیزش حضرت جواد علیه السلام و بعد از آن امام عزیز فرزندش حضرت هادی علیه السلام و پس از آن سرور وجود عزیزت تنها حجت و سفیر خداوند متعال در روی زمین هستید.

و گواهی می‌دهم که رجعت و بازگشت شما خاندان عصمت و طهارت (سلام الله علیهم اجمعین) متعاقب امر فرج و ظهور شما حق است و جای هیچ‌گونه تردید و شکی نیست. آن هم در روزی که اگر کسی قبلاً ایمان نیاورده باشد، دیگر در آن روز ایمان وی نفعی برایش نخواهد داشت. و گواهی می‌دهم که روز قیامت و برانگیخته شدن مردگان و حضور در صحرای قیامت برای رسیدگی به اعمال همگان و آنچه که مردم در دنیا انجام داده‌اند، حق است.

و گواهی می‌دهم که صراط و عبور از آن و نیز میزان در قیامت برای سنجش اعمال مردم حق است. و شهادت می‌دهم که بهشت و نعمتهای آن و جهنم و عذابه‌های آن، همگی حق است (و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به دوزخ خواهند رفت).

ای مولای من، ای صاحب الزمان! شقاوت‌مند و بدبخت کسی است که

با شما مخالفت کند و سعادت‌مند آن فردی است که از شما فرمان برد . (ای مولای من!) آنچه شما را بر آن شاهد و گواه گرفتم ، در نزد خداوند برای من گواهی بده . آری ، من دوست شما هستم و از دشمنان شما بیزاری می جویم . (ای مولای من) آنچه شما بدان راضی باشید ، حق است و آنچه شما نپسندید ، باطل ، و معروف آن چیزی است که شما به آن امر کرده و منکر و ناپسند آن کاری است که شما آن را رد فرموده‌اید . پس من به خداوند یکتا و بی شریک و به جدّ شما رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و به جدّ دیگرتان حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام و به ائمه پس از آن حضرت تا وجود مقدس و عزیز شما ایمان و اعتقاد دارم .

(ای مولای من و ای مهدی عزیز) من خودم را برای اینکه در خدمت شما با دشمنانتان نبرد کنم آماده می بینم و علاقه و محبت من مخصوص به شما خاندان رسالت است . خداوند این سعادت را به من ارزانی فرما .

دعای بعد از زیارت آل یس

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةِ نُورِكَ وَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ فِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاتِ لِمُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى الْفَاكِ وَ قَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ فَتُغَشِّبْنِي رَحْمَتَكَ يَا وَلِيَّ يَا حَمِيدُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَ الثَّائِرِ بِأَمْرِكَ ، وَ لِي الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةَ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ

التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاةِ وَعَلِمِ
الْهُدَى وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى وَ مُجَلِّي الْعَمَى الَّذِي
يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ
حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا .

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَاَنْصُرْ بِهِ لِدِينِكَ وَاَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَ
انصَارَهُ وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ .

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ
بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعَهُ مِنْ أَنْ
يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ
بِالنَّصْرِ وَانصُرْ ناصِرِيهِ وَاخْذُلْ خاذِلِيهِ وَاقْصِمِ قاصِمِيهِ وَاقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ
الْكُفْرِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ
مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ
نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ انصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتِّبَاعِهِ وَ
شِيعَتِهِ وَارْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا
يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ترجمه دعا : خداوندا، از پیشگاه مقدست استدعا می کنم که بر پیامبر
رحمت و کلمه نور خود، محمد «ص» درود فرستی . (خدایا) خانه دل مرا
از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان انباشته فرما، فکر و اندیشه ام را به نور
نیت های خیر و عزم و اراده ام را به نور علم روشن و منور گردان، قوت جسم و
جانم را به نور عمل تقویت فرما، زبان مرا به نور راستی و دینم را به وسیله
بصیرت و شناخت واقعی آن مساعدت کن، دیدگانم را با نور بصیرت،

گوشم را به نور حکمت و قلبم را که خانه و مرکز محبت تو است محل تمرکز و جایگاه نور دوستی و محبت محمد و آل محمد علیهم السلام قرار ده تا در حالی که به عهد و میثاق خویش وفا کرده باشم تو را ملاقات کنم و تو مرا غریق رحمت خود گردانی ، ای مولائی که تمام صفات کمالیه در تو جمع است .

خداوندا! بر محمد بن الحسن العسکری که حجّت و خلیفه و جانشین تو در زمین و همه بلاد است درود فرست! بر او که مردم را به سوی تو و به شناخت تو دعوت می کند . او کسی است که به عدل و داد تو قیام کننده و مجری آن در سراسر عالم وجود است ، کسی که بندگان را به سوی تو بر می انگیزد و دوست و سرپرست اهل ایمان و نابود کننده کفار و دشمنان تو است . درود و رحمت فرست بر او که جهان هستی را روشنی بخش و بر طرف کننده جهل و کفر است ، بر آن آقای که آشکار کننده حقّ و بیان کننده حکمت و صداقت و کلمه تامّه تو در زمین است (روح اعظم الهی در زمین) ، که همان بنده خاصّی که مراقب فرمان تو و خائف و ترسناک است در مقابل عظمت کبریایی تو و نصیحت کننده بندگان تو و کشتی نجات و نماینده راه تو در جهان است ، بر آن مولا و آقای که بندگان را از کوری و تاریکی و جهل و کفر نجات می دهد و همگان را با نور ایمان و ولایتش هدایت می فرماید ، بر آن که بهترین کسی است که لباس انسانیت و هدایت و ارشاد به تن نموده است و کوردلان را بینا می کند ، بر او که جهان را پس از فراگیر شدن ظلم و ستم ، پر از عدل و داد می کند . ای خدائی که بر همه چیز توانایی! دعاها را در باره ولیّ عزیزت مستجاب فرما .

بارالها ، بر نماینده توانای خود و آن کسی که به حقّ قیام می کند و فرزند اولیای خویش که اطاعتشان را بر بندگان واجب و لازم و حقّ آنان را

بر همه فرض و ضروری ساختی ، درود و رحمت فرست .

خداوندا ، مهدی عزیزت را یاری فرما و دین مقدّس اسلام را با قیامش نصرت عنایت کن و در سایهٔ وجود مقدّس امام عصر ، دوستان و پیروان و شیعیانش را یاری فرما . (بار خدایا) ما را نیز از اولیای خود و شیعیان ولیّ گرامی و عزیزت قرار ده .

پروردگارا ، حجّة بن الحسن (علیه السلام) را از شرّ ستمگران و طاغیان زمان و از شرّ تمام مخلوقاتی که آفریده‌ای ، در پناه خودت محفوظ بدار و وجود عزیزش را از تمام حوادث عالم و از طرف راست و چپ و جلو و پشت سر محافظت فرما .

خداوندا وجود مصلح حقیقی عالم را از تمام گزندها و بدیها و ناگواریها در پناه عنایت خاص و قدرت بی‌نهایت خود محفوظ و پاینده بدار . (بار خدایا) در سایهٔ قیام آن حضرت و حکومت کریمه‌اش ، شخصیت حبیب خود محمّد و خاندان عزیزش و تعلیمات عالیّه آنان را نگاهداری کن .

خداوندا با بر پا ساختن حکومت حضرت مهدی در کرهٔ زمین ، عدل و داد را در سراسر گیتی ظاهر فرما ، او را به نصرت خود مؤیّد دار ، یاورانش را یاری و مخالفانش را خوار و ذلیل کن ، دشمنانش و نیز ستمگران و جبّاران را خرد و نابود و منافقان را به وسیلهٔ شمشیر انتقام حضرتش و همچنین تمام ملحدان و دشمنان دین تو در هر کجا از شرق و غرب عالم و یا در دریا و صحرا هستند هلاک فرما .

خداوندا زمین را از برکات سلطنت عدالت پرورش پر از عدل و داد کن و دین و آئین حبیب محمّد (اسلام و قوانین حیاتبخش آن) را - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ظاهر و بر تمام جهان وجود حاکم فرما .

خدایا به لطف و کرمت مرا از یاران و انصار و از شیعیان و متابعت کنندگان آن حضرت قرار ده و آنچه را که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان عزیزش آرزوی دیدن آن را دارند (حکومت جهانی مهدی) به من بنما تا با چشم خود آن را ببینم و دلم شفا یابد . ای پروردگار مهربان ، دعایم را مستجاب کن و مرا به آرزوی دیرین خود برسان ای خدا حق ، ای صاحب قدرت و جلال و بزرگواری و ای از همه مهربانتر .

دعای حضرت مهدی علیه السلام

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْإِسْتِقَامَةَ وَ سَدِّدْ أَسْنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةَ وَ اَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اكْفِفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرِقَةِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اسدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغَيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عَلَمَاتِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجَهْدِ وَ الرَّغْبَةِ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةَ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّافَةِ وَ الرَّحْمَةَ وَ عَلَيَّ مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ عَلَيَّ الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَيَّ النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ وَ عَلَيَّ الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَيَّ الْغُرَاةِ بِالنَّصْرِ وَ الْغَلْبَةِ وَ عَلَيَّ الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَيَّ الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصَافِ وَ حُسْنِ السَّيْرِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ترجمه دعای حضرت مهدی علیه السلام :

بار خدایا روزی کن ما را توفیق و اطاعت و دوری از نافرمانی و نیت

پاک و حرمت گزاری و گرامی دار ما را به رهجویى و استقامت و بگردان زبان ما را به درستگویى و حکمت و پرکن دلهاى ما را به دانش و معرفت و پاک دار شکمهاى ما را از حرام و شبهه ناک و بازدار دست ما را از ستم و دزدى و بر هم نه چشمهاى ما را از هرزگى و خیانت و ببند گوشهاى ما را از سخن بیهوده و بدگویى و تفضل کن بر دانشمندان ما به پارسایى و خیرخواهى و بر دانش آموزان به کوشش و شوق و بر شنوندگان به پیروى و پندگیری و بر بیماران مسلمانان به درمان و آسایش و بر مردگانشان به مهربانى و دلجویى و بر پیرمردان ما به وقار و سنگینى و بر جوانان به بازگشت و توبه و بر زنان به حياء و پاکدامنى و بر توانگران به تواضع و بخشش کردن و بر فقیران به شکیبایى و قناعت و بر جنگجویان به یارى و پیروزی و بر اسیران به رهاىى و آسودگى و بر اسیران به عدالت و مهرورزى و بر رعیت به انصاف و خوش رفتارى و برکت ده به حاجیان و زواران در توشه و هزینه و به انجام رسان آنچه واجب کردى بر ایشان از حج و عمره به فضل و رحمتت ای ارحم الراحمین.



تسبیح امام زمان «عج» از روز هیجدهم تا آخر ماه

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ أَرْضَى نَفْسَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ مِذَادَ
كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلُ ذَلِكَ^(۱).

حرز امام زمان «عج»

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَيَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ
سَبَّبْنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ^(۱).

دعا جهت سلامتی امام زمان علیه السلام

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى
تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا^(۲).

در خاتمه باید تشکر کنم از حضرات آیات عظام ، حجج اسلام ،
و عاظ کرام و شعرای محترم و دوستان و شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت
علیهم السلام که در چاپ و نشر آثار آل محمد «ص» ما را یاری نمودند .
و سفارش حقیر به شیفتگان حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان «ع» این
است که دست از این مسجد مقدس جمکران برندارند که خیر دنیا و آخرت
در اینجاست. این سفارش از ناحیه امام زمان «ع» و مراجع عالیقدر و علماء
اعلام و بزرگان دین بود که به این مسجد جمکران رغبت بیشتر کنند ، من
دست و پای آن عزیزانی که از راه دور و نزدیک به این مکان مقدس (مسجد
جمکران) می آیند می بوسم ، جانم به فدای خاک کف پای آن مراجع
بزرگوار شیعه که با پای پیاده به این مسجد شریف جمکران می آمدند و
هفته ها در این مسجد بیتوته می کردند و با امام زمان «ع» درد دل می نمودند

۱ - مهج الدعوات ، صفحه ۴۵ .

۲ - مفاتیح الجنان ، صفحه ۳۰۸ .

که زبان حال همه ما در این مسجد مقدس این است :

العجل ای صاحب محراب و منبر العجل

العجل ای حامی دین پیمبر العجل

العجل ای باعث ایجاد عالم العجل

العجل ای وارث شمشیر حیدر العجل

خداوندا ، این خدمت ناچیز را از ما قبول فرما ، پروردگارا به حقّ

یوسف زهرا این کشور صاحب الزمان ایران و مقام معظم رهبری و

حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه علمیه قم و مسئولین محترم کشوری و

لشکری و همه ملت بزرگ ایران را در پناه ولی عصر امام زمان «ع» از خطرهای

محافظت بفرما ، آمین یا یا رب العالمین .

حوزه علمیه قم

کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع»

تلفن و فاکس ۵۳۰۶۷

سید جعفر میر عظیمی

اللهم صلّ و سلّم وزد و بارك على صاحب
الدعوة النبوية و الصولة الحيدرية و العصمة الفاطمية و الحلم
الحسني و الشجاعة الحسينية و العبادة السجادية و المآثر
الباقرية و الاثار الجعفرية و العلوم الكاظمية و الحجج
الرضوية و الجود التوقية و النقاوة النقية و الهيبة العسكرية و
الغيبة الالهية القائم بالحق و الداعي الى صدق المطلق الكلمة الله
و امان الله و حجة الله القائم بامر الله و المقسط لدين الله
الغائب بامر الله و الذاب عن حرم الله امام السر و العفن دافع
الكرب و المحن صاحب الجود و المنن الامام بالحق ابي القاسم
محمد بن الحسن صاحب العصر و الزمان و خليفة الرحمن و
مظهر الايمان و قاطع البرهان و شريك القرآن و امام الانس و
الجان صلوات الله و سلامه عليه و عليهم اجمعين .

الصلوة و السلام عليك يا وصي الحسن و الخلف الصالح يا
امام زماننا ايها القائم المنتظر المهدي يا بن رسول الله يا بن
امير المؤمنين يا امام المسلمين يا حجة الله على الخلائق اجمعين
يا سيدنا و مولينا انا توجهنا و استشفعنا و توسلنا بك الى الله و
قدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا و الاخرة يا وحيها عند الله
اشفع لنا عند الله عزّ و جلّ بحقك و بحق آبائك الطاهرين .

۹	مقدمه.....
۱۹	امیرمؤمنان علی علیه السلام از مسجد مقدس جمکران خبر می دهد.....
۲۳	صاحب الزمان «ع» مسجد جمکران.....
۲۷	مسجد مقدس جمکران.....
۲۸	تاریخچه مسجد صاحب الزمان «ع».....
۲۹	نماز امام زمان «ع» در مسجد جمکران.....
۲۹	فضیلت خواندن نماز در مسجد جمکران.....
۳۲	معجزاتی از تأسیس مسجد جمکران.....
۳۷	آیت الله العظمی خوانساری پیاده به مسجد جمکران می رود.....
۳۷	آیه الله العظمی آقای شیخ عبدالکریم حائری.....
۳۸	آیه الله آقای حاج شیخ مرتضی حائری و مسجد جمکران.....
۴۰	آیت الله العظمی آقای حجت در مسجد شریف جمکران.....
۴۰	آیه الله حجت و مسجد جمکران.....
۴۱	سخنان حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی.....
۴۱	نظر آیه الله العظمی بروجردی در باره مسجد جمکران.....
۴۲	حضرت امام خمینی قدس سره الشریف در مسجد مقدس جمکران.....
۴۳	آیه الله العظمی گلپایگانی به مسجد مقدس جمکران مشرف می شوند.....
۴۶	پیدایش مسجد مقدس جمکران از دیدگاه مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی.....
۴۸	چهل شب بیتوته در مسجد جمکران قم.....
۴۹	آیه الله شیخ محمد تقی بافقی در مسجد جمکران.....
۵۰	سخنان حضرت آیه الله فاضل لنکرانی در باره مسجد جمکران.....
۵۱	بیشتر از پانصد مرتبه به مسجد شریف جمکران مشرف شدم.....
۵۱	روحانیت مسجد جمکران.....
۵۱	یک قربانی به مسجد جمکران بفرستید.....

- چند سؤال ضروری در باره مسجد جمکران و اعمال آن : ۵۳
- سخنان حضرت آیه الله حاج شیخ محمد تقی بهجت ۵۵
- نظر حضرت آیه الله صافی در باره مسجد جمکران ۵۶
- سخنان حضرت آیه الله حاج شیخ حسین نوری در باره مسجد ۵۷
- نظر حضرت آیه الله سید محمد علی علوی گرگانی در باره مسجد ۵۹
- نظر آیه الله محسنی ملایری در باره مسجد مقدس جمکران ۶۰
- سخنان آیت الله مجتهدی تهرانی : ۶۱
- ما بین قم و مسجد جمکران تمام چمنزار است ۶۲
- حضرات آیات پیاده به مسجد مقدس جمکران می روند ۶۳
- سخنان آیت الله حاج میرزا علی احمدی میانجی ۶۳
- سخنان آیه الله بنی فضل ۶۴
- نظر آیت الله حاج شیخ علی پناه الاشتهاردی : ۶۶
- امام زمان «ع» در مسجد مقدس جمکران ۷۱
- او با امام زمان روحی له الفداء به مسجد جمکران می رفت ۷۴
- نتیجه توسل به امام زمان «ع» در مسجد جمکران ۷۵
- سخنان آیت الله بدلا در باره مسجد جمکران : ۸۰
- نیاز به عمل نشد ۸۱
- برو به مسجد جمکران / دیدار با امام زمان «ع» ۸۲
- جریان تشرف شیخ محمد کمال فریزدی به خدمت امام زمان «عج» ۸۵
- عنایت صاحب الزمان «ع» ۸۷
- امام زمان «ع» کمک کرد ۸۸
- حجة الاسلام و المسلمین واعظ شهیر آقای علی نظری نقل کردند : ۸۹
- مسجد جمکران ۹۰
- اگر شفائی هست در مسجد مقدس جمکران است ۹۱
- از مسجد مقدس جمکران نتیجه گرفتم ۹۲
- توسل به صاحب الزمان در مسجد جمکران قم ۹۳
- آیه الله العظمی آقای بروجردی و مسجد جمکران ۹۴
- امام زمان «ع» در مسجد مقدس جمکران ۹۶
- آقا راه مسجد جمکران را به ما نشان دادند ۹۹
- چهار سال است شبهای چهارشنبه به مسجد جمکران مشرف می شوم ۹۹

- ۱۰۰ به حاج رضا بگوئید خداوند به ایشان بچه خواهد داد
- ۱۰۱ سفارشات امام زمان «ع» در مسجد جمکران
- ۱۰۲ مرحوم آیه الله قاضی در مسجد جمکران
- ۱۰۳ از کدام راه به مسجد جمکران می آئی
- ۱۰۵ از امام زمان «ع» در مسجد مقدس جمکران شفا گرفتم
- ۱۰۷ عنایت حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - به کودک ۱۳ ساله زاهدانی
- ۱۱۲ امام زمان به من شفا داد / کراماتی که از مسجد مقدس جمکران دیدم
- ۱۱۴ مشکل من حل شد
- ۱۱۵ با امام زمان «عج» مسجد جمکران را تعمیر می کردیم
- ۱۱۷ صاحب الزمان شفا داد / هر پولی مصرف مسجد جمکران نمی شود
- ۱۱۹ پیرزن باصفایی در مسجد مقدس جمکران
- ۱۲۲ شش ماه در مسجد ماند تا امام زمان «ع» را ملاقات کرد
- ۱۲۵ شفای مفلوج سفارش به دعای فرج
- ۱۲۶ عنایت فرزند:
- ۱۲۷ حل مشکل ازدواج
- ۱۲۸ شفای مجروح و معلول جنگ:
- ۱۲۹ زنده کردن دختر مرده:
- ۱۳۰ شفای ضایعه نخاع کمر
- ۱۳۲ حل مشکل خانوادگی
- ۱۳۳ شفای ناراحتی کلیه مادرزاد
- ۱۳۴ شفای بیمار قلبی مادرزاد
- ۱۳۵ شفای ناراحتی اعصاب و روان
- ۱۳۶ مشکل خرید خانه
- ۱۳۷ شفای سرطانی
- ۱۳۸ شفای پیوند انگشتان
- ۱۳۹ خانه را از امام زمان «ع» می گیرم
- ۱۴۰ نذر به مسجد مقدس جمکران
- ۱۴۱ مسجد جمکران نیایشگاه فقهای اسلام
- ۱۴۲ زبان حال همه شیفتگان امام زمان «ع» در مسجد مقدس جمکران
- ۱۴۳ از توجهات امام زمان «ع» استخوان سیاه سفید شد

- ۱۴۴ هر چه دارم از امام زمان «ع» و مسجد جمکران است
- ۱۴۷ جمکران
- ۱۴۸ مسجد جمکران
- ۱۴۹ کعبه جان
- ۱۵۰ شمه‌ای در فضیلت مسجد جمکران
- ۱۵۲ بنای رفیع
- ۱۵۴ به یاد مسجد جمکران / مسجد جمکران پایگاه مسلمین
- ۱۵۵ رباعیات
- ۱۵۶ مسجد جمکران سرزمین دیدار
- ۱۵۷ یا صاحب الزمان «عج»
- ۱۵۷ رباعیات
- ۱۵۸ مسجد مقدس جمکران
- ۱۵۹ قصیده
- ۱۶۰ امید امیدواران
- ۱۶۱ گل نرگس
- ۱۶۲ گل شاداب
- ۱۶۵ در استغاثه بحضرت مهدی «عج»
- ۱۶۶ یوسف گم گشته
- ۱۶۷ طبیب دردمندان
- ۱۶۹ توسل به حضرت ولی عصر
- ۱۷۰ غزل
- ۱۷۱ شمشیر کجست راست کند قامت دین را
- ۱۷۳ حجت ثانی عشر
- ۱۷۴ مهدی جان
- ۱۷۵ صاحب زمان «ع»
- ۱۷۶ یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد
- ۱۷۷ در مدح حضرت حجت «ع»
- ۱۷۸ در استغاثه به حضرت مهدی «عج»
- ۱۸۱ نام، لقب، کنیه / تاریخ ولادت امام زمان قائم آل محمد «ص»
- ۱۸۲ حسب و نسب حضرت مهدی موعود «ع»

۱۸۲	ده شمائل.....
۱۸۳	غیبت صاحب الزمان «ع».....
۱۸۴	مهدی موعود در آیات قرآنی.....
۱۸۷	مهدی موعود در احادیث.....
۱۹۱	بالای سر حضرت مهدی «ع» فرشته‌ای است.....
۱۹۱	مصلح جهان خواهد آمد.....
۱۹۲	مهدی فرزند فاطمه «س» است.....
۱۹۲	ابر بر سر حضرت مهدی «ع» سایه می‌افکند.....
۱۹۲	چند نمونه از وظایف شیعیان و عاشقان امام زمان «ع».....
۱۹۴	شباهت امام زمان «ع» به حضرت آدم «ع».....
۱۹۴	چند نمونه از شباهت امام زمان «ع» به پیغمبران علیهم السلام.....
۲۰۲	صاحب الزمان با شما سخن می‌گوید.....
۲۰۷	«طریقه نامه نوشتن و عریضه دادن به امام زمان «ع»».....
۲۰۹	دعای توسل.....
۲۱۴	فضیلت دعای حضرت حجت «ع».....
۲۱۵	دعای عهد.....
۲۱۸	زیارت مبارکه آل یس.....
۲۲۴	دعای بعد از زیارت آل یس.....
۲۲۸	دعای حضرت مهدی «ع».....
۲۲۹	تسبیح امام زمان «عج» از روز هجدهم تا آخر ماه.....
۲۳۰	دعا جهت سلامتی امام زمان «ع» / حرز امام زمان «عج».....

آثار دیگر مؤلف

- ۱- حقوق والدین « چاپ دوم »
- ۲- زاد المؤمنین فی احادیث المعصومین «ع» « چاپ دوم »
- ۳- گنجینه علم
- ۴- فضیلت علم
- ۵- فضیلت روزه
- ۶- جهاد و شهادت
- ۷- تفسیر سوره جمعه
- ۸- ندای آسمانی
- ۹- فضیلت خواندن قرآن
- ۱۰- سلسله درس‌هایی از اصول دین
- ۱۱- سلسله درس‌هایی از فروع دین
- ۱۲- زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام
- ۱۳- معراج المؤمن
- ۱۴- انفاق از دیدگاه اسلام
- ۱۵- ادعیه ماه مبارک رمضان
- ۱۶- دو فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۷- فروغ آسمانی

جلد اول کتاب مسجد جمکران ، تجلیگاه صاحب الزمان «عج» در روز ولادت با سعادت مولای متقیان امیر مؤمنان علی علیه السلام ، ۱۳ ماه رجب ۱۴۱۵ هجری قمری ، ساعت ۲ بعد از ظهر به پایان رسید .
از حضرات آیات عظام و علمای اعلام و نویسندگان گرام و دانشمندان والامقام و شعرای محترم و شیفتگان حضرت صاحب الزمان «عج» و مسجد مقدس جمکران تقاضا می‌کنم معجزات و کرامات و دیدارها و مقالات خودشان را به آدرس ذیل ارسال دارند تا بخواست خداوند متعال و عنایت حضرت بقیة الله «عج» در جلد دوم مسجد جمکران ، تجلیگاه صاحب الزمان «ع» چاپ شود .

آدرس :

۱ - قم ، خیابان امام ، تولید دارو ، کوچه سوم ، دست راست ، پلاک ۲۳ ،

تلفن ۴۲۶۰۸

۲ - خیابان امامزاده جعفر «ع» ، مقابل ۲۰ متری شهید مطهری

واحد فرهنگی کتابخانه عمومی حضرت ابوالفضل «ع»

تلفن و فاکس : ۵۳۰۶۷

بسمه تعالی

تاریخ

مسجد مقدس صاحب الزمان «عج»

شماره

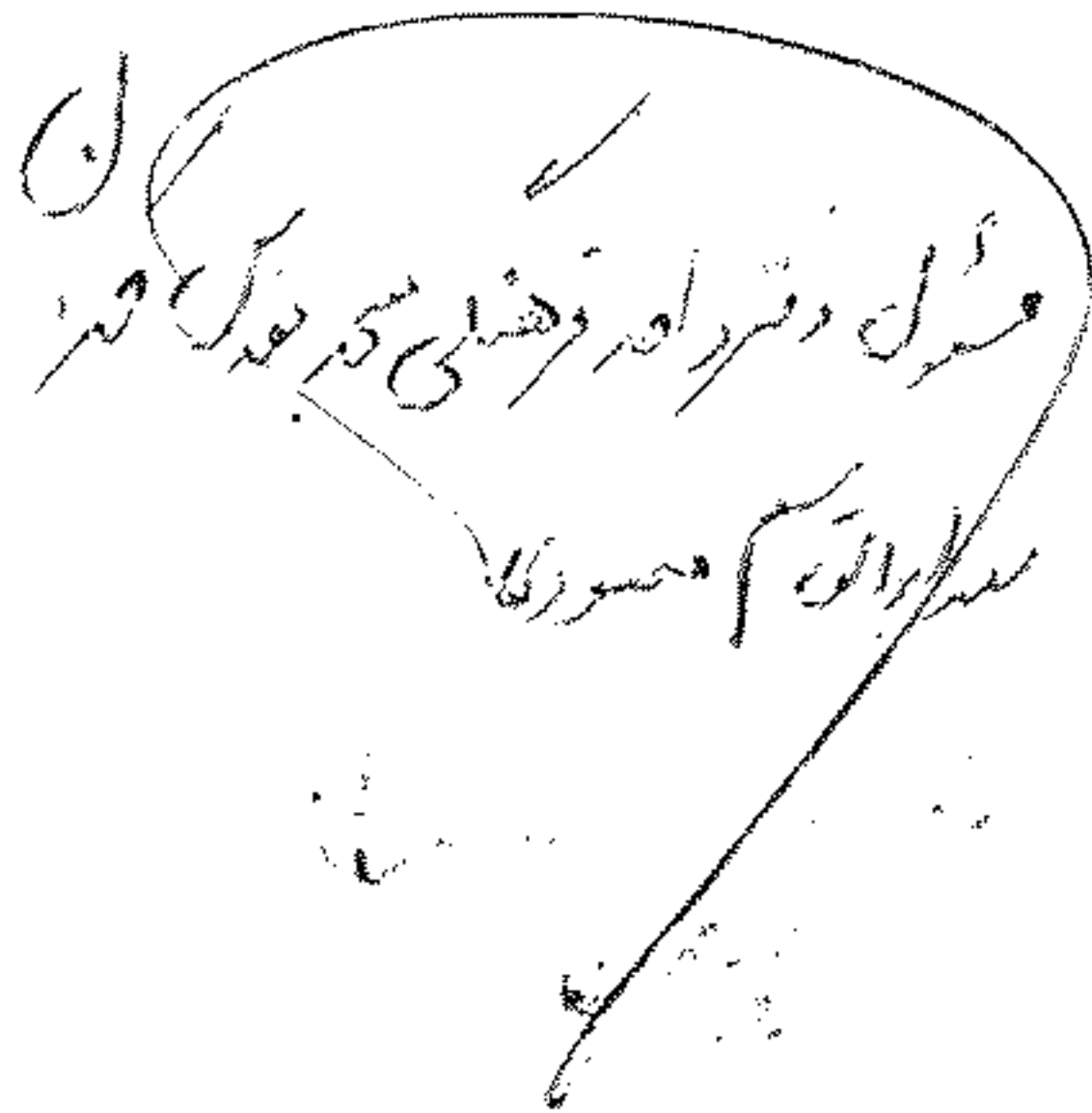
جمکران - قم

حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین

جناب آقای سید جعفر میر عظیمی دامت برکاته

با ابلاغ سلام ،

با توجه به اینکه جنابعالی کتاب با ارزش صاحب الزمان و مسجد جمکران را در دست تألیف دارید و این خود خدمت بزرگی است که بیش از یکهزار سال است که این مسجد بنا شده است و هنوز کتابی جامع در باره آن منتشر نگردیده ، آمار شیفتگان حضرت ولی عصر «عج» در آخرین مرتبه به شرح زیر اعلام می گردد .



۸۳۷۳۳

تعداد کل زائرین

۳۸۰۴۰

تعداد خانمها

۴۳۱۳۴

تعداد آقایان

۶۲۹۴

وسائل نقلیه

۴۳۱۵

سواری

۱۰۷۶

اتوبوس

توضیح اینکه شبهای چهارشنبه دهها هزار نفر از شیفتگان حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - از شهرستانهای مختلف کشور برای عرض ارادت به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام به مسجد مقدس جمکران شرفیاب می شوند. اخیراً از طرف واحد فرهنگی مسجد، زائران مسجد مقدس سرشماری می شوند .

آمار فوق مربوط به آخرین سرشماری زائران در هفته گذشته، از ساعت ۲ بعدازظهر تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب می باشد.